



در راه خدا تن به خطر باید داد
در مقدم انقلاب، سربا یسد داد
آن شیرزنی که شوهرش گشت شهید
میگفت: در این راه پسربا یسد داد

قَارِعَةُ الْمَرْثِيَّةِ اِذْ مَعَ الْمَرْثِيَّةِ

راه شهد

در راه خدا قبرش گد به جفا بجز سحر مصائب و سحر تار
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال چهارم - شماره ۳۳ - بهار ۶۰ ریال
آذر و دیماه ۱۳۶۴

سیر تحول فکری مجاهدین

از سال ۴۴ تا سال ۶۴

قیمت سوم روش شناخت

ویژگی حرکت مجاهدین را همین بنا زبورو ش
شناخت اسلامی تشکیل میداد. از آنجا که یک
کار جدید بود طبعاً "نارسانا" هم داشت. وصیت
شهادی بنیاد نگذا رهم این بود که کار را بدست لوزیک
ادا میابد، چرا که آنها به هدف نهائی خود
نرسیده بودند.....

بقیه در صفحه ۶

بمناسبت
۱۶ آذر

دانشجو

سیاست

صفحه ۵

شهادت شهید ساکر و سهام مجاهدین

محمد تقی باقری

علیرضا سموات
بهرام اشتراروی

راگرای میسرایم



"مشکلات انقلاب ما را تنها کارهای مکتبی،
همه جا نبه و خود کفا میتوا نند حل کنند."

از یادداشت های: "مجاهد شهید تقی مددل"
در سنگر آبادان

شبهه های مرموز شکوت

در سیرت درجی کودتا (۲۸ مرداد) دو جریان نقش داشتند:
اول: عناصری مرموز که عمده ترین توطئه آنها را من زدن به
اختلافات داخلی در نهضت ملی و انداختن دوستان به جان
یکدیگر بود. تا دشمن اصلی هر دو فرا موش گردد. توطئه این
جریان در "مصدق - کاشانی" کردن نهضت ملی و قراردادین
این دو شخصیت در برابر یکدیگر بود، در صورتیکه نه مصدق
دشمن کاشانی بود و نه کاشانی دشمن مصدق بلکه دشمن اصلی
هر دو آنها، استعمار انگلیس و با یگانه داخلی آن یعنی دربار
بود.

دوم: عناصر ساده اندیشی که برای دفاع از انقلاب همه دام
شبهه های غیر اصولی میافتند، ضعفهای این جریان را موضع
فقر بینشی است که آلت دست عناصر مرموز شده و به شبهه های
غیر اصولی تن میدهند.

بقیه در صفحه ۳

انقلاب اسلامی و دستهای مرموز

۳- مناقبی

یکی از اعمال صالحه در شرایط فعلی، شناخت و مبارزه با
دستهای مرموز نفوذی است. اینها افراد وابسته و بیگانه
مشکوکی هستند که ما هیتا "با انقلاب تضا ددا رند و با نفوذیکه
در میان انقلابیون دارند سعی میکنند انقلاب را از درون
بهیوسا نند و از مسیرش منحرف سازند. ریشه همه انحرافات
و نارسانا شها را نیز باید در نفوذ خط مشی و شیوه های این
جریانات در درون نیروهای انقلاب دانست.

یکی از این دستهای مرموز دکتر جواد مناقبی است. سابق
دا نشکده الهیات است. وی قبل از انقلاب از روحانیونی
بود که رژیم شاه حمایت کرده و اصلاحات آنرا تا بید می نمود

بقیه را در صفحه ۱۹ بخوانید



- * خط امام در کلام آیت... بنسبتی
- * در نظام آموزشی درون انقلاب و حوزه های علمیه
- * پیرامون انتخاب نخست وزیر
- * اخبار جنگ اسلام و کفر
- * مستضعفین نیازمند اصول سیاست خارجی
- * اخباری پیرامون نفت
- * نجاشی به سیمتار امر معروف و نهی امر منکر
- * اخبار بازارگردانان اموال طاغوتیان
- * پیرامون لایحه اصلاح قانون حفاظت و توسعه صنایع

در صفحات ۹ الی ۲۷



جدول عملیات نظامی چریکهای فلسطینی

صفحه ۲۶ را ببینید

نوشته گیری از پنج البلاغه خطبه جهاد

صفحه ۲۲

صفحه ۷

رابطه تقوی و تفقه

جمهوری اسلامی

آزادی

استقلال

سخن امام

راه‌سنمای مستضعفین



۶۴/۸/۲

کیهان

وضع سفارتخانه‌ها

کیهان

در دیدار ربا سفرا و وزیر امور خارجه:

سابق وضع اینطور بود که افراد حکومت هیچ ارتباطی با مردم نداشتند، و نمی‌فهمیدند که مردم چه می‌گذرد. ولی اکنون خدا خواسته است که حکومت مستضعفین تشکیل بشود که حمد الله تاکنون عملکرد او خوب بوده است و امیدوارم از این به بعد بهتر باشد... ما اگر خواهیم خودمان باشیم باید همه چیزمان از خودمان باشد و رآد اب و رسوم خودمان را از غرب جدا کنیم. ما از غرب خیلی بد بیاد داریم و چیزی که بشود گفت که خوبی آنها بود است در حکومت‌های غربی نبود است بلکه از اهل صنعت بود است که البته بسیاری از آنها برای حکومت کار میکنند. بنابراین باید وضع ما جور باشد که هر کس وارد به آنجا (سفارتخانه‌ها) میشود یک محیط

روزنامه‌ها مال طبقه سوم است مال طبقه اول نیست و این همه نیست که همه‌اش مال حکومت باشد و از چیزهای حکومتی بنویسد این صحیح نیست به نظر من روزنامه‌ها برای مردم است.

اسلامی ببینید چه از حیث پرسنل چه از جهت زندگی... ما باید با کشورها همکاری داشته باشیم... متنبی نباید تحت سلطه خارج باشیم. نباید آنها در حالت در امور ما بکنند و نباید آنها ما را مخطوب دهند... میخواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صد و انقلاب به لشکرکشی نیست بلکه میخواهد هم حرفمان را به دنیا برسانیم. آنها را میخواهند که ما را به تهاوی بکشند، ما اصلاً میل نداریم که آنها روابط داشته باشیم، مگر اصلاح شوند.

پاسخ امام در جواب نمایندگان درباره دولت:

باتشکر از حضرات آقایان اینجانب چون خود را موظف باظهار نظر میدانم به آقایانی که نظر خواسته اند از آنجمله جناب حجت الاسلام آقای مهدوی و بعضی آقایانی دیگر عرض کردم آقای مهندس موسوی را شخص متدین و متعهد و در وضع بسیار پیچیده کشور دولت ایشان را موفق میدانم و در حال حاضر تغییر آنرا اصلاح میدانم ولی حق انتخاب با جناب آقای رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است.

مخالف و موافق مجلس

کیهان

این سه وضعی که در مجلس آمده است که رای متمنع و رای مخالف و رای موافق آنها همه برای این بوده است که تشخیص داده اند آن مطلب را در آن هم صحبتی نیست. صحبت این است که آیا از این به بعد مخالف میخواهد کارشکنی بکند برای دولت؟ به ترتیب غریبش می خواهد عمل کند؟ برای اثبات اینکه ما راست گفتیم میخواهد اسلام را شکست بدهد؟ میخواهد جمهوری اسلامی شکست دهد؟ یا اینکه عقل اقتضا میکند که حالا در مقابل این امر واقع شده است و از این بهتر می شود عمل بشود و هدایت کند کمک کند که بطور شایسته عمل بشود.

چیزیکه برای همه ما لازم است اینست که در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگه داریم.

اگر چنانچه يك وقت خدای نخواسته وسوسه ای پیش بیاید یا کسی باشد که بخواد وسوسه ای پیش بیاورد در خارج و داخل تضعیف کند دولت را و نگذارد که مسائل پیش برود و همه چیزهایی که باید موافق با اسلام باشد پیش برود مردم مواظب باشند و مطلعند و شناسایی میکنند و سکوت نمی‌کنند بگوئید مصلحت در دم برای مصلحتانی این کار را کردیم و اثبات کنید حرف خودتان را نخواهید تأیید کنید از دولت در موارد بیجا آنها برخلاف شرع است. از آنطرف هم من به قوای مسلحه چه ارتش باشد و چه چیزهای محلی باشد و چه پاسدارها باشند و به همه آنها سفارش میکنم در امور سیاسی دخالت نکنند. نمی‌گویم مطلع نشوند، دخالت نکنند.

دولت مستضعفین نزدیک است

کیهان

کاخ آمال ستمگران و جهانخواران در شرف انهدام و فروریختن است گویی دولت مستضعفین نزدیک و وعده حق تعالی قریب الوقع است گزارش اخبار

کیهان

من به سهم خود خیال دارم که راجع به من کم باشد مگر در مواقع حساسی که لازم است که آنها باید از مسائل سوال شود که آیا مطلبی را باید نقل بکنند یا نه والا آنچه خوبست در راد بیوتلوژیون و مطبوعات باشد آنست که برای کشور شری داشته باشد مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود شما این شخص را بجای مقامات کشور رصحنه اول بگذارید

انسان چون بایکی خوب نیست در مطبوعات او را بگوید کار درست نیست اما اگر کسی خلاف کرده است باید او را نصیحت کرد. پرده دری نباشد ولی انتقاد خوب است.

اخبار روزنامه‌ها نباید تکراری باشد آخر کسی با کی ملاقات کرده این چه خبر مهمی است این اصلاً قابل نیست بگوئیم آن اشخاصی که در اطراف ایران زحمت میکنند وقتی خبرشان را در دید تشویق میشوند اینطور نیست که همه لاله کار کنند و چه بنویسد و چه ننویسد فرقی نکند ما مکتفیم تا افراد را در ره‌رشته تشویق کنیم.

روزنامه‌ها مال طبقه سوم است مال طبقه اول نیست و این هم نیست که همه‌اش مال حکومت باشد و از چیزهای حکومتی بنویسد این صحیح نیست بنظر من روزنامه‌ها برای مردم است و همه مردم در آن حق دارند و میشود گفت که گاهی جای دیگران غصب میشود البته بدان معنا غصب نه ولی نظیر آن این عرض من است.

ما باید به مردم ارزش بدهیم استقلال بدهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیبر و شرکارتان نظارت کنیم.

کیهان

برماست که با اعتراف به عجز خویش از رزمندگان عزیز که با شهادت طلبی هراسناک و رشادتنشان از زمین اسلامی خود دفاع نموده و با خون پاک خود چراغهای فرا راه آزادی تمام ملت‌های در بند برافروختند قدر دانی نمائیم و نیز از مادران و پدران و خواهر - ان و همسران و برادران بزرگواری که در رشت جبهه‌ها با جدیت تمام در دفاع مقدس از اسلامی و کشور اسلامی به پشتیبانی از مجاهدان عزیز برخاسته و از هیچ چیز کوتاهی نمیکنند و از تمام ملت بزرگ و متعهد که در تمامی صحنه‌ها حاضرند تشکر نمائیم.

شیوه‌های مرموز کودتا

قسمت اول شیوه‌های سیاسی کودتا

بسم الله الرحمن الرحيم

۳ لشرك اخفى فوامتى من ديب النمل على الصفاى الحقة الظلماء...
ترجمه: شرك در امت من از گزند مورچه کوه صفاد را دلش تاريك نهناتر است
(نهج الفصاحه ص ۲۸۵)

انگيزه نگارش:

(۱) لبیک به سخنان آیه الله منتظری

از آنجا که حضرت آیه الله منتظری خطر دستهای مرموز و کودتای خزند را در انقلاب اسلامی مطرح کرده اند یکی از رسالت‌های خود در رابطه لبیک به این سخنان را، بررسی سیر خزند و دست‌ریجی کودتا و نقش دستهای مرموز و ساده‌اندیشی نیروهای انقلاب در این خزند گوییدیم و از آنجا که تاریخ يك منبع غیر قابل شک برای عبرت‌گیری است خزند گوی کودتا را در نهضت ملی بررسی میکنیم.

(۲) ضرورت تزکیه شیوه‌های غیر اصولی در جمهوری اسلامی

عدم شرکت چشمگیر مردم در انتخابات ریاست جمهوری، نسبت به شرکشی که در راه بهمان روز قدس داشتند نشان داد که مردم شهید پرور ایران، نسبت به اصول انقلاب اسلامی وفادارند و حاضرند جان و مال خود را نثار نمایند ولی با شیوه‌های غیر اسلامی که توسط عناصر نفوذی در جمهوری اسلامی اعمال میگردد بدست مخالفند، بنابراین ضرورت دارد که با این شیوه‌های غیر اسلامی برخورد شود و نشان داده شود که رایج شدن همین شیوه‌های غیر اصولی در بین بعضی از عناصر نهضت ملی در مقطعی از تاریخ سیاسی معاصر ایران چگونه موجب پاکبازی کودتای ۲۸ مرداد گردید.

کودتای ۲۸ مرداد يك حادثه خلق الساعه نبود، بلکه واقعه‌ای بود که طی يك پروسه و بطور خزند و دست‌ریجی پاکبازان در واقع نطفه کودتای زمانی بسته شد که توطئه گران مشاهده کردند که دکتر مصدق به نخست‌وزیری رسیده و نفت را به کمک بسیج مردم ملی کرده است. دست‌ریجی کودتا در جریان نقش داشتند اول - عناصر مرموزی که هدف توطئه آنها در من زدن به اختلافات داخلی در نهضت ملی و انداختن دوستان به جان یکدیگر بود تا دشمن اصلی هر دو فراموش گردد، توطئه این جریان در مصدق - کاشانی کردن نهضت ملی و قرار دادن این دو شخصیت در برابر یکدیگر بود در صورتی که نه مصدق دشمن کاشانی بود و نه کاشانی دشمن مصدق، بلکه دشمن اصلی هر دو اینها، استعمار انگلیس و پایگاه داخلی آن یعنی دربار بود.

دوم: عناصر ساده‌اندیشی که برای دفاع از انقلاب به دام شیوه‌های غیر اصولی می‌افتند، ضعف‌های این جریان از موضع فقر پیش‌پا نیست نه از موضع وابستگی، و بدلیل همین فقر پیش‌پا است که حالت دست‌عناصرمرموز شده و به شیوه‌های غیر اصولی تن میدهند.

درست است که این نارسائیهان نقش جاده صاف کنی برای دستهای مرموز را در راست ملی این مسئله نباید باعث شود که گیرها و نارسائیهای جبهه حق عمده گردد زیرا توطئه دستهای مرموز کم بهادار شده و تضاد های داخلی عمده میگردد که اینکار خود در خط طرابلسی کردن ایران (عمده کردن اختلافات داخلی) خواهد بود.

(۳) ضرورت دستیابی به شیوه صحیح حل اختلافات فکری در جمهوری اسلامی

باتوجه به اختلافات فکری که در جمهوری اسلامی بین مسئولین وجود دارد، خط کودتای خزند این است که رندانه این اختلافات را در من زده و بصورت خصمانه در آورد. در این رابطه شیوه برخورد های غیر اصولی از قبیل برخورد های تصفیه‌ای در رابطه با حل اختلافات تجویز میگردد تا بدین طریق عناصری که سابقه مبارزه داشته و در خط امام میباشند ولی اختلافات فکری طبیعی با هم دارند یکدیگر را تصفیه کرده و بدین طریق زمینه برای جایگزینی عناصری صلاحیت و دستهای مرموز فراهم گردد.

با بررسی تجربه نهضت ملی و توطئه‌هایی که طی حکومت ۱۸ ماهه دکتر مصدق، علیه نهضت ملی صورت گرفت میتوانیم عمق این توطئه‌ها را درک کرده و شیوه‌هایی را که منشاء صریح میباشند از درون انقلاب تزکیه نموده و موجب تقویت و تعالی جبهه انقلاب گردیم.

این مقاله در صد بررسی توطئه دستهای مرموز علیه حکومت ملی دکتر مصدق است که این عمل به بهترین وجهی متضمن تزکیه درونی نیز خواهد بود و به پاکسازی سنخیت‌هایی که بعضی از عناصر انقلاب با دستهای مرموز دارند کمک خواهد کرد.

طی این مقاله سعی میشود تا به يك سؤال اساسی پاسخ داده شود و آن اینکه چرا و وقتی که کودتای ۲۸ مرداد صورت گرفت آب از آب تکان نخورد؟ حال آنکه در ۲۳ تیر توطئه برکناری دکتر مصدق از نخست‌وزیری با قیام مردم مخفی گردید.

واقع این است که اگر دیدی که ما اکنون از کودتای ۲۸ مرداد به عنوان يك کودتای امریکایی - انگلیسی داریم در آن زمان وجود داشت کودتای ۲۸ مرداد تا کام میماند و قیام مردم نمیگذاشت که کودتا بشمیرسد. علت تثبیت کودتا به خاطر خزند گویاش بود و حق و باطل آنقدر در هم فرو رفته بودند که مرز بندی فقط برای عمده معدود مثل دکتر فاطمی و دکتر مصدق مشخص بود که اینها نیز در افشای کودتا تلاش خود را کردند ولی برخی از عناصر نهضت ملی آنقدر انحراف خود را استمرار دادند تا به خیانت کشیده شدند و کودتا را تأیید کردند که آنها

موجب مشروعیت بیشتر کودتا گردید و به ثبات آن کمک نمود.

شیوه‌های مرموز کودتا

اول - اصلی کردن شعار امنیت، تولید، کار، رفاه.

پس از کودتای انگلیسی با امریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ تیمسار آزموه در دادگاه نظامی با عمده کردن شعار امنیت، تولید، کار، رفاه که به دلیل اقتصاد تکلیف‌های کشور با پول نفت قابل تحقق بود و به غارت نفت مشروعیت می‌بخشید یکی از جریمه‌های دکتر مصدق قرار بر هژدن امنیت افزایش بیکاری و بی‌نایی می‌دانست و برادر کشر مصدق نفت را ملی کرده بود و کشورهای خارجی خرید نفت از حکومت ملی را تحریم کرده بودند در نتیجه به کشوری که در راه استقلالش استقامت میکرد به علت وابسته بودن همه چیزش به درآمد نفت با التیخ‌شاه‌ها می‌وارد می‌آمد.

ملی کردن صنعت نفت و تلاش در جهت بازسازی اقتصاد غیر متکی به درآمد نفت موجب می‌شد که به امنیت نفتی و تولید و کار و رفاه وابسته به درآمد نفت که همگی خواسته‌های طبقه متوسط و خط میانه می‌باشد ضرباتش وارد آید اینکار

حاکمیت سیاسی خط میانه را به خطر می‌انداخت زیرا خط میانه به دلیل فقدان پایگاه مردمی صرفاً با اتکا به درآمد نفت است که قدرت حکومت دارد، بنابراین ناچار است برای ثبات حکومتش به غارت نفت مشروعیت دهد، به همین خاطر بهترین پایگاه سیاسی برای کارتل‌های نفتی محسوب میشود.

این خط میانه در ایران، با بر سر کار آمدن رضاخان شکل سیستماتیک به خود گرفت پس از کودتای ۱۲۹۹ تلاش زیادی شد که بافت اقتصادی و اجتماعی و نظامی و سیاسی و علمی کشور به درآمد نفت متکی گردد تا بدین طریق داخل کشور گره بخورد تا اگر کسی خواست مستقل شود و نفت را ملی کند و به منافع حیاتی استعمار لطمه بزند فشار زیادی به کشور وارد آید و این فشار انگیزه‌ای برای ملی کردن نفت و تلاش در راه کسب استقلال و مبارزه با استعمار بگیرد.

مثلاً پس از کودتای ۱۲۹۹ ارتش کلا سیکو منظمی تشکیل شد که درآمدش وابسته به پول نفت بود و کارش سرکوب جنبش‌های استقلال طلبانه مثل حرکت میرزا کوچک‌خان و... برای حفظ امنیت نفتی بود.

بتدریج در روزهای کشور پروری هجوم کالاهای غریب با زشد تا با ورود کالا های آماده انگیزه تولید در داخل کشته شود و یا اگر تولیدی بود مواد اولیه اش از خارج وارد شود که آنهمه پول نفت محتاج بود (وابستگی تولیدات به ارز نفت)

نفتی را در داخل (خط میانه) و خارج (کارتل‌ها نفتی امریکایی و انگلیسی و...) که روی شعار امنیت، تولید، کار، رفاه و وحدت داشتند برای براندازی حکومت ملی دکتر مصدق بسیج نمایند زیرا تا زمانی که قانون ملی شدن صنعت نفت در کثرت حاکمیت داشتند حاکمیت سیاسی خط میانه و غارت کارتل‌های نفتی امکانپذیر نبود بنابراین باید:

اول - دکتر مصدق را ساقط میکردند که به دستور شاه در ۲۵ مرداد دستور عزل دکتر مصدق از نخست‌وزیری داده شد و به کودتای ۲۸ مرداد انجام میداد دکتر مصدق به احمد آباد تبعید گردید ثانیاً - قانون ملی شدن نفت را نسخ میکردند که توسط انعقاد قرارداد کنسرسیوم انجام شد.

پس از فروردین ۴۱ (انقلاب سفید) شعار مسکن جای شعار رفاه را گرفت و شعار فوق بصورت امنیت، تولید، کار، مسکن درآمد زیرا که با هجوم روستائیان به شهر و اثر انقلاب سفید مسئله تامین مسکن در زندگی شهرنشین عمده شده و آپارتمان سازی بصورت نیاز ضروری در میامد که خود بطور غیر مستقیم به درآمد نفت وابسته بود.

در تاریخ سیاسی ایران بخصوص پس از کودتای ۱۲۹۹، هر جریانی که میخواست به غارت نفت مشروعیت ببخشد شعار امنیت و تولید و کار و مسکن را عمده میکرد زیرا تحقق این شعار منوط به درآمد نفت است.

رضا خان این شعارها را عمده میکرد و حکومت کودتا نیز پس از ۲۸ مرداد این شعارها را عمده کرد تا به قرارداد کنسرسیوم مشروعیت داده و قانون ملی شدن صنعت نفت را زیر پا بگذارد چنانچه تیمسار آزموه در دادگاه نظامی خطاب به دکتر مصدق، به تحلیل کودتای ۱۲۹۹ می‌پردازد که به اینانگر رابطه کودتا با شعار امنیت، تولید، کار، مسکن می‌باشد که به این گرایش بیانات در زیر می‌پردازیم:

... رضا شاه که موفقی به برقراری امنیت شد اثرش این بود که مردم ایران همه کار داشتند و همه نان، ولی دکتر مصدق موفقی شد که اکثریت مردم را بیکار کرد و بی‌پایان بگذارد.

ناخفیه عظیم الشان ایران کاروان دانشجو به اروپا روانه کرد تا استقلال ایران را در آینده تامین کند مصدق السلطنه از دانشجویان را قطع میکرد تا تشبه به ریشه کشور بزند.

سردار بزرگ ایران شاهنشاه فقیده شالوده‌ارترش را با شالوده استواری طرح ریزی نمود تا در زمان معاصر امنیت باقی و برقرار

خط میانه به دلیل فقدان پایگاه مردمی صرفاً با اتکا به درآمد نفت است که قدرت حکومت دارد بنابراین ناچار است برای ثبات حکومتش به غارت نفت مشروعیت دهد به همین خاطر بهترین پایگاه سیاسی برای کارتل‌های نفتی می‌باشد.

از طرفی هر چه مورش نفت رونق بیشتری میافتد کارگران شرکت نفت نیز بیشتر شده و بازار کاری ایجاد میشد که ثباتش وابسته به امنیت نفتی بود بنابراین جرم دکتر مصدق این بود که نفت را ملی کرد و به تحقق اقتصاد غیر متکی به درآمد نفت سبب شد که بزرگترین ضربه به حاکمیت سیاسی خط میانه و شعار متکی به درآمد نفت (امنیت، تولید، کار، رفاه) که به غارت نفت مشروعیت می‌بخشید وارد آید و همه جناح‌های

تو خود با رحمت و اسعه خود به مسلمین نظر بفرما و همه ما و آنها را از قید خود و عبودیت بتها خصوصاً بت نفت نجات بده ایمنی

لطمه زد . . .

(ص ۲۶۲ کتاب مصدق در محکمه نظامی)

دوم - سپهر بلا کردن آیت الله کاشانی

پس از قیام ۳۰ تیر توطئه‌هایی که توسط دربار و مجلس شاه علیه حکومت ملی دکتر مصدق صورت میگرفت به شکل مرموزانه‌تری درآمد قبل از ۳۰ تیر عناصروا بسته به دربار و ستبهای مرموزی چون دکتر بقایی با اعطای اختیارات ۶ ماهه به دکتر مصدق جهت اصلاحات داخلی مخالفت میکردند ولی پس از قیام ۳۰ تیر اولیسن توطئه این بود که آیت الله کاشانی را رئیس مجلس کردند و تا جایی ایشان را سپهر بلای خود نمودند که ۶ ماه بعد در زمانیکه دکتر مصدق تقاضای اعطای اختیارات یکساله را نمود دستهای مرموز در پشت آیت الله کاشانی جنبه گرفته و از زبان ایشان با اعطای اختیارات یک ساله جهت اصلاحات داخلی مخالفت نمودند تا جایی که آیت الله کاشانی در مخالفت پیچیده اختیارات یک ساله گفتند: تا موقعیکه اینجانب ریاست مجلس شورای ملی را بعهده دارم اجازه طرح لایحه اختیارات و نظیر این قبیل لوایح را که مخالف قانون اساسی است در مجلس نمیدهم مگر صریحاً قدغن میکنم که از طرح آن خودداری شود.

در مجلس شانزدهم در کمیسیون نفت ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تنظیم گردید که پس از قتل رزم آرا به تصویب کمیسیون رسید و به مجلس پیشنهاد شد مجلس پس از تصویب ماده واحده فسوق کمیسیون نفت را مأمور کرد که مواد اجرائیه ماده واحده را نیز تهیه کند که دکتر مصدق این مواد را تهیه نمود. در اینزمان حسین علاء نخست وزیر بود ولی وی پس از تصویب ماده واحده ملی شدن صنعت نفت و قبل از تصویب مواد اجرائیه اش استعفا داد و به دکتر مصدق پیشنهاد نخست وزیری شد وحتی حسین علاء شاه نیز از نخست وزیری مصدق حمایت کردند زیرا عامل اصلی ای که باعث تصویب ماده واحده ملی شدن نفت شده بود و تدوین کننده مواد اجرائیه این ماده واحده بود کسی نبود جز دکتر محمد مصدق و اگر وی را از نمایندگی ساقط میکردند میتوانستند ضربه بزرگی به نهضت ملی بزنند با این تحلیل قبل از اینکه مواد اجرائیه قانون ملی کردن صنعت نفت تصویب شود، پیشنهاد نخست وزیری به دکتر مصدق را دادند تا وقتی وی نخست وزیر شد مواد اجرائیه قانون ملی کردن صنعت نفت تصویب نگردد و دولت مست مصدق ساقط شود زیرا هیچ نخست وزیری بدون پشتوانه قانونی نمیتوانست قانون ملی

متاسفانه دیدیم که منبع آیت الله کاشانی در قبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۸۰ درجه با موضوعی که در ۳۰ تیر داشت تفاوت کرد اگر آیت الله کاشانی رئیس مجلس باشد نشان را مشروط به اجرای اصول ۹ گانه اصلاحات داخلی که بطور مستقیم با پایگاههای انگلیس درگیر میشد میکردند در این صورت توطئه دستهای مرموز خنثی میشد در صورتی که بدون قید و شرط رئیس مجلس دوره ۱۷ شدن در واقع قرار گرفتن در جنبه‌های بود که طبقه حکومت ملی توطئه میکرد و بتدریج ایشان را نیز به خط براندازی علیه حکومت ملی دکتر مصدق کشانیدند. امید داریم این تجربه تاریخی عبرتی باشد برای کسانی که در شرایط کنونی سپهر بلای دستهای مرموز شده اند و دشمن را عوضی گرفته اند و به جای درگیری با دستهای مرموز که پایگاه سیاسی امپریالیزم هستند با امام و دولت موسوی درگیر شده اند و عترتی باشد برای عناصر ساده اندیشی که سپهر بلای سرمایه داران وابسته شده اند و قضاوتشان در جهت بازگردانی اموال مصادره شده به این عناصر وابسته است و با اینکار دارند عناصر توطئه گستر و کودتاچی و وابسته را علیه انقلاب اسلامی تقویت می کنند.

انقلاب اسلامی منشآت گرفته از خون سید الشهدا است و هر کس به درجه ای که به قربانی شدن اصول انقلاب اسلامی کمک کرده باشد به همان درجه جزو قاتلان امام حسین محسوب شده و مورد لعن خداوند قرار خواهد گرفت.

سوم دادن حق و توجیه عزل نخست وزیر و حق انحلال مجلسین به شاه

یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه در مبارزه با استبداد اعمال حاکمیت مردم از طریق مجلس بود که پس از کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ مجلس این حالت خود را از دست داد و همه اختیارات در دست رضا خان قرار گرفت پس از سقوط وی وضعیت مجلس نسبتاً به حالت قبل از دیکتاتوری برگشت یعنی بعضی از نمایندگان مجلس در اموری که طرح میشد میتوانستند اظهار نظر کنند در این موقعیت سیاست استعماری انگلیس اقتضا میکرد که در قانون اساسی بر اختیارات پادشاه بیفزاید که او هر وقت لازم بداند مجلسین را منحل کند و هر وقت قانونی از مجلس گذشت و پادشاه با آن موافقت ننمود از حق و توان استفاده کند این مسئله تهدید ی بود برای نمایندگان مجلس که پادشاه هر چه می گوید گوش نکنند و بدین طریق جلوی استمرار انقلاب مشروطه را که به نهضت ملی منجر میشد سد و نمایندگانی متافع نفی شان در ایران نشأت داشته باشد در راستای اجرای این قانون استعماری قضیه تشکیل مجلس موسمان در زمان حکومت دکتر مصدق مطرح شد که طبق آن به شاه حق داده میشد که هر وقت بخواهد یکی از مجلسین را منحل نماید و ملت انحلال را هم در زمان انتخابات نکر کند.

تشکیل مجلس موسمان بدین طریق و با گیری نطفه استبداد و دیکتاتوری در زمان حاکمیت نهضت ملی بود زیرا فرق استبداد و مشروطه همین است که در استبداد پادشاه میتواند صدراعظم را عزل و نصب کند و دستور هر کاری را بدهد ولی در مشروطه این کار ممکن نبود از طرفی تشکیل مجلس موسمان و دادن حق

در تاریخ سیاسی ایران بخصوص پس از کودتای ۱۲۹۹ هر جریانی که میخواست به غارت نفت مشروعیت ببخشد شعار امنیت، تولید کار، مسکن، راعمه میکرد زیرا تحقق این شعار منوط به درآمد نفت است.

مجلس دوره هفدهم دارای بافتی انگلیسی بود زیرا عده زیادی از نمایندگان این دوره با دخالت ارتش به مجلس راه یافته بودند و همین عوامل بودند که با اعطای اختیارات ۶ ماهه به دکتر مصدق مخالفت کردند و پس از ۳۰ تیر وقتی دیدند که مستقیماً نمیتوانند با حکومت ملی که دارای پایگاه مردمی بود درگیر شوند آیت الله کاشانی راه ریاست مجلسی که علیه دکتر مصدق توطئه میکرد رسانیدند تا وی را از دکتر مصدق جدا نموده و سپهر بلای خود کنند و در پشت ایشان توطئه‌های خود را برای ساقط کردن حکومت ملی دکتر مصدق آماده دهند در این صورت اگر توطئه‌اشان به ثمر میرسید هم مصدق را کنار میزدند و هم آیت الله کاشانی را با توجه به مواضعی که در تأیید کودتا میگرفت در بین مردم منزوی مینمودند و اگر توطئه شان شکست میخورد کسی که سپهر بلا شده بسود آیت الله کاشانی بود در این صورت جوهر سپهر توطئه‌ها که دستهای مرموز بودند زنده مانده و در پشت عنصر دیگری که وجهه ملی داشت به توطئه‌شان ادامه میدادند در هر دو صورت

با قطب کاذب مصدق - کاشانی که ایجاد میکردند نیروهای نهضت ملی را فرسوده کرده و خود حاکم میشدند. این توطئه یکبار نیز در دوره شانزدهم مجلس در رابطه با نخست وزیری دکتر مصدق صورت گرفته بود که برای روشن شدن مطلب اشاره ای به آن میکنیم:

در جای دیگر سر لشکر میرجلالی و کیلیس که در ادگاه نظامی برای سر تیب ریاحی تعیین کرده بود می گویند: "اعلی حضرت رضا شاه فقید در تمام ششون این کشور اصلاحات عمیق و موثری نمود، امنیت و آرامش را در تمام فلات ایران بدون استثنا بگسترانید فرهنگ و بهداشت را توسعه دادند در قسمتهای کشاورزی و راهسازی قدمهای مریح و بزرگ بلندی برداشته شد همه چیز رو به تکامل میرفت امروز آنچه در کشور دیده میشود همه یادگارهای دوران با عظمت او میباشد هیچ وقت کشور ما دارای چنین مرکزیتی نبوده است در تمام این تحولات و در تمام دوران ۲۰ ساله ارتش ایران نقش برجسته ای را بر عهده داشته است.

مرکزیت و فدائیکاری در ارتش و ایجاد نظم و امنیت به وسیله این دستگاه ارتش محیطی برای کار و فرهنگ بوجود آورده است و دست نهضت و سیاست جرات خود نمایی در ارتش را نداد سبب موفقیت در این تحولات بزرگ جلوگیری از اعمال نفوذ بود . . .

چنانچه از سخنان فوق بر میآید عناصر کودتاچی از بین شعار امنیت و تولید و کار و مسکن، حفظ امنیت را اصل میدانند زیرا تولید و کار و مسکن همه منوط به امنیت است و درآمد های نفتی است از طرفی چون ارتش نقش اصلی در حفظ امنیت را دارن کارتها های نفتی انگلیس و امریکایی به ارتش به عنوان نیروی آلترونا تئود بر اندازی حکومت ملی دکتر مصدق نگاه میکردند.

رژیم کودتاچی از طبل بیکاری برادر بسیج همه جانبه مردم در ملی کردن صنعت نفت و دخالت مردم در سیاست می دانست و معتقد بود که کار سیاسی یک شغل اقتصاد ی است و افراد ی باید در سیاست دخالت کنند که شغلشان این باشد اگر همه مردم در سیاست دخالت کنند بحال و نجار و . . . باید شغل خود را رها کرده و کسار سیاسی بکنند به همین خاطر به تولیدات ضربه بخورد و بیکاری زیاد خواهد شد بنابراین اولین گام برای رفع بیکاری این است که مردم به خانه ها و سرزندگی و شغل اقتصادیشان رفته و در سیاست دخالت نکنند، با تبیین فوق دخالت در امور سیاسی به عنوان امری که مخد ر امنیت و دامن زدن به بیکاری و . . . می باشد تلقی خواهد شد چنانچه ساواک نیز نیروهای انقلابی را عناصری که مخد ر امنیت کشور هستند می نامید.

دکتر مصدق

آیا انسان به اهمیت مسئله شناخت
پی میبرد. (تاکیدمطلب از ماست)
صفحه ۳۰ کتاب
"چون دنیای امروز دنیای مکتب
وایدئولوژی است وایدئولوژیها
زاده جهان بینیها هستند و جهان
شنا سیها زاده شناختها هستند پس
با بدقیل زهر چیز شناخت شناس
بود تا تکلیف خود را به پیوستن به
یک مکتب وایدئولوژی روشن دید"

شهادت شریعتی و ضرورت روش شناخت

شهادت شریعتی در سخنرانی در سال ۴۸ در
رابطه با روش شناخت و زیر بنا بودن آن بیان
تی دارند که دست چینی از آن را میآوریم
صفحه ۵۳ مجموعه آثار روش شناخت اسلام
"مسئله متد در تاریخ علم و اهمیت
بسیار فراوان دارد. متد شناخت
صیح برای کشف حقیقت بیشتر از
فلسفه و علم و استعداد و نبوغ اهمیت
دارد."

صفحه ۵۴ همان کتاب

متد در پیشرفت یا انحطاط تا این
اندازه حساسیت دارد و متد تحقیق
است که موجب توقف و رکود و یا سرعت
و ترقی میگردد، نه نبوغ."

صفحه ۵۵ همان کتاب

"اندیشیدن، درست مثل راه رفتن
است یک نفر که سرعت کمتری دارد و
پای لنگ، اگر جا ده صاف مستقیم و
درست را انتخاب کند، زودتر از کسی
که قهرمان دو است و جا ده سنگلاخ
انحرافی را پیش گرفته، بمقصد
میرسد. این قهرمان دو هر قدر هم
سریع بدو بدو هدف نمیرسد و آن لنگ
که جا ده را درست انتخاب کرده به
نتیجه و مقصد میرسد."

صفحه ۱۰ کتاب - نوار شماره
"ایدئولوژیها و مکتبها زاده جهان
بینیها هستند. تکیه گاه ایدئولوژی
- ها، جهان بینیها هستند. جهان
بینی یعنی نوع برداشت، نوع
تفسیر، نوع تحلیلی که یک انسان
از هستی دارد. آن برداشتی که در
بارها هستی، جهان، انسان، جا معه
و تاریخ دارد"

صفحه ۱۲ کتاب

"پس ایدئولوژی زاده جهان بینی
است اینجا فوراً یک سؤال دیگر
 مطرح میشود که چرا جهان بینیها
مختلف است یک نفر ما دی فکر میکند
دیگری الهی فکر میکند. دلائلی
ترتیب میدهد و جهان بینی دیگری
نتیجه گیری میکند، جواب اینست که
او جهان را به گونه ای میشناسد و او
بگونه ای دیگر میشناسد. شناخت او
از جهان اینچنین است و شناخت
دیگری جور دیگر. خوب این دو

شناخت نمیتواند درست باشد، از این
دو تا لا اقل یکی اشتباه است و یکی
صیح است."

صیح است.

میبرد.

دنیا، دنیای مکتب وایدئولوژی است. مکتب و
ایدئولوژی برپا یه جهان بینی برپا یه شناخت
از اینجا انسان به اهمیت مسئله شناخت پی

"شهادت مطهری"

"مسئله انتخاب روش صحیح برای
همه رشته های گوناگون علوم، اعم
از ادبی، اجتماعی، هنری، روان
شناختی، طبیعت شناسی و... اولین
مسئله ای است که باید مطرح شود.
بنا بر این اولین کار هر محقق باید
انتخاب بهترین متد تحقیق باشد.
بنا بر این ما از چنین تجربه بزرگی
که در تاریخ داریم، و آن اینست که
متد غلط حتی نبوغهای بزرگ را به
بیراهه میکشاند، و متد صحیح حتی
اندیشه های متوسط را به حقیقت
میرساند، با یاد استفاده کنیم
بقیه در صفحه ۸

در همین جا است که مسأله شناخت
صیح و غلط مطرح میشود... قبل از
آنکه برویم سراغ ایدئولوژی و
بگوئیم این ایدئولوژی صحیح است
و آن ایدئولوژی غلط اول باید سراغ
شناخت برویم و ببینیم کدام شناخت
صیح است و کدام شناخت غلط. اصلاً
شناخت صحیح یعنی چه و شناخت غلط
یعنی چه، شما باید اهمیت مسئله
شناخت را درک بکنید. دنیا دنیای
مکتب وایدئولوژی است و مکتب و
ایدئولوژی برپا یه جهان بینی،
جهان بینی برپا یه شناخت از این

ما باید الان تمام کوششمان را بکار بیندازیم که این جنگ را به پیروزی برسانیم.

انام خمینی

سیر تحول فکری مجاهدین

از سال ۴۴ تا ۶۴

قیمت ۲۰۰۰

روش شناخت

مقدمه و هدف

در شماره ۳۰ به بررسی نارسائی در استخوان بندی ایدئولوژی سازمان
یعنی دو تادانستن راه بشرو راه انبیا، اشاره شد. نشان دادیم که
چگونه به مکتب راهنمای عمل رسیدیم. همچنین در شماره ۳۱ به بررسی
ویژگی پایداری انسان، از دیدگاههای مختلف و سیر تحول آن در سازمان
پرداختیم و به انسان با ویژگی پایداری خدا جویی و عدل طلبی وی نهایت
طلبی رسیدیم. در این شماره و شماره های بعد، امیدواریم بتوانیم
مختصری درباره تعریف شناخت از دیدگاه مکتب مختلف و همچنین سیر
تحول تعریف آن از سال ۴۴ تا ۶۴ در سازمان بپردازیم. امیدواریم
اینکارگامی فراسوی تحقیق کنندهگان و اهمیت دهندهگان به امر شناخت
و متدولوژی باشد.

بسم الله الرحمن الرحیم

اهمیت و ضرورت شناخت

انفجار رومچی که بوجود آورد از بمبهای
ساعتی بهتر بود. آری ویژگی حرکت مجاهد
- بین راهمین نیاز به روش شناخت اسلامی
تشکیل میداد. از آنجا که یک کار جدید بود
طبعاً نارسائی هم داشت. وصیت شهدای
بنیان گزار هم این بود که کار ایدئولوژیک
ادامه یابد، چرا که آنها به هدف نهائی خود
نرسیده بودند. با خون خود برای ما نوشتند
برادران و خواهران وحدت ایدئولوژیک،
استراتژیک و سازمانی خود را حفظ کنید.
هر چند رجوی این میراث خوار شهدا، وصیت
را درگون کرد و وحدت سازمانی و وحدت
استراتژیک را نسبت به وحدت ایدئولوژیک
اولویت داد.

شهادت مطهری و ضرورت روش شناخت

شهادت مطهری در سال ۵۴ در رابطه با روش
شناخت ده جلسه سخنرانی کردند که به
صورت یازده نوار در آمد و بعد از انقلاب با
مقدار بسیار کم در صورت کتاب شناخت پیاده
و چاپ شد. برای پی بردن به اهمیت و زیر
بنائی بودن شناخت، قسمت های از کتاب
در تطبیق با نوار میآوریم.
صفحه ۱۳ کتاب

"مسئله شناخت بیش از دو هزار سال
از عمر آن میگذرد. در فلسفه اسلامی
و حکمت اسلامی، یک بابی بحسب
عنوان نظریه المعرفه یعنی نظریه
شناخت نداریم. ولی اغلب مسائلی
که در باب شناخت مطرح است بطور
متفرقه در مسائل مربوط به علم و
ادراک و عقل و معقول، مسائل
مربوط به وجود ذهن، مسائل مربوط
به نفس و کیفیات نفسانی بطور
متفرقه و پراکنده است."

مدتی قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در
ذرون جوانان انجمن اسلامی دانشجویان
و نهضت آزادی، جوشی برای تدوین روش
شناخت اسلامی و روش برخورد اسلام با فضا یا و
امور مختلفه، بوجود آمد. این نیاز و جوش
بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ شدت گرفت و بنیان
گزاران سازمان مجاهدین برای تحقق این
نیاز صیل و رسیدن به هدف خود در رابطه با
"روش شناخت" و "اسلام راهنمای عمل" به
تلاشی بی آمان پرداختند. زیر بنائی بودن
روش شناخت از یک طرف و فقر روش در بین
مبارزین اسلامی از طرف دیگر، درک کردند
و گامهایی در این زمینه برداشتند. در آن
سالها این سؤال مطرح بود که برای رسیدن
به معارف اسلامی از کجا باید شروع کرد و
کدام کار ریشه ای تراست. از این رهگذر بود
که به تدوین روش شناخت رسیدند. تا آنجا که
ما اطلاع داریم مجاهدین، اولین گروه
سیاسی مسلمان فارسی زبان بودند که به
ضرورت روش شناخت و بنیادی بودن آن پی
بردند و بعد از سال ۵۰ که شناخت مجاهدین
به چاپ رسید تا آنجا که ما بخیر داریم بیش از
هزار کتاب، جزوه و رساله در رابطه با شناخت
به زبان فارسی نوشته شده است و اهمیت و
ضرورت آن بطور نسبی فراگیر شده است.
برخی، ویژگی حرکت مجاهدین را در تبع
- های انفجاری و یا بمبهای ضد سلطنت،
ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم میدانستند و
تلاش دارند مجاهدین را صرفاً "بازوی مسلح
تلقی کنند، در حالیکه مجاهدین سعی
داشتند عملیات خود را بر طبق روش شناخت
اسلامی انجام دهند.
در این شرایط بود که بمب شناخت،

بسم الله الرحمن الرحيم

یادواره شهدای ۱۶ آذر :

دانشجویان و سیاست

بنیاد ۱۶ آذر

۱۶ آذر فرصت مناسبی پیش آورد تا به تحلیل و بررسی جایگاه دانشجویان و دانشگاه در مبارزه و سیاست بپردازیم. هر ساله ۱۶ آذر، روز دانشجویان و شهادت ۳ جوان پاکباخته و انقلابی: مصطفی قندچی، آذر شریعت رضوی، و بزرگ نیسا دانشجویان دانشگاه فنی، شورمبارزه و کینه ضد امپریالیستی ملیونها جوان دانشجویان غیره راشد تبخشدید و موجب بسیج جوانان برای کسب استقلال میهن و حاکمیت ملی میشد آنچه خاطره این روز بزرگ را جاودانه ساخت، و بعنوان روز دانشجویان نامگذاری شد جهت ضد ظلم و عدالت طلبانه آن حرکت قیام گونه بود که در فطرتهای کمال طلب و خدا جو ریشه داشت و چون فریادی حق طلبانه بود بر دلهای بیدار مستضعفین نشست و جاودانه شد :

در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، در آستانه ورود نیکسون به ایران که بمنظور تحکیم پایه های رژیم کودتائی - نفتی صورت میگرفت حرکتی قیام گونه در دانشگاه ها و بالاخص دانشگاه تهران آغاز گردید. در شرایط پاش آور و انفجار آفرین پس از کودتای ۲۸ مرداد، که نفسدار سینه حبس شده بود و در مزار آباد شهرین تهنس وای جفدی هم نمی آمد بگوش و " دارها برچیده " و " خونها شسته " بودند، دانشگاه حرکتی نوین آفرید و در اعتراض به حاکمیت ضد ملی و غیرقانونی رژیم کودتا و همچنین مخالفت با ورود نیکسون تظاهرات عظیمی تدارک دیده شد. اولین بار بود که دانشگاه این سنگر مبارزان مورد تهاجم نظامی مأموران رژیم سلطنتی وابسته قرار میگرفت. شاید قصد شاه و عمالش این بود که نهایت سرسپردگی و وفاداری خود را به جناحهای نفتی مبتکر کودتا اعلام کند و جوانان طالب استقلال را در پای نیکسون جلاد به این خاطر قربانی کرد. به این ترتیب جامعه دانشجویی با تقدیم مخلصانه ۳ عنصر فدائیکارخونی تازه در رگهای نهضت مقاومت جاری ساخت.

مقاومت ملی شد. و عنصر دانشجوی پرچمدار مبارزه علیه رژیم کودتا در شرایطی گردید که بسیاری از اقشار جامعه، مایوس و منفعل شده بودند. از آن تاریخ، دانشگاه همواره به مثابه خاستگاه مبارزین و منبع تغذیه خوب برای جریانات رزمنده بوده و در صف مقدم مبارزه با استعمار و استبداد قدم برداشته است و در حرکت های اجتماعی نقش پیشگرا و پرچمدار را داشته است.

* * * * *

قبل از پیروزی انقلاب، نقش دانشجویان و هسته های دانشجویی در پیشبرد مبارزه و برپائی تظاهرات انکارناپذیر بوده و در سازماندهی و تظاهرات مردمی و بسیج جوانان محلات نقش اساسی داشته اند. اردوهای دانشجویی روستاگردی برپائی نمایشگاه های کتاب، عکس، فیلم و اسلاید، پخش اعلامیه های امام و مجاهدین، کشاندن تظاهرات دانشجویی به نقاط پرجمعیت برای ایجاد پیوند بیشتر با مردم، و کلاد را مرازمان دادن حرکت های مردمی نقش عمده ای ایفا میکردند.

دانشجویان و نهادهای انقلاب

همچنانکه ذکر شد بخش عظیمی از فعالیت سیاسی - اجتماعی و حتی نظامی قبل از

روز دانشجو مظهر مقابله با رژیم کودتا و جهشی در نهضت مقاومت ملی شده و عنصر دانشجوی پرچمدار مبارزه علیه رژیم کودتا در شرایطی گردید که بسیاری از اقشار جامعه مایوس و منفعل شده بودند.

پیروزی انقلاب بردوش دانشجویان بود و این مسائل باعث شده بود که دانشجویان عموماً از کیفیت بالائی در امور سیاسی نظامی و عقیدتی برخوردار باشند. طبیعتاً هم بود که پس از پیروزی انقلاب، در پایه گذاری و سرسازمان بخشیدن به نهادهای انقلاب سهم فعالی داشته باشند.

عمده نیروهای دانشجویی بر اساس ضرورت های انقلاب به تشکیل جهاد سازندگی و سپس هیئت های ۷ نفره و انگذاری زمین برداختند و نیروی خود را صرف عمران و آبادی روستاها کردند.

آری در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ روزیکه بعد ها روز دانشجویان نام گرفت، مشت محکمی بر دهان رژیم کودتا و اختناق کوفته شد. و راه مبارزه نوین جلوی خلق مسلم گشوده گردید. این حرکت نشانه از پتانسیل و انرژی نهفته انقلابی در مردمی بود که با وجود شدت سرکوبگری رژیم و طغیرغم تمام توطئه های سردمداران نفتی وابسته به آمریکا و انگلیس، حیات نهضت را تداوم بخشیدند، و صلاحیت خود را با خون پاک خود اثبات کردند که: اگر قبل از شکل گیری کودتا هم چنین انرژی عظیمی، سازمان من یافت و علیه دربار و سلطنت وابسته بکار گرفته میشد، توطئه های تفرقه افکنانه دستهای مرموز و ایادی بیگانگان نیز کاری از پیش نمیبود.

دانشجویان بیکر امرگردد و خواستار پاکسازی دانشگاه از ارزشهای نظام گذشته شدند. آنها میخواستند محصولاته دانشگاه در خدمت نیازهای انقلاب درآید و لازم میدانستند در نظام آموزشی گذشته که برای نظام نسلطنتی وابسته و سیستم کمپرادور مبره پرورش میداد تحولی بنیادی بسمت نیازهای انقلاب باسلاسی و مستضعفین روستا انجام گیرد (۱)

(۱) - مصاحبه با دکتور استاندراکاران انقلاب فرهنگی: حسن صادقلو و... - کیهان آنها شمار رفتن به روستا و توقف سیستم آموزشی وابسته و نه تعطیل دانشگاهها را مطرح کردند که نیازی اساسی و اصل بود و باعث تغییر اساسی در یافت جامعه هم میگردد. لیکن برخی آگاهانه و عده ای هم ساده لوحانه شعارهای اساسی رارها کرده و انقلاب فرهنگی را در جهت شعارهای غیر اصلی و انحرافی سوق دادند. که نقش بنی صدر و اعوان و انصارش در جریانات انقلاب فرهنگی و خلاصه کردن اهداف انقلاب فرهنگی در اخراج و تصفیه گروهها و تعطیل دانشگاه... در این رابطه قابل تأمل است

آنها می خواستند محصولات دانشگاه در خدمت نیازهای انقلاب درآید و لازم میدانستند در نظام آموزشی گذشته که برای نظام سلطنتی وابسته و سیستم کمپرادور مبره پرورش میداد، میلاد تحولی بنیادی بسمت نیازهای انقلاب و مستضعفین روستا انجام گیرد

دانشجو و جنگ

همزمان با شروع جنگ، دانشجویان از اولین اقشاری بودند که بمقابله با قاتل متجاوزین شتافتند و قهرمانانه از میهن اسلامی خود دفاع کردند. و شهدای گرانقدری که در طول سال جنگ تقدیم انقلاب اسلامی کردند گواه روشن این مدعاست. از شهادت دست جمعی ۱۵۰ پاسدار دانشجویی در هویزه تا سایر شهادت های گوناگون بصورت بسیجی های ساده رفته و با اثبات لیاقت و صلاحیت خود در عملیات فرمانده میشدند. و طبعاً با کیفیت سیاسی و ایدئولوژیکی که داشتند و نیز تجربه نسبی کار تشکیلاتی، در تحریک جنبهها، ابتکار در دفاعی و گسترش حملات ایدئولوژیکی فعال باشند و نقش مهمی در سازماندهی و بسیج مردم ایفا نمایند. آنها چه در دوران دفاع تجاوزه در مرحله کربلای جنگ فعالانه بر جهت حل تضادهای جنبه کوشیدند و جان برکفانه از میهن اسلامی و ارزشهای انقلاب دفاع نمودند.

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

تسخیر انقلابی لانه جاسوسی آمریکا که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت مسلمان مابود در شرایطی توسط دانشجویان به مرحله اجرا درآمد که انقلاب و ارزشهای انقلابی روز بروز در نظام حکومتی (که میبایست بر پایه ارزشهای انقلابی و اسلامی استوار میگردد) کم رنگ تر و ضعیفتر میگردد. ارزش حرکت تسخیر لانه جاسوسی در نجات جوانان از تفکرات و خطوط سازشکارانه و نجات جوانان رزمنده از یأس و انفعال و افشای توطئه های امپریالیسم و پایگاه های شیوه های مزورانه و (که مجموعه اسناد لانه گویای آنهاست و اکنون بعنوان غنی ترین منبع میتواند دانش ضد امپریالیستی مبارزین را ارتقا بخشد) بقدری زیاد است که در این سطور نمیگنجد و خود احتیاج به فرصتی دیگر دارد.

انقلاب فرهنگی

انقلاب فرهنگی حرکت اصلی دیگری بود که دانشجویان بانی آن گردیدند. نیت و نیاز دانشجویان این بود که ارزشهای انقلابی و معیارهای مکتب در همه شئون حاکم شود. چرا که لازمه انقلاب در گرونی و تحول است و اگر شاه رفته بود و سیستم فاسد سلطنتی در زمینه سیاسی شکست خورده بود لازم بود ارزشهای آن نظام هم از زمین برود الگوهای مصرف و معیارهای ارزشی و... نیز بایست تغییر میکرد و این مطلب حرکتی اساسی من طلبیده. بدلیل بنیادی بودن آن بایست از جایی شروع میشد که بیشترین آمادگی و ظرفیت را از خود نشان داده بود و بدین طریق

دانشجویان و کودتای خرداد

طریق سیر فعال دانشگاهها در مسائل سیاسی و سابقه بر تحریک دانشجویان در صحنه سیاست، جریاناتی که پس از انقلاب رخ داد، آنها را نیز تحت تاثیر قرار داد. چندی پس از پیروزی انقلاب که دشمن احساس کرد مقابله نظامی و روبروئی مستقیم با ملت انقلابی ایران برایش سودی در برنماید توطئه دستهای مرموز و کودتای خرداد را در دستور کار خود قرار داد تا به پیوساندن انقلاب از درون بپردازد و راه ورود خود را در رجاسا هموار سازد تا با هیچگونه عکس العمل شدیدی و

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دایره

تقوا و تفقه

ضرورت
بعد از کودتای شریعتمداری نیازی درین انقلابیون پیدا شد که ریشه ایدئولوژیک انحراف شریعتمداری چیست؟
یک سؤال اساسی مطرح گردید که چه اشکالی در روش تفقه شریعتمداری بوده است که او را از ارتباط با ساواک و سیا برحذر نداشته است؟
برخی همفکران او پاسخ دادند که در فقهات شریعتمداری اشکال و انحرافی نیست بلکه او تقوا نداشته است و اساساً فقهات ربطی به تقوا و صیانت نفس و اخلاق و موضع سیاسی اجتماعی افراد ندارد. یک امر تخصصی و علمی است.
آرئیم تا در این مقاله ارتباط تقوا و تفقه و تفقه و موضع سیاسی اجتماعی و روش را روشن نمائیم.

توشه گیری از قران کریم

گوشش (در برابر شنیدن حق) سنگینی است جز به چنین قصدهایی پای سخن مردان حق نمی نشیند.
صفحه ۱۴۶ همین جلد چنین آمده است: "اگر کسی بخواهد ضراط مستقیم حق را بیوید و از انحراف و گمراهی در امان بماند باید قبل از هر چیز در اصلاح خویشتن بکوشد دل را از بغض و کینه و حسد و عناد و روح را از کبر و غرور و نخوت و خلاصه وجود را از این زئائل پاک کند. چرا که آینه قلب هرگاه از این زئائل پاک شود و صیقل یابد، همه حقایق در آن پرتو افکن خواهد بود. همین دلیل گاهی افراد بی سواد پاکدل،

چه اشکالی در روش تفقه شریعتمداری بوده است

که او را از ارتباط با ساواک و سیا برحذر نداشته است؟

حقایق را می فهمند که دانشمند تهذیب نایافته قدرت درک آنرا ندارد.

در ترجمه و تفسیر این آیه در تفسیر المیزان

جمله (وجعلنا علی قلوبهم اكنه) (۰۰۰) الخ بمنزله بیان حجابی است که در آیه قبل بود و معنای روبرو هم چنین می شود که وقتی تو قران می خوانی ما دلهای ایشان را با پرده های می پوشانیم تا قران را نفهمند و گوشه ایشان را هم کور و سنگین می کنیم تا قران را بگوش قبول نشوند و بانهم ایمان صدق آنرا نفهمند، البته همه اینها کیفر کفر و فسق ایشان است.

مجموع آیهاتی که در مورد تفقه آمده چنین برداشتی را تقویت می کند، با استناد به این آیهات و روایات مربوط به آن در می یابیم که تقوا و تفقه رابطه تنگاتنگ داشته و جدایی ناپذیرند.

توشه گیری از روایات

رابطه تقوا و تفقه از دیدگاه ائمه اطهار

الف: زهد و تفقه

اصول کافی جلد ۱ صفحه ۸۹ چنین آمده: "ایمان بن ثعلب گوید: از امام باقر (ع) مسئله ای پرسیده شد. حضرت پاسخ فرمود:

مرد سائل گفت: فقها چنین نگویند. بلکه هدفشان آنست که بیایند و اجلال کنند و صلح بچسبانند و مؤمنان را اگر بتوانند از راه بدر برند، اصولاً کسی که بر قلبش پوشش و در

تفقه يك روش شناخت قلبی است

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمُ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوْا وَاَنْ اذُنُهُمْ تَوَسَّلُ وَاَنْ اَبْصَارُهُمْ تَنْظُرُوْا

آیه ۴۶ - سوره بنی اسرائیل ترجمه:

و بر قلبهای آنان پرده هایی می نهیم و در گوشه ایشان سنگینی که قران را درک نمی کنند (تفقه نمی کنند) و هرگاه ذکر کسی پروردگارت را به یکتایی در قران، آنها به عقب برمیگردند کج گمان (ارتجاج)

از این آیه چنین بر می آید که کسانی که بر قلبهایشان پرده نهاده شد و گوشه ایشان تسلیم احق نیست نمی توانند در قران تفقه نمایند. یعنی لازمه تفقه در قران، قلبی پاک و تسلیم به حق است.

بر خلاف آنها که معتقدند تفقه به تقوا ربطی ندارد و دو مقوله جداست و می گویند ممکن است کسی فقهات داشته باشد ولی تسلیم به امر الهی نشده باشد.

در اینجا می بینیم که شرط لاینفک تفقه، قلبی مؤمن و درونی پاک و بی آرایش است. لذا از این آیه نتیجه می شود که تفقه يك روش شناخت قلبی است.

در تفسیر این آیه از تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۴۴ چنین آمده است:

"در حقیقت آنها بمنظور درک حقیقت به سراغ تو نمی آیند و سخنان را با گوش جان نمی شنوند بلکه هدفشان آنست که بیایند و اجلال کنند و صلح بچسبانند و مؤمنان را اگر بتوانند از راه بدر برند، اصولاً کسی که بر قلبش پوشش و در

دینی نیست خواه متقی و عامل به دین باشد یا نه.
از نظر ائمه فقیه کسی است که رفتار خود را بر دین منطبق کند و تقوا لاینفک از فقیه و فقهات است.

ج: تفقه و کمال انسانی

در اصول کافی جلد ۱ ص ۰۰۰ از امام باقر علیه السلام روایتی آمده است بدین عبارت:
الكَمالُ كل الكَمالِ التَّفقهُ فی الدین والضمیر علی نائبه و تقدیر المعیشة
کمال انسانی و نهایت کمالش، فقیه شدن در دین و صبر در بلا و زندگی به اندازه است. امام باقر (ع) فقیه را مرتبه کمال انسان میدانند مسلم است که کمال انسانی صرفاً از دید علم و معلومات وی نیست. بلکه اخلاص و تقرب الی الله و رشد همه جانبه است.

رابطه فقهات و موضع سیاسی، اجتماعی

در کتاب شریعتمداری در دیدگاه تاریخ

تألیف حمید روحانی صفحه ۷۶ و ۷۷ چنین سندی نقل شده است:

"وقتی ساواک، برای جلوگیری از حرکات طلاب طرح "آزمایش طلاب" را به اجرا می گذارد. شریعتمداری ضمن موافقت با طرح پیشنهادی هم برای اجرای آن به ساواک می دهد.

اما آییننامه آزمایش طلاب از طرف حوزه رد می شود

ب: اخلاق و تفقه

در اصول کافی جلد ۱ ص ۴۵ از امام رضا (ع) چنین روایتی نقل شده است:
"ان من علامات الفقیه الحلم والصلت"
از علامتهای فقیه حلم (بردباری) و صلت (سکوت همراه با هوشیاری) است.
حلم و صلت از ویژگیهای اخلاقی فرد بوده و مربوط به رفتار و عملکرد انسان است که از ویژگیهای فقیه ذکر شده است.

امام باقر ع فقیه را مرتبه کمال انسان میداند مسلم است که کمال انسانی صرفاً از دید علم و معلومات وی نیست بلکه اخلاص و تقرب الی الله و رشد همه جانبه است.

شریعتمداری در گفتگوی خود با ساواک در مورد بازگرداندن آییننامه از طرف حوزه اظهار میدارد که:

"آقای عراقی (رئیس دفتر شریعتمداری يك روز پیش من آمد و گفت چنین برنامه ای از اداره آموزش پرورش آمده چکتم.

به او گفتم باید فکری کرد و جوابی شبیه نمود و به آن داد و من ررحم از عودت دادن

آییننامه و برنامه بی اطلاع است و بسیار کار بدی کرده است و من حالا از شما می شنوم که این کار زشت را کرده است و علت صدور این دستور من به نامبرده که جوابی داده شود به مضدات دروغ حرام است و راست واجب

یست" بوده است.

در اینجا می بینیم شریعتمداری به ساواک راست می گوید ولی به حوزه و دفترش راست

هم چنین در اصول کافی جلد ۱ ص ۴۴ روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است که می گوید:

"الاخبرکم بالفقیه حق الفقیه"

آیا می خواهی شما را به واقعیت فقیه خبر دهم؟

من لم یقننا الناس من رحمة الله ولم یؤمنهم من عذاب الله

فقیه کسی است که نوید نکند مردم را از رحمت خدا و ایمن نکند از عذاب خدا.

در اینجا امام علی (ع) فقیه را از رابطه اش با خدا و مردم می شناسد. اگر چه مسئله امید به رحمت الهی و ترس از عذاب خدا به تقوا و اخلاص و رابطه فرد با خدا مربوط می شود ولی این را از ویژگیهای فقیه می دانند.

روایت فوق کاملاً نشان می دهد که از دیدگاه حضرت علی (ع) فقیه صرفاً فرد آگاه به امور

فقیه واقعی کسی است که حکم اولیه اش تشکیل جامعه صلواتی امام زمان (عج) و گام برداشتن در راه آن باشد

نی گوید و علت و توجیه شرعی کار خود را مصادق
فقهی دروغ حرام است و راست واجب نیست
میداند
حال آنکه " صداقت " واجب است و از صفات
الهی است و بالاتر از احکام و جزو اصول
است و واجبه مستحب بردار نیست .
بایستی احکام را از اصول استخراج نمود نه
آنکه خود اصول را هم جزو احکام برد .
این یک نمونه بازاری بود از اینکه
فقاقت از تقوا جدا نیست . و فقیه بی تقوا
را میتوان از احکام شناخت . در صورتی که
خیلی از روحانیون می گویند: " فقاقت
شریعتداری سر جای خود و مورد قبول است
در حالیکه تقوا ندارد .

بفهمیم که با این روش حجابان نسبت به
قرآن بیشتر میگردد . و از قرآن دورتر میشویم
و اگر بر این روش استمرار نشان دهیم دیگر
اخلاق و رفتارمان هم بوی از آنچه در قرآن
کریم دنبال میشود نمی دهد (تقدم راه بشر
بر راه انبیا و نه تبعیت بشر از راه انبیا)
علت اینکه در حوزه های علمیه قرآن و
نهج البلاغه آموزش رسمی طلبه ها نیست همین
است که با مسلح شدن به منطق قیاسی
ارسطو نیازی به تدبر در قرآن و روایت نمی
بینند . و بجای تفقه فی الدین ، تفقه فی
العلوم می کنند .

منطق ارسطو است و از طرف دیگر تمدن و علم
غرب هم مبتنی بر منطق ارسطو است .
اولا ، حال که ما در دنیا با جهان غرب یکی
هستیم چه ارمان تازه ای می توانیم به جهان
امروز ارائه دهیم ؟
ثانیا ، چه بسا چنین سختی است که
شریعتداری را به همکاری با سازمان جاسوسی
امریکا کشانده است .

و بالاخره منظور امام از اسلام علوم ، جز
اسلامی است که حرکت های انقلابی ، ظلم
را نمی تواند تبیین کند . و حوزه سیاست را از
اسلام جدا می کند ؟
۴- در جریان بنیانگذاران مجاهدین اگر از
کسی نمونه بی تقوایی نظیر دروغ ، رابطه نامشروع
و ... دیده می شد عنوان مجاهد را از
او اخذ و او را اخراج می کردند . حال این
سؤال مطرح است چرا بعد از کودتای
شریعتداری و رابطه اش با ام الفساد شیطان
بزرگ عنوان فقاقت از او اخذ نشده است ؟
۵- در مورد همکاری بعضی روحانیون با
ساواک و سلطنت عده ای علت را صرفا " دین
تقوا این قشر میداند .
اما حقیقت این است که دو نظریه کاملا متفاوت
در مورد سلطنت در بین روحانیون وجود دارد .
یک جریان میگوید : سلطنت ام الفساد است
و به استناد آیه " ولن يجعل الله للكافرين على
المؤمنين سبيلا " معتقدند بایستی
حکومت در دست مؤمنین باشد لذا اساس
سلطنت را نفی کرده و به حکومت اسلامی
معتقدند .
جریان دیگر معتقد است اساس سلطنت را
نباید نفی کرد بلکه وظیفه روحانیت مبارزه با
فساد و فحشاء و مشربو خواری و ... است .
باتوجه باین نظریات آیا میتوان گفت که فقه
امام خمینی و شریعتداری یکی است و اختلاف
دینی تقوایی شریعتداری است ؟

اعت اینک در حوزه های علمیه قرآن و نهج البلاغه آموزش رسمی طلبه ها نیست همین است
که با مسلح شدن به منطق قیاسی تفقه فی الدین ، تفقه فی العلوم می کنند .
و بجای تفقه فی الدین ، تفقه فی العلوم می کنند .

تفقه فی که به تقوا ربط ندارد
بنظر میرسد فقهی که می گویند با تقوا ربط
ندارد و طبعاً غیر از تفقه است که قرآن و
روایات ما را به آن دعوت می کند آن عبارت از
تفقه است که دارای این ویژگیهاست :
در آموزشهای حوزه های علمیه اساس کار و
مقدمه علوم اسلامی دانستن منطق یونانی
است . از طرف دیگر در حوزه ها ادله فقهی
عبارتند از : کتاب ، سنت ، عقل و اجماع
یعنی تفقه و آموزشها در حوزه باید متکی به
قرآن و سپس سنت معصومین باشد . منتها
میگویند برای اینکه بتوانیم کتاب و سنت و آیات
و روایات را بفهمیم باید تعقل کنیم . بایستی
روش تعقل ، یعنی منطق قیاسی تعقلی ارسطو
را بدانیم . آنها منطق ارسطو را کلید فهم
و عقل میدانند ، ملاحظه میشود که فهم
کتاب و سنت نیز مقید به عقل ارسطویی میگردد
در واقع و بطور ناخود آگاه اساس ادله اربعه
منطق وارداتی یونان قرار میگیرد بدین صورت
بجای دنبال کردن راه انبیا و بسراغ قرآن و
سنت رفتن بطور ناخود آگاه به دنبال منطق
بشری یونان (راه بشر) می رویم و با عینک
ارسطویی و با آن کلید فهم می خواهیم قرآن را

ریشه یابی انحراف ضربه ۵۴
ریشه یابی انحراف شریعتداری

وقتی در سال ۵۴ در سازمان مجاهدین
انحراف توسط جریان مترقی نما بوجود آمد و
بسیاری از جوانان صادق سازمان مارکسیست
شدند علمای حوزه گفتند : حتماً يك انحراف
ایدئولوژیک وجود داشته که منجر به این
انحراف شده است
حرف منطقی بود و برخی از اعضای مجاهدین
به ریشه یابی انحراف سال ۵۴ پرداختند .
و ضمن کشف نارسائیه و انحرافات آنها را
از ایدئولوژی خود پاکسازی نمودند .
اکنون نیز ما چنین اعتقاد داریم که انحراف
شریعتداری و کودتای او علیه امام خمینی
ریشه در ایدئولوژی و فقاقت ایشان دارد
و وظیفه حوزه علمیه و دیگر مسئولین و متعهدین
است که این انحراف را شناخته و سپس از میان
آموزشهای حوزه های علمیه پاکسازی نمایند
در پایان سوالاتی مطرح می نمائیم تا مورد
توجه صاحب نظران دلسوز واقع شود .
۱- در ریشه یابی انحراف شریعتداری
مشاهده می کنیم که : مبنای آموزشهای حوزه

آیا سخنان امام خمینی در مبعث رسول
اکرم (ص) در سال ۶۲ در مورد کتابهای ارسطو
که گفتند : کتابهای ارسطو بوی از قرآن نبرده
است و فلسفه ارسطو با فلسفه اسلام فاصله اش
زمین تا آسمان است . و این سخنان را در
سطح عام مطرح نمودند . آیا این بیانات
جمع بندی جدیدی از انحراف شریعتداری
پدید می دهد ؟
۳- این مطلب که شریعتداری در مصاحبه
خود در مورد تصرف لانه جاسوسی می گویند
اسلامی نیست ولی انقلابی هست آیا ریشه در
تفقه او ندارد ؟
و اساسا این چه اجتهاد و تفقه است که
حرکت های انقلابی و ضد ظلم را نمی تواند تبیین
کند ؟
امام خمینی در مورد تصرف لانه جاسوسی
فرمودند ، انقلابی است بزرگتر از انقلاب اول
آیا از این تفاوت بینش و موضع سیاسی میتوان
بسادگی گذشت ؟
آیا این اختلاف در تفاوت فقاقت ایشان با
فقاقت امام خمینی نیست ؟

آنها تریالیزم مکانیکی میداند .
همچنین مارکسیستهای نظیر ما که
برای انسان در رابطه با محیط خارج نقش
فعالتری قائلند و معتقدند که انسان در
مقایسه با شرایط خارج خود میناسبت دارد
ولی وقتی اساس نظریه او را ریشه یابی
میکنیم ملاحظه مینمائیم که انسان این
میناسبت را در طول تاریخ از محیط خارج
گرفته و آن انسانی که بتواند شرایط را
بیردهد نیست . بعضی از مارکسیستها
برای حل این بستیهای معرفتی خود رابطه
متقابل ذهن و عین را مطرح میکنند . ولی
وقتی بطن آنها میشکافیم بدین نتیجه
میرسیم که ذهن درید و پیدایش خود نتیجه
انعکاس پدیده های خارج بوده است . منتها
از آنجا که نمیتوانند این مسئله را نشان
دهند در مقاطع تاریخ تا تیر ذهن روی عین
را نیز قبول مینمایند . به نظر ما
مارکسیستها تجدید نظر بنیادی در ما تریا -
لیزم ننمایند قادر به تشخیص انسانیت
انسان و مینا قرار دادن آن نسبت به محیط
نخواهند شد .
تعریف شناخت از نظر مارکسیستها در
تحقق و خط مشی با اشکالات زیر مواجه
میکردد :

سیر تحول فکری
و بعنوان پیران یک مذهب بزرگ
خود را مشغول بدانیم که اسلام را که
مذهب ماست ، درست و متدییک
بشناسیم . چون ما به اسلام اعتقاد
داریم ، ناگزیر باید آنرا بدرستی
بشناسیم و برای شناخت صحیح آن
متد صحیح انتخاب کنیم .

و اریم بتوانیم رابطه تعریف شناخت و خط
مشی را نشان دهیم . حال به بررسی تعاریف
شناخت و تحقق آن در خط مشی از نظر
مارکسیستهای مختلف و آموزشهای مقدماتی
حوزه های علمیه ، و آنگاه به سیر آن در سازمان
میپردازیم .

برگیرنده تکامل مکانیکی ، شیمیایی ،
فیزیکی ، و بیولوژیک نیز میباشد . مارکس
در جایی عقل را هم قبول میکند . منتها
میگوید " عقل چیزی جز یک حس تاریخی
نمیباشد .
در کتاب اصول مارکسیسم از " ناسیف"
در تعاریف " شناخت " مطالبی آمده است که
شبه آن در کتاب جامعه شناسی دکتر
آریا نیور نیز آمده است .
" معرفت عبارت از انعکاس فعال جهان
عینی و قوانین آن در مغز انسان ، سرچشمه
معرفت جهان بیرونی است . این جهان بی
روی انسان تا تیر میکند و در انسان ، احساس
تصور و درک بوجود میآورد . انسان ، مزارع ،
جنگلها ، کوهها را مینماید ، اگر ماه و نور
خورشید را در مییابد و از مرغها را میشنود
بوی گلها را احساس میکند . اگر این اشیا
موجود در جهان خارج از شعور انسانی بر
انسان تا تیر نمیشد ، انسان از هیچ چیز
کوچکترین شعوری هم نمیداشت . قبول جهان
عینی و اشیا ، پدیده های آن ، به مثابه
تنها سرچشمه ، معلومات ما ، اساس تشکیل
مارکسیستی معرفت است ."

الف - تعریف شناخت از نظر مارکسیستها
اصولا " مارکسیستها ، شناخت را انعکاس
جهان خارج در ذهن میدانند . منتها بر
اساس تقسیم بندی خودشان :
" ما تریالیستهای مکانیکی " ذهن و مغز
را یک اندام بیولوژیک گرفته و " انعکاس"
را مکانیکی میگیرند . ولی ما تریالیستهای
فلسفی به رهبری مارکس مغز را یک اندام
اجتماعی میگیرند و میگویند ، شناخت یک
انعکاس ساده و مکانیکی از جهان خارج نبوده
بلکه انسان وقتی با پدیده های خارج
برخورد میکند این انعکاس ، ضریب تاریخی
پیدا کرده و به شناخت انسان تبدیل میگردد
لذا معتقدند پدیده ها بعد از انعکاس در ذهن
به چیز بالاتری تبدیل میگردد که نتیجه
فعالیت مستقل ذهن نبوده بلکه نتیجه
" حس تاریخی " انسان است . مارکس بدین
دلیل مغز را یک اندام اجتماعی نمیگیرد
که معتقد است تکامل اجتماعی در انسان در

نیاز فعلی انقلاب اسلامی
در شرایط فعلی انقلاب همانطور که در سر
مقاله " راه مجاهد شماره ۳۵ تحت عنوان
" فقر بیتی ، ریشه نارسائیه و مشکلات "
آمده است : بنظر میرسد نیاز انقلاب ، بینش
و روش صحیح باشد . لذا جا دارد در این زمینه
کار زیادی انجام گیرد .
تعاریف مختلف شناخت
از آنجا که تعریف شناخت در مکاتب مختلف
در پیاده شدن و تحقق ، به خط مشی های مختلف
تبدیل میشود و نتیجه گیریهای مختلف می
دهد . لذا تا زگی جدیدی به بحث بخشیده و
اهمیتش برایمان بیشتر روشن میشود . امید

از آنجا که تعریف شناخت در مکاتب مختلف
در پیاده شدن و تحقق ، به خط مشی های مختلف
تبدیل میشود و نتیجه گیریهای مختلف می
دهد . لذا تا زگی جدیدی به بحث بخشیده و
اهمیتش برایمان بیشتر روشن میشود . امید

ما تریالیستهای فلسفی ، این تعریف
را که " رابطه اندیشه با مغز همچون رابطه
ادرا با کلیه ها است و با اینکه عواطف و
آرمانها و انگیزش شیمیایی هستند ، رد کرده و

تعریف شناخت از نظر مارکسیستها در
تحقق و خط مشی با اشکالات زیر مواجه
میکردد :
بقیه در صفحه ۳۵

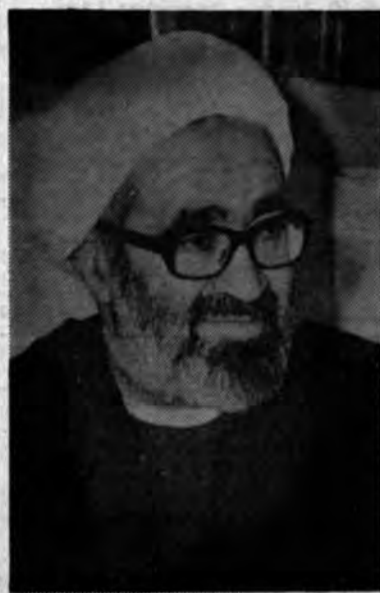
خط امام در کلام آیه الله العظمی منتظری



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - همانطور که هستند) تحلیلها را با روربینما بدین آن شدم محمدهای از اخبار و سهم ما را در بخشی از نشریه که به این کار اختصاص داده ایم درج نمائیم.
اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:
۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
۳- کمک به بیدار کردن دیدگاه استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول مهربانان.
ضمناً " راه مجاهد با این اخبار بر خورد فعال میکند.

حمایت از مستضعفین در صحنه
اطلاعات ۶۴/۶/۱۶
به هر حال نمی توان شکایات و خواسته

های این مردمی را که در انتخابات شرکت می کنند و یا مثلاً آن راهپیمایی عظیم روز قدس را براه می اندازند نادیده گرفت اشکال در مردم مانع است آنها به نظام و انقلاب و رهبری عشق میورزند آنها با اینکه در صحنه بوده و خواهند بود ولی از مسئولین کشور از رئیس جمهور و دولت شورای عالی قضائی و دیگران انتظارات و خواسته های بجائی هم دارند که باید به آنها توجه شود.



حوزه ها

اطلاعات ۶۴/۶/۱۹
دنیای امروز دنیای دیگری است و لازم است علماء مسائل سیاسی را درک کنند و فقه خشک و محصور شدن در احکام حیض و نفاس مریخش نمی باشد و من به این حرکت ایمان دارم و این موضوع امری ضروری و لازم برای نوزدها و انقلاب می باشد و آشنائی با مسائل مکتب سیاسی و اوضاع جهانی و جنبشهای آزاد بیخبر برای روحانیون و جوانان امری لازم است.

کیهان ۶۴/۷/۲۲
اگر چنانچه کمیسیون دفاع و فرهنگیانده بفرستد توی جبهه و از افرادی که در متن جنگ بودند و گزارش مستندی از مسائل جنگ تهیه بکنند همین هائی که آنقدر بیچاره هائی من می نویسند اگر کمیسیون دفاع برود آنجا آنها از خدا ارشاد می خواهد و گزارش به آنها می دهند بعد بیاید بنشینند روی گزارشها افرادی را بگذارد بررسی کنند.

اگر چنانچه در دولت ناهماهنگی باشد که خلاصه فقط کار همدیگر را خنثی کنند ایسن میشود تقریباً فتنه.
در اثر این انقلاب افغانستان هم مردم شجاع شدند مردم جنوب لبنان این جور در مقابل اسرائیل قیام کردند توی فلسطین قیام کردند.

کیهان ۶۴/۷/۲۲
این رشد و آگاهی که در ملت ایران پیدا شده که حتی کشاورزش و کارگرش هم مسائل سیاسی را تجزیه و تحلیل می کند و قضاوت میکند.

شما خیال نکنید که مثلاً اینهای که در روز قدس این همه تظاهر کردند داخل اینها ناراحتی نبود. چرا، افرادی بودند واقعا ناراضی از وضعیت مثلاً ادارات. چه بسا از من طلبه نگرانی داشتند، از امثال من اشکالاتی داشتند اشکالات بجا هم بسا داشتند اما وقتی که می بیند مصلحت اسلام است در مقابل اسرائیل و در مقابل صهیونیستها حرکت کنند من بهینم که مصلحت کشور اسلام را رعایت میکند.

اگر کسی چیز خوبی مینویسد که بدرد مردم میخورد و لوا اینک دوست هم با این مخالف است سبباً هم با این مخالف است اطلاعات هم با این مخالف است اما همین اندازه ما میدانیم که این معتقد به جمهوری اسلامی است مقاله اش هم مفید است این جور مقالات باید آزاد باشد و چاپ بکنید.

مسلمانان صد اسلام ایمان و استقامت داشتند و مشکلات را تحمل نمودند، تا آنجا که در جنگ تبوک میگویند روزانه هر سلسله مسلمان مبارزی يك خرمایشتر سهم نداشت ماهم باید به کار خود و انقلابی که کرده ایم ایمان داشته باشیم و در برابر ملامت و سختیها و مشکلات که قابل مقایسه با مشکلات صد اسلام نیست مقاومت کنیم. يك سفیر، کار خود را در داخل سفارتخانه ها تنها منحصر به همان کاری که برایش معین کرده اند نکند. بلکه اگر مثلاً به اموریکه مربوط به اقتصاد یا کشاورزی یا بازرگانی کشور یا سایر جهات هم هست اطلاعاتی بدست آورد. سعی کند اطلاعات مفید خود را در اختیار وزارتخانه یا ارگان مربوطه بگذارد و نگوید اینکار به عهده من نیست. بالاخره کاری است به نفع کشور و مربوط به مردم.

نقل از، نوارهای ولایت فقیه آیت الله منتظری:
این اواخر در تهران ماکرود نبود مخصوصاً در تهران شیعه ها که دین مقدس اسلام دینی است که آمده است برای اینکه مردم را راهنمایی کند که چگونه با خدا ارتباط داشته باشند با خدا را از نیاز کنند و نماز بخوانند و دعای کمال بخوانند و مثلاً فرض بکنید حاجاتشان را از خدا بخواهند، به امور سیاسی، امور اجتماعی و حکومت و این جور چیزها اسلام اصلاً کار ندارد این يك شناخت از اسلام که تقریباً در اذهان نوع ماها اینطور بود.

اینکه هر کس کار خود را بکند مثل نماز فرادا میماند، نماز فرادا که نماز اظطراری است. اگر پیرزن و پیرمر در و مریض و شخص مسنی است خود فرادا بخواند اما نماز اصلش به جماعت است در حج هم آنچه مهم است و قدرت اسلام و مسلمین مجسم میکند آن تشکل و اجتماع و با هم بودن آن است و قهراً هر جمعی يك راهنما و يك رهبر و يك محور جمعی لازم دارد و آن امام است، آن در نماز جماعت امام جماعت است و در حج هم امیر حاج است. پس بنابراین بوده که هماهنگی باشد نه اینکه هر کس برای خودش کاری بکند.

کیهان ۶۴/۸/۱
در سمینار شورا های استانی ائمه جمعه: آیت الله منتظری در سمینار شورا های استانی ائمه جمعه تذکرات مشروحی نسبت به ساد ه زیستن ائمه جمعه، تشکیل جلسه هفتگی با مسئولین منطقه و محل برای حل مشکلات مردم، حفظ متانت در زکلام و داشتن شرح صدر در برخورد با مسئولین و مسررد مطالعه و وقت در خطبه های نماز جمعه تعقیب مطالعات حوزه ای و حتی المقدور تد ریس علوم دینی تماس مداوم با ائمه جماعات و سایر علمای شهر و محل خود احترام کامل و محول نمودن بعضی امور تبلیغی به جوانان، عدم دخالت در کارهای اجرائی و عزل و نصبها با توصیه های بیجا و غیر ضروری، اجتناب از اموریکه موجب اتهام و پناه من موقعیت معنوی آنان میباشد. همچنین اختصاص ساعاتی از روز برای دیدار با مردم و مراجعه افراد گرفتار به آنان ایراد فرمودند. از ائمه جمعه هم نباید انتظارات عصمت داشت، معصومین مافقط چهارده روح مقدس بودند و غیر از آنان همه ما خطا ولغزش داریم.

حدیث در کافی است: کسی که آگاه باشد به اوضاع زمانشان، مشکلات بر او هجوم نمی آورد و در مقاطع حساس مصلحت را تشخیص می دهد.
نشر افکار با ملامت اصول اسلام.

کیهان ۶۴/۶/۲۲
اما باید روفاه منعکس کننده افکار اکثریت و افکار اقلیت بر اساس اصول اولیه ای که اسلام در نظر گرفته است باشند.
روزنامه ه ما مطالب بر رئیس جمهور و دولت را داشته باشند و سخن مردمی که استعراض دارند و اشکال دارند نیز باشد.
اگر کسی چیز خوبی مینویسد که بدرد مردم میخورد و لوا اینکه دولت هم با این مخالف است سپاه هم با این مخالف است اطلاعات هم با این مخالف است اما همین اندازه ما میدانیم که این معتقد به جمهوری اسلامی است مقاله اش هم مفید است و به درد هم میخورد یا علمی است یا تاریخی است یا جغرافیایی است این جور مقالات باید آزاد باشد و چاپ بکنید.

آیتا... منتظری
شما خیال نکنید که مثلاً اینها نیکه در روز قدس اینهمه تظاهر کردند، داخل اینها ناراحتی نبود چرا؟ افرادی بودند واقعا ناراضی از وضعیت.

کیهان ۶۴/۸/۱۴
در دیدار با وزیر امور خارجه و سفر اگر ما نخواهیم در شرائط فعلی که ابر قدرتها برای ما اینهمه مشکلات در داخل و خارج درست کرده اند، فدای اسلام و انقلاب را به تمام دنیا برسانیم، باید همانگونه که

اما با ایستی روزنامه نگار منعکس کننده افکار مردم، افکار اقشار مختلف باشد و این تبادل افکار سبب میشود که مردم ساخته بشوند سطح فرهنگیشان بالا برود، این سبب میشود که دولتی ها هم حساب کارشان را بکنند وقتی که ببینند روزنامه ها بالا ای سرشانند و انتقاد میکنند و تعقیب می کنند.

برادران! در هر جا هستید با هم پیوندید، با وحدت کلمه قدس عزیز را از دست صهیونیسم نجات دهید.
در فقیه عالیقدر آیه الله منتظری



جنگ اسلام و کفر

سیستم آموزشی در دوران انقلاب و حوزه های علمی

۱- مبنای وجود، خدای اول الاولین

یک جریان ویژگی باید از انسان را فطرت خدا جو دانسته و از "الله" شروع میکنند و به "پدیده" یا یعنی "ما سوی الله" میرسد. وسیع دارد عرفان را در تمام زمینها، در برداشتهای قرآنی و روای، در سیاست، اقتصاد و توسعه و تحقیقات علمی، تحقق دهد.

این جریان مبنای استدلال ز اخدای اول الاولین گرفته، و به منطق "وحدت در عین کثرت، و کثرت در عین وحدت" معتقد است.

این جریان هر روز که میگذرد، مبارزه اش با ظلم و کفر کمپ دیویسند عمیقتر و احویل تر و فراگیرتر میشود.

۲- مبنای منطق ارسطو، ارجاع به اولیات

جریان دوم مبنای استدلالش، اولیات ارسطویی بوده و وسیع دارد همه چیز را به اولیات ارسطویی (غیر از خدا) ارجاع دهد و اصولاً "منطق ارسطو" را بعنوان روش شناخت قبول داشته و سعی دارد آنرا کلید فهم قرآن و کلید فهم همه چیز بداند. این جریان از "طبیعت" یعنی "فیزیک" شروع کرده و به "ماورای الطبیعت" یعنی "متافیزیک" میرسد. بعبارت دیگر این جریان سعی دارد از پدیده ها به اثبات خدا و صفات خدا برسد، که هرگز نرسیده بلکه در نهایت به خود محوری و انانیت خواهد رسید.

معتقدین به این روش هر روز که میگذرد، بیوندشان با غرب نزدیکتر میشود. چرا که زیر بنای روش شناخت آنها یکی است و غرب نیز برای این جریان، علیرغم اختلاف در خط مشی، حساب مخصوصی در دراز مدت باز کرده است.

۳- التماسات و نظام فکری

جریان سوم در حوزه قرآن و وحی و روایت، منطق ارسطو را مبنای نگرفته ولی در حوزه علوم، اقتصاد و سیاست منطق ارسطو را مبنای میگیرد. این طرز تفکر، حوزه دین و عبادات را از سیاست و اقتصاد و علوم جدا میکند و برای هر یک از دو حوزه روش شناخت مستقلی قائل میشود. گروه عاقبت طلبی ضدها نیست جز، جریان سوم است این جریان در عمل و شیوه ها، سیاست اقتصاد و علوم به غرب و جریان دوم نزدیک میگردد. و وجه امتیاز آنها نسبت به غرب عبادات و عرفان فردی بوده و به عرفان در صحنه معتقد نیست راه معاهد: امیدواریم این تقسیم بندی گامی باشد در جهت کمک به کسانی که میخواهند روی خط مشی و استراتژی و ریشه یابی اختلافات سیاسی موجود کار نمایند. از خداوند برای آن طلب صبر و آراش پویا می نمائیم

نقد نظراتی پیرامون منطق ارسطو

کبری به نتیجه میرسند.

۱- در کجا پیامبر و ائمه منطق ارسطو را رد کرده اند؟

۲- نفی منطق، نفی حرف زدن است

گرم منطق ارسطو را مطلقاً رد کنیم دیگر اصلاً باید حرف بزنیم. زیرا هر کس حرف میزند منطقی است.

۳- از استدلال تفکیک ناپذیر است

کسانی هم که منطق ارسطو را رد میکنند خودشان متوسل به منطق میشوند و با صغری

ایشان را در جبهه ها

خدای جمهوری اسلامی ایران را در جبهه چه میگذرد؟

(۱) رزمنده ای که عازم تک محدود سوار شود میگفت: "لذت شب حمله از لذت شب دامادی بیشتر است"

راه معاهد: از ویژگیهای بسیج در عمل صالح همین است که با رسیده به لذت لقاء است.

بشتاب برادر دلیرم، بشتاب

عباس توئی، تازه فراتسی در بشتاب

چون بود شهید عشق در کرب و بلا

لب تشنه لبیک، نه لب تشنه آب



عملیات جریبکی

رزم پیروزی سپاه و ارتش

پیام انقلاب شماره ۱۴۶
سرمقاله: تقویت سپاه و ارتش در ابعاد کلاسیک نباشد در سیر عملیات قدرتمند غیر کلاسیک وقفه و یا رکود ایجاد نکند. ما اکثر پیروزیهای خود را در زمین مدیون عملیات غیر کلاسیک و جنگهای گسترده بسیجی بوده ایم. جنگهای غیر کلاسیک این روزها در شکل

ویژگی عملیات محدود

کیهان شماره ۶۴/۶/۲۶
سرهنگ سهرابی: آنچه را که میتوان در مورد نتایج حاصله از عملیات زنجیروار ایپراشه نمود، عبارتست از انجام عملیات محدود در مناطق مختلف جبهه های نبرد و در جایی که دشمن انتظار آنرا ندارد این عمل سبب میگردد که دشمن را در مناطق مختلف زمین گیر نموده و قادر نباشد سرعت تغییر مکان دهد.

کیهان شماره ۶۴/۶/۲۸

سرهنگ صیاد شیرازی: بعد از عملیات بدر بود که نیروهای ما آماده ضربه زدن به دشمن در طول خط ۱۲۰۰ کیلومتری جبهه ها شدند و این روش را به این دلیل انتخاب کردیم که بعضی از واحدها به حالت رکود درآمده بودند و وقتی آمادگی آنها برای عملیات مداوم در طول جبهه ها مشاهده نمودیم، این روش را پیاده کردیم.

ویژگیهای اینگونه عملیات فاغلیگیری دشمن در تمام مناطق میباشد و از طرفی چون عملیات در سطح محدودتری اجرا میشود و اداره و فرماندهی آن تمرین بسیار خوبی برای فرماندهان رده های پایین میباشد تا تجربه نظامی آنها را افزایش دهد و لذا قوت رزمندگان در خوب جنگیدن استفاده خوب از سلاحهاست. ولی استفاده از سلاحهای نظامی دلیل مشروط شدن نبرد ما نیست.

کیهان شماره ۶۴/۶/۲۸

بزرگوار محسن رضایی: تاکتیک جدید که اتخاذ شد، برای تقویت عملیات جنگی گذشته، ماست در حقیقت این تاکتیک حاشیه های سیاسی گذشته، جنگی مانده بلکه در تقویت و نه پالایش آن سیاستها، اهداف فنی را دنبال میکند... این عملیات تکه به تکه گسترده و در تمام طول مرز انجام میگردد همراه با فاغلیگیری بوده و اجازه تمرکز قوا به دشمن در یک نقطه را نمیدهد... ضمن اینکه تجهیزات موثر است و برنا مه ریزی های دقیق و خوبی از سوی دولت برای تهیه و خرید تجهیزات انجام گرفته ولی ما باید همچنان جنگ و جهاد اسلامی را زنده نگاهداریم و فشار ما را به دشمن مرتب ادامه دهیم. این است که تجهیزات در بعضی موارد در کار ما تاثیر ندارد.

بزرگواران ما خواهند گفت: الم ترکیف فعل ربك بصدام آیا ندیدی پروردگارتو با صدام چه کرد؟

همه لذتهای دیگر فراموش میشود.
خوب است مسئولین، حالت این رزمندهگان را در نظر گرفته و برای مبارزه با فساد دست به برخورد های صرفاً "شکلی نزنند بلکه سعی کنند جا مع را همیشه در عمل صالح بسیج نگاهدارند تا جایی برای گسترش فساد باقی نماند.
(۲) رزمنده ای میگفت: "صفای جبهه در همین است که چند نفر از یک کاسه غذا میخوریم"
راه مجاهد: اگر تفرده که مبنای فلسفی آن اندیویدالسم یعنی فلسفه غرب است از بین برود زندگی مصرفی به شکل غربی هم از بین میرود و اگر مصرف نباشد صنایع غرب فلج میشود. تفرده در غرب ایجاد میکند که هر فرد خانه مستقل، اتاق مستقل، رادیو و تلویزیون مستقل، کاسه مستقل... داشته باشد. با این تفکر جامعه اما م زمانی و امت واحد، منفی میشود. بیائیم از جبهه ها درس عبرت گرفته و میناهای تفرده را در خودمان پاکسازی کنیم.

نقش مجاهدین عراقی در جذب نیروهای دشمن

اطلاعات ۶۴/۸/۲

فرمانده عملیات عاشورای ۴ :
در این عملیات بطوری عمل شد که دشمن که از تجهیزات انحصاری هشدار دهنده و رادارهای حساس صوتی با برخورد آوار بود بکلی غافلگیر شد... تجربه عملیات گذشته نشان داد که شرکت مجاهدین مسلمان عراقی در عملیات میل به تسلیم شدن رادرسر بازان عراقی تشدید میکند و این مسئله از جهات روانی و عاطفی بیش از لوله اسلحه کار آیی دارد.

اطلاعات ۶۴/۶/۹
حمت الاسلام خامنه ای در مشهد:

رژیم با ابتدایی ترین سلاحهای میهنگیریم چطور شده است دانشگاههای ما در این مدت یک سلاح ن ساخته اند. در حالیکه در کشورهای دیگر دانشگاهها در این زمینه نقش اساسی داشته اند... تا دانشگاهها در خدمت جنگ قرار نگیرند، مگر میشود این جنگ را بطور قاطع پیش برد.

دانشجویان ما باید شعراهای محوری را زنده نگه دارند و امروز زنده کردن مسئله جنگ یک رسالت بزرگ است... دانشجویان در حفظ شعار جنگ همت کنند و این مسئله را جابجایی اندازند و مراکز مختلف دانشگاهی ما را در خدمت جنگ قرار دهند.

یک دانشجو:
این سؤال باید پاسخ داده شود که وزارت علوم چه برنامه ای را در جهت مبارکت دانشگاهیان در جنگ، طرح ریزی کرده است



و متخصصین ما چه پروژه هایی را در رابطه با احتیاجات تخصصی جنگ به اجرا در آورده اند

نقطه نظراتی پیرامون انقلاب عراق

مبارزه تنهادر حود دمکراتیک امکانپذیر است:

جریانی معتقد است که:
رهبر واحد در عراق نداریم، حکیم را هم همه قبول ندارند. با وضع انسجام گروهها و طایفه ها، پس از سقوط صدام دولتی که تشکیل بشود، دو ماهه سقوط میکند.
راه حل این جریان: مرحله اول باید صدام برود و یک حکومت کمی پائین تر از او بیاید و جو کمی آزاد بشود تا بتوانیم کارکنیم صلاحیت پیدا کنیم، وحدت پیدا کنیم و بعد برای حکومت اسلامی اقدام کنیم.

حزب آفرینی در ارتش عراق:
جریانی میگوید:

جنگ در از مدت است و اصل، حفظ، تعمیق و گسترش ارزشها و هدفهای اسلامی و الهی انقلاب و جنگ است. باید سلاحی تهیه کنیم که مکتبی باشد و ابستگی نداشته باشد در عملیات مواظب اسرا باشیم و برای برخورد صحیح و سالم با آنها باید سازماندهی کنیم اصل تحول در ارتش عراق است و همین مردم عراق کادرهای آزادی قدس هستند.

عدم ورود به خاک عراق
جریانی میگوید: ما قیم مردم عراق نیستیم و باید تحول از درون خودشان شروع شود و دلایل شرعی میآورند که نباید به خاک عراق رفت.

ورودی حدود مرز به خاک عراق
جریانی میگوید مردم عراق رفاه طلبند با ۴ لشکر باید کوبیم و برویم در خاک عراق تا رژیم صدام سقوط کند. این جریان بر این اعتقاد است که جنگ تا ۲ سال دیگر باید تمام شود.

شورای همکاری خلیج، چرخش یا توطئه؟

تا وقتی پای دفاع در میان است، همپا جنگ میکنیم. اگر مسئولین هم دستشان بلرزد این ملت... میدان را رها نخواهند کرد.

جنگ و برنامه ریزی

جهاد شماره ۷۹ - مهرماه ۱۳۴۴
عازها یکی هم اکنون گریبان نگیرند نظام اسلامی و سرنوشت نهایی جنگ شده است مجرد دیدن مسائل و جوانب آن بدو را زدیگر دیده - ها و معضلات کنونی جا مع است. بطوریکه این مسئله بعنوان عاملی ترمزکننده امکان نداده که روحیه جانبا زیها و فضای تعاون و برابری... که مختص به جا مع جبهه های کشورمان است، به ارکان و زوایای دیگر جا مع رسوخ و نفوذ نماید... بی شک ریشه اینگونه نارسائیهها که مستقیم و غیر مستقیم جنگ را از همه جانبا زده شدن آن کاسته و جبهه های نبرد را منحصربه نموده های نظامی نگریسته است باید در طرز تفکر جریاناتی یافت که عا جز از درک جوهره اسلامی و هویت مردمی جنگ هستند. همین عده هستند که چشم به نقطه پایان جنگ دوخته اند و آنرا یک حرکت مقطعی در طول انقلاب میبینند، لذا برنامه ریزیها و کارهای انقلابی شان را به فردای جنگ سپرده اند.

امپریالیسم از جنگ و تخریب آنهم با تکیه بر اسلحه های مدرن و ساخت قدرتهای امپریالیستی و دلارهای نفتی و اقتصاد و صنعت وابسته نمیهراسد. او تنها از جنگی میترسد که امام آنگونه میبیند. او از جنگی میترسد که مردم در تمام جبهه ها بسیج شوند و در سایه این نبرد انسانهای متعالی رشد و تولید یافته و باعث آزاد شدن استعداد های نهفته همه مردم و تجلی صفات الهی... و برنامه اقتصاد مستقل از نفت فرا هم شود.

دانشگاه جنگ
کیهان ۶۴/۸/۱۲

برادر محسن رضایی:
پنج سال از جنگ گذشته است ما هنوز

جمهوری اسلامی ۶۴/۸/۱۱
یک سخنگوی شورای همکاری :
شش کشور عضو، از این به بعد قصد دارند در این جنگ بین دو همسایه به تلاش میلیتاری جدیدی دست بزنند.
یوسف العلیوی نماینده عمان:

روحیه صمیمی و سازنده ای باید در قبال حل و فصل مسائل با تهران نشان داد.

سلطان قابوس:
از سران حاضر در اجلاس خواست، نقشش شورای همکاری خلیج را بعنوان یک عامل ثبات منطقه تقویت کنند. وی ضمن ابراز

نگرانی از ادامه جنگ عراق و ایران، به تمایل شورای همکاری برای پایان دادن به جنگ اشاره کرد. وی گفت: ما از جا مع جهانی میخواهیم به متوقف کردن جنگی کمک کنند که توسعه و تشدید آن منافع کشورها حوزه خلیج را تهدید میکند.

کیهان ۶۴/۸/۱۱

حمت الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه:
برای اولین بار در جلسه اخیر شورای همکاری خلیج فارس در مسقط برخلاف گذشته عنوان نشد که عراق آماده صلح و ایران طرفدار جنگ است بلکه گفتند که ما باید تلاش کنیم روابط خود را با ایران بهبود ببخشیم.

کیهان ۶۴/۸/۱۲

مهندس موسوی نخست وزیر:
این چرخش (تغییر موضع کشورهای حاشیه عربی خلیج فارس) به خاطر استواری مواضع ما صورت گرفته است. ولی آثار عملی این چرخش که میتواند در وضعیت تنگ هر مرز و خلیج فارس موثر واقع شود، در شرایطی که ریشه فساد در عراق وجود دارد و در حالیکه

فهرانسه و دیگر ابرقده، تنها امکانات مالی و نظامی زیادی به این رژیم، نمیتواند ظاهر شود.
راه محاهد: اولاً این یک عقب نشینی کشورهای منطقه در قبال ۵ سال لقا و متا نقلای ایران است تا نیا به نظر میرسد که اظهارات مقامهای عضو شورای همکاری خلیج، بخشی از طرحی باشد که توسط دو جناح از کشورهای منطقه، در رابطه با به تسلیم و سازش کشاندن جمهوری اسلامی ایران در جنگ تعمیلی، انجام میشود.

از یک طرف جناح فاشیستی - نظامی منطقه

محسن رضایی:
تا دانشگاهها در خدمت جنگ قرار نگیرند مگر می شود این جنگ را بطور قاطع پیش برد.

به سرکردگی رژیم بعثی، صهیونیستی عراق با تهاجم نظامی به تاسیسات صدور نفت مادر خارک و همچنین دولتلمبه خانه در داخل و نیز بمباران تاسیسات صنعتی، فشار نظامی وارد میآورد.

و از طرف دیگر جناح نفتی خلیج، به قصد جذب ایران در شرایط فشار نظامی میکوشد درهای میانجیگری و مصالحه را بکشد. عملکرد این دو جناح، جدای از یکدیگر نبوده و با هدف واحدی صورت میپذیرد. بررزمندگان اسلام و مسئولین جمهوری اسلامی است که با پافشاری و ثبات قدم در



کاری جز تحقیق انقلابیون ندارند.

پرامون انتخاب نخست وزیر

پیام هاجر ۶۴/۷/۱۰

قبل از اینکه ریاست جمهوری مشخص شود در مجالس و محافل بحث از ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای و تشبیه دولت آقای موسوی بود. بلافاصله پس از انتخاب ریاست جمهوری زمره حذف نخست وزیر آقای موسوی و تشبیه بعضی از افراد دیگر گوش می‌رسید و حتی شنیده شد که در جلسه "جذب در مورد انتخاب یکی از وزرا" جهت نخست وزیر تعیین گمبیری شده است.

جمهوری اسلامی ۶۴/۶/۱۶

حجت الاسلام خامنه‌ای در نماز جمعه تهران برای اینکه بتوانم افرادی را که قدرت بر آوردن خواسته‌های مردم از رئیس جمهور را دارند، انتخاب کنم به یک جو آرام و سالم احتیاج است.

رسانه‌های جمعی و مطبوعات بگذارند جو سالم بماند. جو سازی نکنند و بگذارند بنده با اختیار و با تشخیص خودم کسی را که می‌خواهم انتخاب کنم.

راه مجاهد
در طول مدتیکه انتخاب نخست وزیر مطرح بود، حزب الله روی دیوارها و پلاکارها شعارها فی از قبیل "انتخاب موسوی اطاعت از امام است" و "موسوی حزب الله، نخست وزیر ایران" را نوشته و به این ترتیب موضع انقلابی و خواسته خود را در این زمینه مشخص نمودند.

اطلاعات ۶۴/۶/۲۶

آقای مرتضی رضوی نماینده تبریز: اینکه فرمودند آقای رئیس جمهور هر که را بخواهد برای نخست وزیر انتخاب کند اگر منظور از این جمله همان است که قانون اساسی گفته کسی چنین اختیار را چه از او را از آقای رئیس جمهور نمی‌توانند سلب کنند این توضیح واضح است و اگر منظور این است که یک جوی ساخته شود و یک نفر را به مجلس معرفی کنند تا به اصطلاح رای آوردنش از همین الان آسان شود، این خلاف شرع است آن کسیکه در ماجراها سپاه را محکوم مناقضین را حاکم کرده بعنوان نخست وزیر تعیین می‌پذیریم، فرد ضعیف را تعیین می‌پذیریم و این وظیفه نمایندگی است. اگر منظور اینست که از حالادراین خصوص زمینه سازی شود ما زیر بارش نمی‌رویم...

میرحسین مظلوم تقصیرش! هست که فقط طرفدار مستضعفین بوده، آنهم اگر محال میدادند. حالا میگویند دولت سالاری شده کدام دولت سالاری...؟

نخست وزیر باید چه کسی باشد؟ آن کسیکه شهدا و را می‌خواهند. وقتی امام آقای موسوی را تا بیاید می‌کشند، می‌گویند ارشاد است، حکم فتوایی نیست. صبا به پیامبر بعد از فوت

میرحسین مظلوم تقصیرش! هست که فقط طرفدار مستضعفین بوده، آنهم اگر محال میدادند. حالا میگویند دولت سالاری شده کدام دولت سالاری...؟

نخست وزیر باید چه کسی باشد؟ آن کسیکه شهدا و را می‌خواهند. وقتی امام آقای موسوی را تا بیاید می‌کشند، می‌گویند ارشاد است، حکم فتوایی نیست. صبا به پیامبر بعد از فوت

پیامبر، گرایش به راست را شروع کردند. ما در حضور امام... آن شهیدانه اصطلاح حکم ارشادی را میدانند و اصطلاح حکم فتوایی را آن شهید علم اصول خوانده، ولی عرف امام را خیلی بهتر درک میکنند... نخست وزیر کی نوک سر ما به دارها شود برای این انقلاب نمیتوان ندکا ربکند. ما تا کی نباید حرف بزیم اما م در فرمایشات اخیرشان مشاور را مطرح میکنند. در آن قسمت که بحث مشاور را مطرح میکنند، هرگز دولت را بعنوان مشمساور معرفی نکرده‌اند.

اطلاعات ۶۴/۶/۲۸

آقای علوی حسینی نماینده گرگان: چرا آقایان بحای اینکه نظام ما متعیرا تقویت و فقه سنتی را پیاده نمایند، درصد

نعوذ بالله با زگرداندن روش نظام شاهنشاهی با عنوان حمایت از مستضعف و ضد سرمایه داری میباشند... نگذا رید رئیس جمهور از حق قانونی خود استفاده کند. آیا این ما هستیم که باید به رئیس جمهورمان خط بدهیم که چه فردی را به عنوان نخست وزیر انتخاب کند یا اینکه این رئیس جمهور است که قانون اساسی را او جا زده داده است تا هر فردی را که می‌خواهد بنا نظر امام و غیره بتواند معرفی کند؟

اطلاعات ۶۴/۶/۲۸

آقای محمد معزی نماینده اصفهان: اگر امروز مجلس شورای اسلامی پشت سر امام و جهت حمایت از قوه مجریه، بسیج میشوند همه و همه بیباک تگریک واقعیت است که تضعیف قوه مجریه و دیگر گونیهایی غیر اصولی و ایجاب قدرتها فی در کنار قدرت قانونی دولت بنام جلوگیری از دولت سالاری تاریخ خونبار ایران پس از مشروطیت را بیباد خواهد آورد، که با تزلزلهای دائمی از ایجاب یک دولت منسجم جلوگیری شود و ارکان مملکت بدست مردان کم تجربه ولی جاه طلب و بانند بازافتاد و شد آنچه که نباید میشود.

اگر حقیقتا "میخواهیم در مقابل خدا، امام و مردم سرفراز باشیم بهترینست آقای میرحسین موسوی را که مورد نظر امام است هستند در انتخاب وزرا شیکه با وی هماهنگ باشند کمک کنیم؟ آیا بعهده مجلس نیست وزرای با کفایت را که در کورا نجریا نسات متعدد سیاسی و اقتصادی امتحان خودشان را داده‌اند. ارافت خط و خط باری که منحربه حذف آنها خواهد شد، مصون بداریم؟ چه نهادها فی مسئول عدم انتظام دولت هستند و از این عدم انتظام چه کسانی بود میبرند؟ فرصت طلبان دغلبازی که امام را نگران کرده‌اند، با طمع خواهان عافیت طلبی که از صدور انقلاب هراس داشتند و

اطلاعات ۶۴/۷/۱
آقای ولی... زمانی نماینده پایل: برای شروع انقلاب پنجم که ضرورت انقلاب است و فروکش نیدن کشمکشهای حال و بعد از شخصیتها فی چون آیت الله مهدوی کنی باید دعوت کرد که هم وجهه المله است و هم قدر است دارد، و محتهد است و بر همه آنا نیکه مطرح اند افضل است با مقبولیت عام.

کیهان ۶۴/۷/۱

نامه سرکشاده دانشجویان مسلمان دانشگاهها به مجلس شورای اسلامی درباره انتخاب نخست وزیر: ما دانشجویان مسلمان دانشگاهها نیز معتقدیم فردی توان و شایستگی این مقام خطیر و حساس را خواهد داشت که:

۱- در تاریخ مبارزات اسلامی جز گروه عافیت طلبها نبوده و در مسیر انقلاب امتحان خویش را داده باشد... اعتقاد قلبی به حزب الله و ارگانهای حوشیده از انقلاب داشته و در تضعیف آنها کام بر نداشته باشد.

در طول مدتیکه انتخاب نخست وزیر مطرح بود، حزب الله بروی دیوارها و پلاکارها شعارها فی از قبیل "انتخاب موسوی اطاعت از امام است" و "موسوی حزب الله، نخست وزیر ایران" را نوشته و بدین ترتیب موضع انقلابی خود را مشخص نمودند.

۲- در زمینه جنگ تحمیلی آبا بخاطر مصالح سیاسی و نبودن روحیه جنگ ستیز در آن مقاطع که امام شاعر جنگ تا رفع فتنه را دادند، در زمره کسانی است که در جستجوی راه حل سیاسی برای پایان جنگ بوده است...
۳- بسیاری برای باروند که نیا از انقلاب به غرب حیاتی است و نوعی تکنوکراسی در ذهن دارند، یعنی حکومت متخصصین بر مردم آنهم به مفهوم غربی آن... عمده خطر کنونی حاکمیت این تفکرات است، یعنی چون به غرب محتاجیم سیاستهای تند و انقلابی طاح نیست و باید سیاست میان روی را پیشه کنیم... لذا فردی میتواند این مسئولیت را بپذیرد که اعتقاد قلبی به جدال همیشگی با آمریکا و فرهنگ غربی را داشته و این عمل را به اثبات رسانده باشد

راه مجاهد

در این مدت تلفنها شیکه پیرا مون مسافرا انتخاب نخست وزیر به بیت امام خمینی میشد، حواب میداند: "نظرا ما تا شید آقای موسوی است"

اطلاعات ۶۴/۷/۸

قسمتی از نامه ۱۳۵ تن از نمایندگان مجلس درباره دولت به امام است:

۱- سابقه انقلابی و ارزندگی، حقیقت درخشانی است که با ید بر چهره دولت جمهور اسلامی بدرخشد. تا همه نیروهای انقلابی و کافه مردم فداکار به حمایت از آن برخیزند و حضرت امام هم بر این نکته تاکید فراوانی دارند.

۲- آنچه متاسفانه مشهود است، حریانی خاص گسترده و طیفی معلوم مشخص، تغییر دولت را حمایت و همراهی کند که در صورت موفقیت ممکن است نیروهای فراوان انقلابی بی کنا رگذاشته شوند.

مواضع استراتژیک ایران برای آزادی قدس از طریق سقوط نظام فاشیستی عراق، این توطئه دشمنان را نیز غنثی سازند.

دیپلماتی جنگی

پیش شماره سوم رسالت ۶۴/۸/۱۲
حملات تبلیغاتی به حدی است که برخی از سیاستمداران ما میگویند:

"لطفا اهداف را بدل خودنگه دارید و در باره آن حرفی نزنید، اگر خواستید و یا نتوانستید عمل کنید..."

در تبیین اهداف مقدس حزب... در مورد این دفاع شرعی در صحنه بین المللی معمولا دواشکال عمده را مطرح میکنند:

اول اینکه جنگ در هر صورت و هر موقع و هر شکلی بد است و اگر بتوان آن را در هر زمان متوقف نمود، کار درستی است.

دوم اینکه سرنگونی صدام و استقرار نظام اسلامی در عراق دخالت تام در امور یک کشور دیگر است.

روابط سیاسی ایران و عراق؟!؟

کیهان ۶۴/۶/۱۲

دکتر خرازی، سرپرست ستاد تبلیغات جنگ، روابط سیاسی ایران و عراق در سطح کاردار سیاسی حفظ شده که این از عجایب جنگ است و فعالیتها در سطح احضار کاردار و تسلیم یادداشتهای اعتراض محدود است.

هدف بمباران خارک و جنگ تدریجی

کیهان ۶۴/۷/۹

پرفسور ولسون از کالج جنگ ارتش آمریکا: با توجه به اینکه جنگ ایران و عراق با خاتمه یافتن با تفاهم در تضاد است و بعید بنظر می‌رسد که طرفی بتواند عملیات عمده انجام دهد، انتظار دارم عراق به حملات خود علیه تاسیسات نفتی ایران ادامه دهد.

بمباران خارک و میز مذاکره

دکتر گاری سینک از بنیاد دفرود ایران در حملات عراق به مناطق غیر نظامی و ادار به مذاکره نشد. ولی حملات عراق به هدفهای نفتی به نحوی فزاینده موثر است که اگر موفق شود، ایران ناچاراً کوتاه خواهد آمد

تلاشهای صلح سا زمان ملل و آمریکا

سیک گفت: بهترین کار آمریکا این است که از تلاشهای صلح دبیرکل سا زمان ملل بی سر و صدا حمایت کند.

راه مجاهد: حمله به مناطق مسکونی، بسیج مردم در روز قدس را در برداشت و فشار را مستقیما بردولت وارد نمی‌کند. شیوه حمله به مناطق نفتی فشاری را مستقیما بر دولت وارد می‌آورد که از یکسو جریانات مردمی و ارتش بر سر مسائل اقتصادی و مالی ناراضی و ضد جنگ شوند و از سوی دیگر دولت ایران بدست به عملیات گسترده نارس بزند که یا س ادامه جنگ را در بر خواهد داشت.

دکتر گاری سینک: ایران در حملات عراق به مناطق غیر نظامی و ادار به مذاکره نشد، ولی حملات عراق به هدفهای نفتی به نحوی فزاینده موثر است که اگر موفق شود ایران ناچاراً کوتاه خواهد آمد.

۲- چون فرموده حضرتعالی مسئله اصلی جنگ است و دولت فعلی با قوای رزمنده و فدائیان را در ادامه جنگ و تلاش برای حصول پیروزی، توافق و همکاری برنامهریزی شده گرم و صمیمانه ای دارد. کنا رفتن آن به مسئله جنگ ضایعات و صدماتی وارد خواهد ساخت.

اطلاعات
قسمتی از پاسخ امام امت
... آقای مهندس موسوی را شخص متدین و متعهد و در وضع بسیار پیچیده کشور، دولت ایشان را موفق میدانم و در حال حاضر تغییر آنرا علاج نمیدانم.

اطلاعات
آقای فهیم کرمانی نماینده کرمان اکنون که خود را بعنوان امینی عادل با پاسداران ملت مردم قلمداد کرده ایم، تمهید کرده ایم که ما منت و تقوی را رعایت کنیم تا با بایده خود اجازه دهیم در ایفای این وظیفه بزرگ تحقیق و بررسی کنیم تا به فرموده امام، کورکورانه و بدون تحقیق به کسی رای ندهیم. آنهم در این مورد که مهمترین است و آیا روی این جمله حضرت امام دقت خواهیم کرد که فرمودند: "واگردد ملاحیت شخص یا اشخاصی تمام فراد (آری تمام افراد با تمام مشمول عمومی که دارد) و تمام گروهها نظر موافق داشته باشند ولی رای دهنده تکلیفش برخلاف همه آنها بود تبعیت از آنها صحیح نیست و نزد خداوند مسئولیت ندارد؟"

راه مجاهد لازم به یاد آوری است جمله ای که از امام نقل شده بمناسبت انتخاب دومین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۶۲، خطاب به جریانات و محافل بود که قصد دست گرفتن مجلس و ساقط کردن دولت را داشتند.

اطلاعات
آقای اسفندیار ریور نماینده کوهستان: دنیا بداند ما مطیع محض ولی فقیه هستیم چون و مطیع رسول الله و رهبر از هوای نفس است و مطیع رسول الله هستیم که او متکی به فیض بیکران الهی است و مطاعت پروردار این میدانیم که مطیع خداوند تبارک و تعالی با خود بشود در برابر خدایا و ندهیج است و علم ندارد... چرا بعد از گذشت هفت سال از انقلاب با زبانی در مقابل دنیای جاهل شرق و غرب شرم کنیم، حرفمان که هر قدر خداست، رک و رسا بیان کنیم... آیا عمل به علاج اندیشی امام امت تقلید کورکورانه است چرا میگویند ما ما باید حکم کند و فتوا بدهد. شاید ایشان ابابعد الله هم العیاذ بالله کورکورانه شب ما شورا در حواریان ما مانند چون ما که فتوی نداد و حکم نکرد. تساهل اصرا داشت که بروید. حتی دارد که از تاریکی شب استغاده کرد، با طراپنکه در موقع رفتن کسی خجالت نکشد. لابد اگر ما آنجا بودیم میگفتیم زود تر برویم چون امام که فتوا نداده است الان هم که میخواهیم بایستنا کنایه معنی، حتما "خدای نخواسته به نظر شما رزمندگان نیز کورکورانه به جبهه میروند، این چه نوع اندیشیدن است؟ حتما" میگویند تسلیم جونی می شوید، اگر جوسالم هم با خدا تسلیم نمی شوید؟

از ریاست محترم جمهوری انتظار می رود با بازگذاشتن دست نخست وزیر کابینه ای هماهنگ تشکیل دهد که بتواند هر چه بیشتر به مستضعفین خدمت نماید. حقیقت اینست که بیشتر گرفتاریهای ما از عدم هماهنگی است. نمی شود دست نخست وزیر را از پشت بست بعد بگوئیم باید کارکنی.

کیهان
بیانیه تحکیم وحدت دانشگاههای کشور در باره ترکیت دولت جدید:
اگر بخواهیم برای این اختلاف آراء سرپوش بگذاریم بلاشک روزی این سرپوش برداشته خواهد شد پس چه بهتر که قبل از آنجا دتنشاه، حادثه درجا مع خود به بررسی آن بپردازیم... همانطور که گفته شد عدم انسجام، زائیده بسیاری از مشکلات میباشد. اگر چه به نوعی غیر واقع بینانه بعضاً "بدون بازنگری این نارسائیهها و مشکلات و ریشه های آنها ساده اندیشی کنیم. و با غیر مسئولانه همه آنها را ناشی از جنگ و گروهبها و بطور کلی عوامل بیرونی بدانیم و از ضعف درون خود غافل شویم... یک دست کردن دولت به مفهوم حاکمیت با ندرگرائی و گروه گرائی نیست، بلکه ثرورتنا "به مفهوم انتخاب چهره هاشی

نحرفی است. رهبریت امام و اراده انقلابی ملت و تفنگ است که سرنوشت جنگ را تعیین میکند. دولت باید بر این باور باشد و وزیران با بدخمده جنگ باشند.

ابرار
آقای محمد میرزائی نماینده فلاورجان: مدت ها است مع الاسف در این مجلس توسط معدودی، نوعی جدید از خط امام ظهور کرده است که بنظر میرسد تا حدودی قائلین آن و ارثان خلف همان انجمنی های رسوا و لیبرالیسم سیاسی ورشکسته سابق باشند و شاید آنان شاگردان کم تحر به و کون این تفکر بوده اند و شاید استادان دیرینا صرم رموز پشت پرده ای هستند که رندانه امور را هدایت میکنند. بهر حال این نوع جدید خط امامی بودن ایجاب میکند که افراد علی رغم اطلاع روشن از دیدگاه حضرت امام مدظله در امری خاص خود را مجاز به تخطی عملی و حتی به تمسخر گرفتن آن، بلکه شرعاً "خود را مکلف به امری جز آن بدانند؟ با این عناوین که این نظرا ما نیست نظر خلافیست!! و در صورت اثبات گفته شود حکم فرموده اندکسسه لازم الاطاعه باشد. با اینکه تکلیف امام با ما فرق میکند، با اینکه امام از موضعی سخن

حجت الاسلام عبائی: چرا مطبوعات این چهره هایی که برای چندمین بار در مقابل نظر امام موضع گرفته اند معرفی نمی کنند؟ چرا بین مواضع صریح امام و مواضع آنها در این چند سال مقایسه نمی کنند.

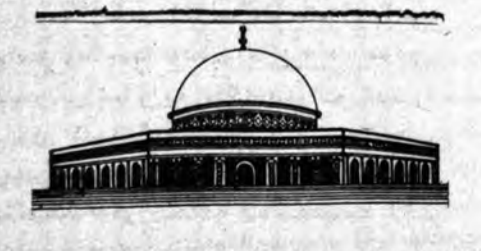
میگویند که ما هم در آن موضع تابعیم اما ما از موضع دیگری با مسئله مینگریم. پرادران باید توجه داشت اکثر انحرافات در تاریخ اسلام از روی جهل به حکم نبود و در انتخاب مورد موضوع و ضایع کردن مصالح بسیاری گمراه شده اند. اگر کسی اعتقاد حدی به سیستم امامت داشته باشد باید کشف اولی اعمال رهبر و بدون تلفظ آنرا بر میگزیند، چه رسد به آنچه حادث شده.
به وزیرری در کابینه رای خواهیم داد که با جد این صلاحیتها باشد:
۱- کابینه باید یکپارچه باشد و وزیران پذیرفته باشند و از هیئت و رئیس دولت به اینجا و آنجا پل نزنند و خود را در برابر تصمیمهای جمع و رهنمودهای خاص رئیس دولت مسئول بدانند.
۲- لازم است از عناصری که از خودشان فکسر ندارند و از حوزه ما موریتشان اطلاعات ندارند، و چهره ها نبر خوردهای چالوسانه و بله قربان گوویی خاصیت بودن در جریانات باشد پرهیز شود و افراد فهمیده و برنامهدار و استخواندار در امور اجرایی و غیر منتظرانسر دعوت بکار نشوند.
۳- وزیر جمهوری اسلامی باید سوابق روشن انقلابی داشته باشد و در انقلاب شکل گرفته

معتقد به اصول انقلاب و علاقه عمیق قلبی به امام میباشد که با علاقه به نظام اجرایی دست به عمل بزنند. البته این مسئله به مفهوم سیاست زدائی از سیستم اجرایی مملکت نیست، چرا که بدون آنکه عنصر مکتبی سیاسی، انقلابی قوی باشند، از اجرای قاطع و مقابله با نفوذ جریاناتی انحرافی چون لیبرالیسم ناتوان خواهند بود.
با یادداشت که شرایط جامعه ما شرایط یک جامعه مادی و در روال روزمرگی نیست که ساده دلان آنرا مادی تصور کنیم و یا در مادی سازی آن تبلیغ کنیم. حیات مساحیات یک جامعه انقلابی پر شور و پرتحرک است و بسیار اشتباه خواهد بود که بهر کشور و شتاب انقلابی، آب سرد مادی سازی بریزیم... ما با آمریکا سر نیز انقلابی داریم، چگونه میتوان این زمزمه را از میان دستگاه های مسئول شنید که ما با بدبا آمریکا رابطه برقرار کنیم و اگر برقراری این رابطه در زمان حیات امام صورت نگیرد دیگر موفق نخواهیم بود... جنگ اساسی ترین مسئله ما است و سرنوشت جنگ در میدانهای نبرد رقم زده میشود. بنا بر این، این تفکر که سیاسیون هستند که جنگ را آغاز میکنند، لذا سیاسیون باید آنرا خاتمه دهند، یک تفکر

باشند
کیهان
حجت الاسلام عبائی، نماینده امام و سرپرست دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:
امسال در دهه عاشورای حسینی... چند نفر انگشت شمار، واعظ و مداح برخلاف نظرا ما م و رئیس جمهور و سایر مسئولین به انتقاد تند از نخست وزیر و هیئت دولیت پرداختند. حتی تا مرکز کونستیتوسیو ما رکیستی دانستن دولت فریاد کشیدند و مردم را ترساندند. مثلاً "اگر این دولت انتخاب شود، اسلام در خطر است... آیا چه جریاناتی وجه کسانی اینها را تحریک میکنند که اینگونه برخلاف تصریح امام و مسئولین رده بالای مملکت موضع میگیرند و تحریک کنندهگان و خط دهندگان ضدامام خود را پشت سر کد ام ریش یا سبیل و عبا و عمامه مخفی کرده اند و با کدام قشور گروه با سازمان پادفترو با حزب و یا بنیاد و انجمن ارتباط دارند و چرا مطبوعات این جبهه ها... شی که برای چندمین بار در مقابل نظر صریح امام موضع گرفته اند معرفی نمی کنند چرا بین مواضع صریح امام و مواضع آنها در این چند سال مقایسه نمی کنند؟ چرا مطبوعات نمیگویند که فلان تاریخ آنها چه گفتند و امام چه فرمودند و آنها برخلاف نظر صریح امام چگونه عمل کردند.

اطلاعات
یحیی سلطانی نماینده اردستان:
وظیفه امت این است که آن جناح را تقویت کند که مورد خایید امام است زیرا امام دوجریان راه خوبی تشخیص میدهد اگر نبود بالله امام در شناخت یک فرد اشتباه کند در شناخت دوجریان و دو بینش که همه آن را لمس میکنند اشتباه نمیکند و امام خط خود را کم نمیکند... در نظام امامت یکی از فلسفه های وجود امام همین است که امت بینش او را مبنای حرکت خود قرار میدهد.

ابرار
آیتا... العظمی منتظری در جمع طلاب حوزه علمیه قم که به پشتیبانی از امام و هیئت دولت راهپیمایی کردند:
... قاعده اش این بود که آقایان نمایندگان وقتی رهبر نظر داشته باشند ایشان در مقام وسیع تری هستند مصالح اسلام را در نظر گرفته اند، جاداشت آنطور که نظر امام بود عمل شود. در ایران اگر مردم چنانچه از من طلبه قم ناراضی داشته باشند، ما همه به رهبران انقلاب ایمان دارند این حرکت شما این اندازه است که به نمایندگان مجلس تذکر بدهید که هر چه بوده گذشته است ولی از این به بعد باید توجه داشته باشند که پیرو او امام باشند مادر حالی که مجلس دولت و قوه قضائیه داریم رهبری داریم که فوق همه اینها است.....



آذر سال روز خیزش دانشگاه بر علیه سلطنت وابسته گرامی باد



اخبار داخلی

انقلاب چگونه بیشتر تثبیت میشود؟

نظریکی از برادران هیأت واگذاری زمین در بلوچستان :
... جقدر خوبست که برای بزرگداشت روز- های تاریخی انقلاب مثل ۲۲ بهمن جاده ای در یک منطقه افتتاح شود یا سدی مسور د بهره برداری قرار گیرد. انقلاب با این شیوه های مردمی بیشتر در بین محرومیان و روستائیان تثبیت میشود از طریق چاپ عکس ها و پوسترها .

پشه مهاجرت به شهرها چیست؟

علت مهاجرت روستائیان به شهر توسعه و گسترش واحده شهرهاست و علت آنهم تکیه به درآمد نفت است
برای عده ای نفت حالت یک مال باد آورده را دارد و لذا درآمد نفت مدنیت میسر آنان است بعضی ها میسر را در آیه "یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر..." فقط به معنی قمار گرفته اند. و حال آنکه میسر پولی است که ساده بدست آمده و باد آورده باشد

لذا مشکل مستضعفین موقعی حل می شود که طرح اقتصاد غیر مکتبی به درآمد مدنیت و شیوه های آنرا بکار میگیریم .
برادرهای غفاری :

(مسجد الهادی - شب عاشورا)

... بعد از پیاپی مبریک تفکرات رجایی در میان مردم پا گرفته بود که ارتجاع کامل بود. مثلاً وقتی حضرت علی (ع) برای جنگ باطلحه و زبیر و عایشه به بصره میرفت دو نفر محمد بن ابی بکر و محمد بن جعفر بن ابیطالب را با نامه ای برای بسیج مردم کوفه برای جنگ به آنجا فرستاد. آنها پیام امام زاهد کوفه خواندند.

راه میروید، بایستید. باز هیچکس نرفت وقتی علی (ع) اینرا شنید تنها کاریکسه میتوانست در مقابل این جریان بکند گریه بود.

بله ارتجاع شاخ و دم ندارد. ارتجاع با قرآن میآید، بارش و عمامه میآید، با ناهج البلاغه و روایات میآید. بایست مردم ماهم با واژه "دین علیه دین" قرآن علیه قرآن و خدا و پیغمبر و امام علیه خدا و پیغمبر و امام آشنا شوند. این بساط جدیدی در انقلاب ماست .

مارکسیست های ضد مارکسیست

این آقایانیکه ظاهراً "صدم مارکسیست هستند، و ما میترسیم اسام مستضعف ببریم که زود ما رک سوسیالیست و کمونیست میزنند، اتفاقاً "دقیقا" فکر مارکسیستی دارند. مارکس یک جمله ای دارد، میگوید: "انسان میانندیشد همسان گونه که میخورد." معاویه هم از همین تزا استفاده میکرد، سعی میکرد با پول و رفاه فکر مردم را بخرد. این آقایان هم میگویند: چون ما پول میدهم، شما بایست نظرات ما را بگوئید، مدافع خط ما باشید اینها راهنمای راست میزنند ولی چسب میبچند، مثل راننده های ناشی.

جنگ و نفت

دوراه داریم یکی اینکه شرافتمندانه جنگ کنیم و خونمان کف دستمان باشد، یکی هم اینکه کوتاه بیاییم و بگوئیم غلط کردیم .

از قبل پیش بینی میکردیم که نفت را بزنند و میگفتیم باید بدون نفت زندگی کرد ولی کسی توجه نمیکرد. حالا بیدایین کار را بکنیم. البته خیلی سخت است اگر همه، خانه خود ما خیلی سخت است اگر درآمد نفت قطع باشد من میدانم مشکل بجای که در بیابان بی در و ما درش را از دست میدهد و زمین را چنگ میزنند تا چیزی برای

نماز این است که صدای تیر رانشوی ولی صدای مستضعف را

هر کجا که باشد بشنوی نه اینکه هزار رکعت نماز بخوانی و

از گرسنگی بغل دستی خبر نداشته باشی .

خوردن پیدا کند، ما اگر نفت نداشته باشیم مثل همان بجه ایم ولی با بد روی پای خودمان با بستیم و می توانیم با بستیم .
من مطمئنم در بین زشهای ما یک نفر پیدا نمیشود که اینهمه خون جوان را با خاطر یک کیلو گوشت یا یک تا بد زریا بگذارد .
(تکبیر زنان)

مستضعفین

میگویند اسلام به مستضعفین چکار دارد، بایست عبادت خدا کرد، دستور خدا را اجرا کرد اما عبادت خدایی که به مستضعفین کاری ندارد. بالاتر از همه علی عبادت میکرد نمازش را ببینید. وقتی میخواهند تیر را از پای و بیرون آورند میگویند بگذارید

وقت نماز. علی قسم میخورد موقع نماز نفهمیدم. این عبادت و نماز است. صدای تیر را نمیشنود. ماهمین علی در نمازی که صدای تیر را نمیشنود، صدای ضعیف فقیر مستضعفان خوب می شنود و در همان نماز حاجت او را برطرف میکند .

نماز این است که صدای تیر را نشنوی ولی صدای مستضعف را در هر کجا که باشد بشنوی نه اینکه هزار رکعت نماز بخوانی و از گرسنگی بغل دستی خبر نداشته باشی.

زمان معاویه همین فرهنگ بود، طرف هزار رکعت نماز میخواند. قرآن میخواند روزه میگرفت اما کاری به ظلم نداشت طوری شده بود که در ۴۸ ساعت یک دوره قرآن تمام میکرد مثل فریره اینکه امام صادق میگوید اگر کمتر از سه روز ختم قرآن کنی درست نیست یک کار سیاسی کرده است. کسی به معنی قرآن توجه نمیکرد، ورد میخواند

نگاهی به سمینار امر معروف و نهی از منکر

از تاریخ ۶ تا ۹ آبان ماه در دانشگاه تهران از طرف دفتر نمایندگی آیت اله منتظری سمیناری تحت عنوان " امر معروف و نهی از منکر " تشکیل گردید . هدف این سمینار دستیابی به " فقه سیاسی اسلام " و تدام " سمینار ولایت فقیه " سال گذشته اعلام شده بود .

در چهار روز سمینار آقایان آیت اله محفوظی آیت اله جوادی آملی ، حجت الاسلام طاهری خرم آبادی ، آیت اله امینی ، آیت اله امامی کاشانی ، آیت اله کریمی و آیت اله محمدی گیلانی که اکثر " از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هستند سخنرانی داشتند .

امیدواریم در آینده بتوانیم پیرامون مطالب مطرح شده در سمینار بررسی تفصیلی داشته باشیم .

در جلسه افتتاحیه راجع به ضرورت و فلسفه تشکیل سمینار مطالبی مطرح شد ماینز در این شماره صرفاً به بررسی همین مسئله می پردازیم . از آنجاکه مدیران این سمینار خود به اصل امر بمعروف و نهی از منکر بعنوان يك ضرورت نگاه می کنند طبعاً " از ماینز همین انتظار را دارند و از پیشنهاد و انتقاد و برخورد فعال با مسائل خوشنود خواهند شد .

مقدمتاً باید گفت نفس تشکیل سمینار از طرف جمعی روحانیون جامعه مدرسین و تحت عنوان امر بمعروف و نهی از منکر نشاندهنده نحوگی است که در حوزه های علمیه پس از انقلاب به وقوع پیوسته است - همانطور که آیت اله محفوظی اشاره کردند اصل فوق اساساً " در حوزه های ماترک و مسکوت مانده بود .

کما اینکه در رساله هیچکدام از مراجع تقلید به این اصل که از ضروریات دین و از فروع دین است پرداخته نشده است . یکی از نمونه های شجاعت و صلاحیت امام خمینی همین بود که در سالها قبل از پیروزی انقلاب " امر بمعروف و نهی از منکر را در رساله خود وارد کرده و باین رابان اختصاص دادند و در رساله جدید انتشار آیت اله منتظری نیز چنین است . اما سایر مراجع هنوز هم در این باب سکوت کرده اند .

لذا نفس توجه عده ای از علما به این اصل و

قبول آن بعنوان باین از فقه امامیهال نهی گرفته و امیدواریم مراجع تقلید نیز در روش خود تحولی ایجاد کرده و این اصل را که امام حسین بخاطر احیای آن قیام کرد در رساله های خود درج نمایند .

اماد ر رابطه با شیوه پرداختن به این اصل با توجه به زمانی که در آن هستیم مطالبی بنظر میرسد که "ذیلاً" می آوریم :

۱- با توجه باینکه این سمینار بعنوان دفتر نمایندگی آیت اله منتظری " تشکیل شد و از طرفی همه شاهدیم که در این چند سال امام خمینی و آیت اله منتظری بیش از همه روحانیون امر بمعروف و نهی از منکر کرده اند و بارها رهنمود ها و انتقاد های آیت اله منتظری را در رابطه با ادارات ، مجلس ، نهاد ها و زندانها و ... شنیده ایم . آیا بهتر نبود این دفتر سمیناری در جهت پی گیری و تحقق این انتقاد ها و رهنمود ها می گذاشت ؟

جوان دانشگاهی را در این رابطه بسیج میکرد و خط امام و آیت اله منتظری را تقویت مینمود تا بتوانند جدی تر جلوه منکرات جاری را بگیرند ؟ مردم میگویند آقای منتظری صداقت دارد و همه حقایق را میگوید و در لوسوز مردم است اما کسی بحرف ایشان گوش نمیدهد . آیا از دفتر نمایندگی آیت اله منتظری هم انتظار نمیرود که در جهت پی گیری و تفصیل و تبیین رهنمود های ایشان در مورد شیوه برخورد مسئولین با مردم ، رفتار با زندانیان ، مزینندی تعزیر اسلامی باشکندجه بمنظور اعتراف و پرداختن به امر کشاورزی و روستاها ، برداشتن سوسید ، روشهای صحیح ادامه جنگ ، شیوه عملیات جنگی و غیره اقدام کند ؟ پس مردم دیگر از چه کسی انتظار داشته باشند ؟

آیا بهتر نبود فقها و سخنرانهای این سمینار بجای حرف زدن برای عده ای محدود در جهت خط مشی امام و آیت اله منتظری عمل میکردند ؟

آیا بهتر نبود بدون اطلاع قبلی سری به زندانها می زدند ؟ آیا بهتر نبود کسانی را که علیرغم خطا امام و تظاهرات روز قدس در خط قرار داد سازش در جنگ عمل کرده اند مورد استفسار قرار میدادند ؟

۲- با توجه باینکه برخی روحانیون مزبور معتقدند منکرات در جامعه زیاد شده است آیا با توجه به اصل الا هم فی الا هم و بخصوص که موضوع کار فقه سیاسی اسلام است بهتر نبود در رابطه با مسئله اصلی مملکت یعنی جنگ اسلام و کفر و پیرامون مبارزه دراز مدت و همه جانبه با امریکا که منکر اصلی و ام الفساد است سمیناری گذاشته میشد ؟ و عالمان فوق نشان می دادند که نحوه عملیات صحیح در جبهه هادر مرحله فعلی از دیدگاه فقه سیاسی اسلام کدام است ؟ و با نحوه امر بمعروف و نهی از منکر در رابطه با اسرای عراقی و مردم عراق چیست ؟ آیا اینکه چه کنیم که تابع سیاستهای کجانیهای نفتی استعمارگر که منکر اصلی و عالمگیر هستند نشوم و اقتصاد خود کفایی را پی ریزی کنیم ؟ باین کار کسانی که تحت عنوان امر بمعروف و نهی از منکر به مسائل فروعی می پردازند و در مقابل مسائل اصلی مملکت جریانهای فروعی راعده می کنند نیز جهت پیدا کرده و خطشان تصحیح شود ؟

بقیه در صفحه ۱۹

تعزیر اسلامی باشکندجه بمنظور اعتراف ، تفاوت بنیادی دارد

« فقیه عالیقدر آیت اله منتظری »

کتابها ضد کمونیستی است خواسته است از ارج و قدر فرهنگی زحمات امثال من بکاهد و به خیال خودش آسیب زبانی را متوجه من گرداند.

اما کتابهایی که اینجانب به انتشار آنها کمک نموده ام و مورد ایراد نویسنده مقاله قرار گرفته کتابهایی است همگی آگاهی دهنده و در زمینه های گوناگون، از جمله آخرین کتاب خودم بنام «آئین جوانمردی» که در دوران زندان به ترجمه آن اقدام کرده ام و دیگر اینکه در معیت پدر و استاد نخستین خود آقای حسن نراقی - که بیش از ۶۰ سال از عمرش را فقط صرف تحقیق و تتبع تاریخی و فلسفی کرده است و در شناخت و تحلیل آثار نیای خود در عالم برجسته و بزرگ شیعه، یعنی ملامهدی نراقی و احمد نراقی شجر کافیه و کم نظیر یافته است - چند کتاب چاپ نشده از مرحوم ملامهدی را به تصحیح و طبع مشغولیم: معانی عوشیه، جامع الافکار، و شرح برالیهات شغای بوعلی، و تجدید چاپ مشکلات الطوم را نیز در دست داریم. امیدوارم که بتوانم ضمن کارهای تحقیقی خود با آن دو بزرگوار و همچنین تألیفات پدر را لمنته خود و در معارف اسلامی و تاریخی به چاپ برسانم.

این قبیل آثار در جهت تیریه غرب است که نویسنده مقاله با آن تکیه کرده است؟

۱- با زنگنه به دانشگاه:

روزنامه، شما در شماره ۲۹ یعنی یک شماره قبل از مقاله ذکر شده نیز مطلب دیگری درباره اینجانب نوشته که آئینم کذب محض است. در آنجا شما نوشته اید که اینجانب به دانشگاه بازگشته و مشغول کار شده ام، در حالیکه به تاریخ بهمن ۱۳۶۲، هیأت تجدیدنظر بازاری دانشگاه تهران (که طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برقرار شده بود) پس از رسیدگی بگذشته اینجانب و سابق کار دانشگاهیم رأی به بازنشستی من داده است و در حال حاضر هیچ مقام و مسئولیتی را در دانشگاه بعهده ندارم. از خداوند میخواهم به شما و همکاران شما قدرت تشخیص حق از باطل را عطا بفرماید. در خاتمه از جنابعالی بپنهان نشاندن که فتوکپی مقاله یاد شده را همراه با رونوشت این نامه برای اطلاع به دادسرای انقلاب اسلامی و به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و به وزارت ارشاد اسلامی و به دانشگاه تهران ارسال میدارم.

والسلام علی من اتبع الهدی
احسان نراقی

تهران - ۲۵ مرداد ماه ۱۳۶۴

۴۶۶۲۵
المرآة

... و اما سخنی با دلسوزان انقلاب اسلامی

صهیونیستها کاهش نمیدهد - کد راین زمینها توضیحات بیشتری به نظر شما خواهد رسید ؛ غظور ما از دید اخبار مربوط به آقای نراقی در شما ره ۳۰ را سجاهد ضرفا هوشیاری نیروها انقلاب و مصونیت یافتن انقلاب از تفکرات ایشان بود مونه اینکه حکمی باشد برای بازداشت و خالت در قوه قضائیه - امیدوارم به سمت جامعه اسلامی بدون زندان بروم و جامعه علمی که هوشیاری انقلابیون موجب قطع بد و انزوی و مس ه های مرموز گردد و نه بنده و بستهای مکانیکی که چه بسا آن دستهارا تقویت میکند . توضیحات زیر بیشتر از آن جهت است که علیرغم واقعیتهای آشکاره آقای احسان نراقی دست به نگارش جوابیه ای زده اند و به تحریف حقیقت پرداخته اند و این جوابیه را با مظلوم نمایی در سطح وسیعی پخش کرد مویکنند . آقای احسان نراقی سعی دارند که نه تنها نوشته ما را مخدوش سازند بلکه با قلم فرسایسی بسیار خود را انقلابی و ضد غرب و یک مبارز نفوذی در دستگاه سلطنت جا بزنند .

د ایه مبارزه با غرب و نقش بیگانگان در ایران و مبارزه با وابستگی و مصرف گرایی " و دفاع از نقش روحانیت شیعه در مقابل با استعمار و ... آنهم از سوی آقای نراقی آنهم در تریبونهای سلطنتی که بقول ایشان " به مذاق مقامات بالا هم خوش نمی آید (۱) ادعای بزرگی است و افراد متعهد را به برخورد جدی تری با ایشان بر می انیزد . لذا نشریه راه سجاهد بعنوان یک (۱) - از ص ۷۷ - جوابیه آقای نراقی گرفته شده .

الف : " در مقاله انقلاب اسلامی و دستهای مرموز " مخاطب ما خوانندگانی بودند که با تاریخ سیاسی ایران بخصوص سالهای پیش از انقلاب آشنایی نداشتند و از ماهیت افرادی نظیر آقای احسان نراقی و همکاری و همفکری ایشان با رژیم گذشته بعنوان ثور سوسن نظ - شاهنشاهی " اطلاع داشته اند و در آن نوشته کد بخش " خبرنامه استراتژیک " را سجاهد شد شماره ۳۰ آمده بود هدفمان این بود که اخبار و نمونه های تازه ای از عملکرد ایشان را بخصوص پس از انقلاب را به اطلاع مردم برسانیم . بخشی از آن مطالب را از مطبوعات و کتبی گرفته بودیم که در دسترس عموم قرار داشت و بخشی دیگر را هم از افراد مورد اعتماد و موثق شنیده بودیم که به درج آن پرداختیم . احتمال دارد کد راین میان به علت خطای حافظه این دوستان اشتباهاتی رخ داده باشد کد ره ر مور دیس از تحقیق مجدد و در صورتی که متوجه این اشتباهات بشویم آنها را به نظر خوانندگان محترم خواهیم رساند . اما خط مشی و افکار آقای نراقی بخصوص از سال های ۴۰ به این سو تا انقلاب اسلامی و پس از آن روشنتر از آن است که بستگی به صحت و سقم یک یاد و نمونه داشته باشد . اینکه آیا واقعا ایشان در انجمن حکمت و فلسفه عضویت داشته اند یا همکاری ایشان را با این تشکیلات نفی نمیکند و یا اینکه ایشان اسباب سفر مرحوم آل احمد را به اسرائیل فراهم کرده باشند یا نه ، مسئولیت ایشان را در اعزام افراد دیگری نظیر تکمیل همایون و بنی صدر و ... بعنوان گسترش تحقیقات و مطالعات اجتماعی و سیاسی به اسرائیل ، پایگاه

و سایر با مرحوم شهید مطهری نزدیکی فکر و عقیدتی داشته اند ، ایشان در دفتر امام در قم به دستور مرحوم مطهری پای تلفن نشسته تاراج به کار می کردند ، با ساداران صحبت کنند ، یعنی بی نام آن مرحوم این بود که اگر آقایان مسئله خاص و مشخصی با من ندارند بی دلیل مرا در بازداشت نگه ندارند و همین هم شد و فوراً آزاد شدم .

ب - بار دوم ، با آن که شهید قدوسی و معاون ایشان آقای سید حسن شاهچراغی شما بنده محترم در میان در مجلس شورای اسلامی و سرپرست فعلی روزنامه کیهان ، هر دو پس از مطالعه پرونده اینجانب سافرت مرا به خارج از کشور بلا مانع اعلام کرده بودند . معذالک دردی ماه ۱۳۵۸ ، در فرودگاه مهرآباد دستگیرم کردند ، وقتی با وین منتقل شدم متوجه شدم هیچ حکمی قبلا در دادستانی برای بازداشت من صادر نشده بود علت این بازداشت هم از روابط ناسالم یکی دیگر از رقبای قبل از انقلاب بنی صدر در اروپا و آمریکا ناشی می شد که در ماههای اول انقلاب مقامات حاس و پر مسئولیتی را عهده دار شده بود ، این بازداشت در . اوین - مدت چهار ماه بطول انجامید تا پس از تحقیقات مفصل در دادستانی انقلاب با صدور قرار منع تعقیب از جانب بازپرس آزاد شدم .

ج - با رسوم که همزمان با عزل بنی صدر بود بعلمت توهمات و جوسازیهای بود که اینجانب را بعنوان - مشاور بنی صدر - بازداشت کردند . این بازداشت هم که در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۶۰ بوسیله کمیته پل رومی در تجریش صورت گرفت نظیر بازداشت قبلی بدون حکم دادستانی بود معذرا بعلمت عملیات مسلحانه و بمب گذاری ها و جوسازی که بوجود آمده بود در اوین ۲۸ ماه به درازا کشید ، تا پس از بررسیهای کامل و دقیق در سوابق و پرونده های اینجانب و اثبات عدم ارتباط با بنی صدر ، و همچنین نداشتن هیچگونه اتهام دیگری ، دادگاه انقلاب اسلامی پرونده اینجانب را مختومه اعلام کرد . حالا آیا چگونه است که نویسنده مقاله شما که لاید خود را متعهد به نهادهای انقلابی هم میدانید ، بدون توجه به حکم صریح دادگاه ، از این امر اظهار اندوه میکنید و می نویسید . با کمال تأسف و تیریه کامل شد . خوب آیا اینها را تأسف نویسنده همین بیارز غرض ایشان نیست ؟ بگذریم از این معنی که من در شأن خود نمی بینم که به سبک و سیاق نویسنده مقاله چماق تکفیر بلند کنم . اما به هر حال گمان نمیکنم دادگاه انقلاب در برابر این همه شایعات و جوسازیهای که هنوز سوبات آن باقی است ، معاشات کرده باشد . متأسفانه غرض ورزی افراد آنقدر میتوانم لگام گسیخته باشند که کسانیکه اغلب دادگاههای انقلاب را به تندروی متهم می سازند همین دادگاهها را آنجا که پای خموت و عناد به میان می آید ، به ساداه انگاری متهم می نمایند بدون اینکه لحظه ای فکر کنند که علت این کار چه بوده است ؟ دادگاه انقلاب اسلامی چه ملاحظاتی از من داشته است ؟ برای هر فرد صاحب نظر روشن است که اگر نویسنده اتهام می داشت و مفروض نمی بود پس از محاکمه و صدور رأی دادگاه امر آری در محکوم ساختن من نمی داشت .

۱- جرم تألیف و نشر کتاب

نوشته اند که من - عده ای از نویسندگان و مترجمین تصفیه شده از دانشگاه را جمع کرده و به ترجمه و نشر کتاب پرداخته ام و محور عمده انتشار آن کتابها ، ضدیت با کمونیسم و ایجاد موج ضد کمونیستی و تیریه غرب و گسترش فرهنگ غربی است .

ایکاش بزم نویسنده مقاله اینجانب با وجود خستگی روحی میتوانستم همه افراد تصفیه شده - را به کار آن هم تألیف و نشر کتاب - وادار کنم . با اینکه در این صورت بقیه دارم که هیچ ایرانی با فرهنگ و انسان با تقوای از چنین فعالیت هائی نه تنها متأسف نمی شد ، بلکه خوشحال هم می شد ، زیرا اولاً مگر کسی گفته است - تصفیه شده - از دیدگاه یک فرد مسلمان به معنای نجس در جامعه ، هندو است که مادام العمر نجس بماند ، و این کمال مطلوب تواند بود اگر فردی که به دلیل تصفیه شده است در مسیری قرار گیرد که امکان و لیاقت ترجمه و تألیف بیابد . آیا فکر نمیکنید که در آن صورت هر جامعه ای ، با هر آرمانی ، به متکامل ترین و والاترین هدفهای خود دست یافته است ؟ معذرا این مطلب هم حقیقت ندارد . کتابهای منتشر شده هم ضد کمونیستی نیست ، کتابهایی ترجمه شده است که موجب شناخت مسائل جهانی است و اقبالی که جامعه به آنها کرده است ، نشانه ارزش و اهمیت آنهاست . اینکه نویسنده مقاله تحت تأثیر چه احساسی هر نوع کتاب علمی را گناهنا کننده و حقایقی بوده و در جهت خاصی هم نباشد . ضد کمونیستی - میدانم ، مسئله ای است که بی تردید به تطویل روانی گذشته های خود نویسنده مقاله مربوط میشود .

اما در مورد - تیریه - غرب و گسترش فرهنگ غربی - کافیت که نویسنده مقاله متقالمی - اتهام بهره مند بود تا از سر عناد و ایرادها ، بدین تنگنا در نمی افتاد که به تیریه غرب متهم کند . با بی اغمازی که در جامعه از اینجانب وجود دارد و کتابهای متعددی که انتشار داده ام ، و لاید شما هم به تبع همگان با آنها آشنایی دارید ، هیچ وجه چنین برپرسی بیمن نمی زد . بد نیست جنابعالی به یک جمله از مقاله من در ۲۵ سال پیش توجه کنید تا با در نظر گرفتن تألیفات سالهای اخیرم معلومتان گردد که در سراسر عمر فرهنگی خود در چه جهت فکری بوده ام .

متأسفانه تمدن و فرهنگ بسورهای نظیر کشور ما ایران مورد مخاطره و بی اعتنائی کما نیست که با قدرت مادی و سیاسی خود عملاً آنها را تضعیف فرهنگهای قدیمی را موجب میشود . به عنوان مثال میتوان نصب تلویزیون آمریکا را در تهران منکر شد که چگونه مقامات آمریکا طی جهت راضی و سرگرمی چند هزار خانواده آمریکایی در تهران یک ایستگاه فرستنده تلویزیونی مخصوص نصب کرده اند ، در نتیجه دختران و پسران ایرانی با آنها در روز وقت خود را برای دیدن برنامه های این فرستنده میگذرانند . این برنامه ها که مطلقاً با حواش و مسائل و مقتضیات روحی و اجتماعی جوانان ما سازگار نیست اثرات نامطلوبی در روحیه آنها بجا میگذارد و در نتیجه پدران و مادران قادر نیستند احترام و توجه به رسوم آباء و اجدادی را به فرزندان خود بیاموزند ، که در نهایت یک نوع هرج و مرج فکری و روحی در اجتماع به وجود می آید . (به نقل از سخنرانی اینجانب در کنفرانس آزادی فرهنگ در ایران به تاریخ تابستان ۱۳۳۹ مجله نیفا شماره ۹ ، آذرماه ۱۳۳۹) .

دیگری آنکه نوشته اند که اینجانب دبیر سیاسی ششون هتم . اینهم کذب محض است . من با نظر شو و بیشتر از آن با موه سات انتشاراتی دیگر مانند موه سه ! میکبیر فعلی نیس همکاری داشته دارم و از رهگذر همین همکاریها و این قبیل اشتغالات است که بسیار سر بلند و مفلخر نیس هتم و تا جایی که بتوانم در راه افزودن به شمار کتابهای چاپ شده در ایران تلاش خواهم کرد . کار غرض ورزی نویسنده مقاله شما به آنجا کشیده که با کیزه ترین اشتغال را که کمک به اعتلای سطح کتاب در کشور است ، عنوان اتهام قلمداد کرده است ، و زیر پوشش اینکه این



آقای نراقی سعی در ندب قلمفرسائی بسیا ر خود انقلابی ضد غرب و یکمبارز نفوذی در دسنگا سلطنت جا بزندان

است حکومت نه تنها ساواک بلکه همچنین سازمان برنامه از خدمات و استفاده میکند و او در بسیاری از مسائل اساسی که در کابینه مورد بحث است شرکت دارد. تجربیات ما با او در بحث در باره فرار مغزها نویسد کننده بوده است زیرا تاکید او ظاهر بر تجزیه و تحلیل این مسئله بوده است. تلخ آن (وی مؤلف گزارش یونسکو در باره فرار مغزهاست که قبل از آنکه نوشته شده باشد به مطبوعات در زکده است) وی همچنین آنقدر به انتشار کتابش در این باره علاقمند بوده است که گویی نکات اصلی نظر خود را برای ایجاد یک نظر عمومی دیگری فعلا برای خود محفوظ میدارد (کتاب او بوسیله مؤسسه انتشاراتی گالیمارد ریارس منتشر خواهد شد) نراقی که زبان فرانسه را ترجیح میدهد یک هم صحبت جالبی است و ظاهر پیرشان او استارکننده مغزی است که هم منظم است و هم مجهز به قدرت تخیل به عقیده من او یک عامل ساواک نیست و لسی کاملا طبیعی است که نمیتواند حرمانه بودن را حفظ کند و زیرای مدیون وفاداری ویژه به ما نیست او کسی است که باید پرورش داده شود. - علییرم ادعای آقای نراقی در نامه جوابیه خود که هرگونه رابطه مستقیم و ملاقات با آمریکا کاپیها را رد میکند مشاهده میشود که سفیر آمریکا از هم صحبتی با ایشان خیلی هم لذت برده اند حتی در رس ظاهر نامنظم ایشان مغز منظم و نبوغ ایشان را در ریاست "رابطین" می آورد. - آقای نراقی این جمله را که "وی مدیسون وفاداری ویژه به ما نیست" انتخاب میکنند و می خواهند بگویند که امریکا کاپیها به او اعتماد نداشته اند. اگر کسی دقت کند میبیند که آقای سفیر در وفاداری ویژه ایشان شک دارد نه در اصل وفاداری ایشان. در جریان مطالعه اسناد لانه جاسوسی مادر موارد مختلفی با چنین قضاوتی از سوی مقامات امریکایی نسبت به پاره ای اشخاص مواجه شده ایم. این افراد از نظر سفارت احتمال داده میشود که با سفارت خانه های دیگر تشکیلات ساواک و منابع اطلاعاتی دیگر در باره فراماسو و ارتباط داشته و یا افراد جاه طلبی باشند و از این مورد اعتماد ویژه نبودند بسیاری اینکه اطلاعات سیاه به دیگر منتقل نشود. چنانچه بعد از این جمله در مورد آقای نراقی میگویند "او کسی است که باید پرورش داده شود تا مورد اعتماد ویژه قرار گیرد". - نکته دیگر در این سند اینست که سفیر امریکا علییرم اینکه ایشان را "عامل ساواک" نمیدانسته ولی در رابطه ای سند میگوید "..... حکومت (نه تنها ساواک) بلکه همچنین سازمان برنامه از خدمات و استفاده میکند". یعنی در همین سندی که از نظر آقای نراقی حکم بر لغت ایشان است به همکاری و خدمات ایشان اشاره شده است. در ضمن آقای نراقی در حسن نیت مقامات سفارت امریکا نسبت به خودشان شک نکرده اند و حتی قضاوت بقول ایشان بی اساس "عامل معروف ساواک" را ناشی از ضروری و بدخواهی رابطین میدانند.

و سانسور و اختناق است "نبردید و دیدید که حرکت اسلامی و انقلابی متوجه الغمای شکنجه بمنظور اعتراف بود و وقتی که شکنجه متوقف شد حاکمیت سلطنتی وابسته هم سقوط کرد".

کوتراقی و اسناد لانه جاسوسی

نوشته انقلاب اسلامی و دستهای مرموز از جلد ۲۰ اسناد لانه جاسوسی ص ۴۷. عطلیی در رابطه با آقای احسان نراقی آمده بود که ایشان را عامل معروف ساواک معرفی کرده و کیفیت این همکاری را هم تاحدودی توضیح داده بود که ساواک از "سابقه او در حزب تو ده" بعنوان وسیله ای برای "وادار کردن وی بسمه لادن گزارش" استفاده میکند. آقای احسان نراقی برای رد این مطلب به سند ۱ از جلد ۱۷ اسناد لانه که مربوط به چند سال بعد از سند قبلی است اشاره میکند و این جمله را می آورد که گزارشگریگود "به عقیده من او یک عامل ساواک نیست زیرا کاملا طبیعی است که نمیتواند حرمانه بودن را حفظ کند". - آقای نراقی باید توجه کنند که منظور گزارشگر سند جلد ۲۰ از "عامل" کسی است که تحت فشار ساواک گزارش میدهد و همکاری میکند یعنی منظور عضویت در ساواک نبوده ولی در سند جلد ۱۷ منظور گزارشگر که شخص دیگری است از کلمه "عامل" عضو فعال ساواک بودن است چون در توضیحی که پس از این کلمه میدهد به مسئله مخفیکاری اشاره میکند. آقای نراقی در اینجا از شباهت لفظی و تطبیق دو واژه میخواهد خود را از هرگونه همکاری با ساواک و رژیم گذشته تبرئه کند. - آقای نراقی در صفحه ۳ از نامه خودشان قسمتی از سند ج ۱۷ را که مربوط به ایشان است نقل کرده ولی صد اقت را رعایت نکرده اند زیرا یک قسمت مطلب را بدون اینکه قبل و بعد از آن را با نقطه چین مشخص کنند نقل میکنند و خواننده چنین تصور میکند که تلم مطلب در مورد ایشان همان بوده که نقل شده. ولی اگر قرار است که ایشان این سند را بعنوان مدرک بر اثبات خود بیاورند بهتر است تمام سند آورده شود که ما آنرا می آوریم و به توضیحش میپردازیم. جلد ۱۷ اسناد لانه جاسوسی اختصاص به توضیحاتی در مورد رابطین خوب امریکا در ایران دارد. در این جلد سند شماره ۱ گزارش است از شخصی بنام مارتین هرتر تحت عنوان "آخرین وصیت نامه من در مورد رابطین". آقای نراقی مارتین هرتر را سفیر امریکارد رایران در آن زمان معرفی میکند. در این سند ۲۱ صفحه ای نام آقای نراقی در کنار افراد بسیاری که بانام اکثر آنها آشنا هستیم آمده است. از جمله این افراد: آقای علمی - اصغری امریانی معدوم - دروش همایون معدوم - سناتور محمد حجازی - سناتور سید محمد سجادی - مصباح زاده - منوچهر شاهقلی وزیر کابینه - هوداه جعفر شریف امامی - و خداداد فرمان - فرمائییان و... هستند که با سابق و عملگرذ آنان آشنایم و هرچه در این لیست دقت کردیم غیر از نام آقای نراقی نام هیچ شخصیت مبارز و متعهدی را ندیدیم. متن سند گویاتراز تمام این حرفهاست و ما تمام آنرا می آوریم. جلد ۱۷ صفحه ۲۳ "احسان نراقی - رئیس مؤسسه پژوهشهای اجتماعی که بصورت یک عامل سیاسی درآمده

نراقی همی برده که اصل موضوع را نمیتواند انکار کند و فقط ادعا کرده که این حرف حسین زاده و "مغلطه و بدخواهی" نسبت به ایشان بوده است. - این سوال وجود دارد که حسین زاده شکنجه گروسی با جوی ساواک برای چه منظوری و چه کسی میخواسته مغلطه کند آیا بزم شما میخواسته که در شریعتی نسبت به شما بدین شود و لابد به شما نزد یک نشود؟

آیا اگر حسین زاده نسبت به مرحوم طالقانی یا آیت ۰۰۱ منتظری و با بسیاری از رجال دیگر چنین ادعایی میکرد کسی باورش میشد؟ چه رسد به اینکه فرد مطلق نظیر دکتر شریعتی که با ساواک درگیری داشته به نقل آن باطیل ا ببرد از بهترین شامردم و جوانان مسلمانا اینقدر نادان و جاهل فرض نکنید که با چهار کلمه سفسطه و پشت هم اندازی قضاوتهای تاریخی و صیق خودشان را از افراد و جریانهای فکری و سیاسی تغییر بدهند.

۴- به عقیده ما این سخن حسین زاده بهترین گواه همراهی و همفکری و همکاری شما با رژیم گذشته و ساواک است که حتی افراد متعهد و متفکر جا مع را به راه شما دعوت میکرده اند.

تاریخی و صیق خودشان را از افراد و جریانهای فکری و سیاسی تغییر بدهند.

۴- به عقیده ما این سخن حسین زاده بهترین گواه همراهی و همفکری و همکاری شما با رژیم گذشته و ساواک است که حتی افراد متعهد و متفکر جا مع را به راه شما دعوت میکرده اند.

تاریخی و صیق خودشان را از افراد و جریانهای فکری و سیاسی تغییر بدهند.

۴- به عقیده ما این سخن حسین زاده بهترین گواه همراهی و همفکری و همکاری شما با رژیم گذشته و ساواک است که حتی افراد متعهد و متفکر جا مع را به راه شما دعوت میکرده اند.

وظیفه اسلامی و انقلابی ستونی برای اینکار باز میکند و از کلیه برادرانی که در این زمینه مطلب مفید و مستدلی داشته باشند با حفظ امضا و هویتشان آن مطلب را منتشر میکند.

د - آقای نراقی در جوابیه خود استادانه از کنار برخی مسائل گذشته اند و حتی اشاره ای هم به آنها نکرده اند. آن مسائل عمدتاً به موضوع بعد از انقلاب ایشان مربوط میشود که طبعاً خط مشی فعلی آقای احسان نراقی را در قبالت مسائل حاد انقلاب اسلامی نشان میدهد.

قبل از هر چیز خواننده محترم را به مطالعه مجدد نوشته مزبور در صفحات ۱۹ و ۱۸ راه مجاهد شماره ۳۰ که برای اهل بصیرت حاوی نکات آموزنده ای است دعوت میکنم.

ه - نکته قابل توجه دیگر این است که یکبار در تاریخ آبانماه ۶۳ در سمینار سراسری دانشجویان از سوی یکی از دانشجویان متعهد افشاگر بهیای نسبت به آقای نراقی بعمل آمد و بار دیگر در ماه بهمن ۶۳ در مصاحبه استاد شریعتی مطالبی در رابطه با ایشان در کیهان فرهنگی شماره ۱۱ منعکس شد ولی آقای نراقی نه تنها مطلبی علیه آن انتشار نداده بلکه به دادستانی

به عقیده ما این سخن حسین زاده بهترین گواه همراهی و همفکری و همکاری شما با رژیم گذشته و ساواک است که حتی افراد متعهد و متفکر جا مع را به راه شما دعوت میکرده اند.

انقلاب هم متصل نشد ولی پس از درج این مطالب در نشریه راه مجاهد ایشان قدرت جو سازی خود را نشان دادند و رونوشت بسیاری دادستانی هم فرستاد. به نظرم میرسد آن مراجع دسترس بیشتری به اسناد و مدارک ایشان دارند و شاید هم دیوار ما را ظاهر کوتاه تر دیده اند.

تحریف مصاحبه استاد شریعتی

۱- آقای احسان نراقی در جوابیه خود تحت عنوان اباطیل حسین زاده "..... میگوید که "گویا حسین زاده در سال ۳۳ پس از آزادی مرحوم شریعتی از زندان به آن مرحوم گفته است که میتواند در مؤسسه ای که اینجانب اداره میکنند آن بود ما کار کند".

ما هرچه گشتم در سخنان استاد اشاره ای به زمان دقیق این پیشنهاد حسین زاده به مرحوم دکتر نشده بود. آقای نراقی میخواهد بگوید که در آن موقع من در ایران نبودم و در یونسکو کار میکردم و سپس میگوید که حسین زاده بعد کسر گفته در مؤسسه تحت مدیریت احسان نراقی کار کن و بدینوسیله خود را کاملاً تبرئه میکند که این حرفها دروغ است. در حالیکه در متن مصاحبه استاد صحبتی از مؤسسه تحت مدیریت ایشان نیست. حسین زاده به مرحوم دکتر گفته است "بیا با احسان نراقی همکاری کن، هر مؤسسه ای که میخواهی و یا هر جای که میبینی یک کار عملی شروع کن. ما با تو کاری نداریم".

(مصاحبه استاد شریعتی، کیهان فرهنگی شماره ۱۱ بهمن ماه ۶۳ ص ۱۷۷)

۲- ما بپریمون این خاطره ای که استاد در مورد مرحوم دکتر نقل کرده اند تحقیق کردیم و متوجه شدیم که مرحوم دکتر جریان پیشنهاد حسین زاده را در زمینه همکاری با آقای نراقی به عد مزایای از دستاوردش در آن زمان گفته است که همه آنها هم اکنون حین حاضرند و صوما از چهره های متعهد و موثق هستند.

پس در اصل خبر هیچ شکی نیست و گویا خود آقای

انقلاب اسلامی و دستهای مرموز

شناخت و معرفی دستهای مرموز

دکتر جواد مناقبی

یکی از اعمال صالح ماد شرایط فعلی شناخت و مبارزه با دستهای مرموز نفوذی است اینها افراد وابسته و پامشوک هستند که ماهیتا با انقلاب تضاد دارند بانفوذیکه در میان انقلابیون دارند سعی میکنند انقلاب را از دین بیوسانند و از مسیر منحرف سازند ریشه همه انحرافات و نارسائیهار نیز باید در نفوذ خط مشی و شیوه های این جریانات در دین نیروهای انقلاب دانست

یکی از این دستهای مرموز دکتر جواد مناقبی استاد سابق دانشکده الهیات است وی قبل از انقلاب از روحانیونی بود که از رژیم شاه حمایت کرده و اصلاحات آنرا تأیید مینمود و بر بالای منبر از شخصیت و درایت هیدای معدوم آشکارا تجلیل بعمل آورد مواضع او بقدری موجب خشم جوانان انقلابی و پرشور گردید که یکبار مورد ضرب و شتم آنها واقع شد

وی پس از انقلاب به همراه آیت... شریعتداری و دکتر سید عبد الرضا حجازی، قطب زاده و... از عاملین اصلی کودتای شریعتداری بود که منجر به شکست گردید

دکتر مناقبی و دکتر حجازی دستگیر و محکوم شدند ولی پس از مدتی از زندان آزاد گردیدند

دکتر جواد مناقبی قبل از انقلاب با سفارت امریکا در تهران در تماس بود رابطه اصلی او هدایت اسلامی نیایی دیگر از دستهای مرموزی بود که شرح حال و خط مشی او در شماره ۳۲ راه

مجاهد آمده است اینک به ذکر افکار و خط مشی و روابط دکتر جواد مناقبی با استناد به اسناد لانه جاسوسی میرد ازیم

معرفی دکتر جواد مناقبی از اسناد لانه جاسوسی جلد ۲۷ سند ۲۰ ص ۶۵

"استیبل مامور سیاسی با هدایت اسلامی نیای و دکتر جواد مناقبی استاد دانشکده الهیات تهران و یک محرم آیت... شریعتداری (رجوع شود به یادداشت مذکرات مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸) در صبح ۱۶ ژانویه ملاقات نمود

مناقبی سرگروه متفکرین گروه شخصیتهای مذهبی است که بارهبران مذهبی میانه روم عقیده اند ولی روابط خوبی با گروه خمینی برقرار نموده اند

همان سند صفحه ۲۸

"مناقبی بطور گریزی یک استاد باهوش است که بهترین درک از موضوعات سیاسی را نسبت به دیگر شخصیتهای مذهبی... در دست داشته با آنها درگیر بوده است در این باره او در اوایل ۵۰ سالگی خود میباشد و فارسی صحبت میکند ولی بالقوه هیچ انگلیس صحبت نمیکند

عبارت مناقبی بهترین درک از موضوعات سیاسی را نسبت به دیگر شخصیتهای مذهبی... نشاندهنده تأیید بینش سیاسی مناقبی از طرف مامور سیاسی امریکا و "سیا" است و به بهترین وجهی ماهیت شیطانی و امریکایی افکار و عملکرد او را نشان میدهد

نظرات مناقبی راجع به امام

جلد ۲۷ سند ۲۰ ص ۶۶

"مناقبی گفت این نظر شریعتداری و گروه او است که تلاش برای پشتیبانی از دولت بختیاریسی حاصل است و هرچه زودتر خمینی قدرت را به دست گیرد مردم ببینند که بهشت در کماه نسی تواند حاصل گردد هرچه سریعتر کار جدی برای تجدید بنای ایران میتواند انجام شود

مشکل بزرگ این است که ایاحرکت خمینی در جهت جمهوری اسلامی میتواند به اندازه کافی برای بدید بنای ایران مخالفین کند و یا بی صدا گردد مناقبی گفت خود خمینی یک ضد کمونیست ثابت قدم است یزدی و قطب زاده بنی صدر و بعضی جوانان دیگر در اطراف او در باره مارکسیستهای تند رو هستند که کوشش میکنند کشور ایران را نابود کنند و آیت... های میانه رو اینرا میدانند جمهوری اسلامی برای سه نفر و روحانی در اطراف مرد روحانی یک تظاهرات است

مناقبی قطب زاده رایک مارکسیست تند رومی دانند و قبول جمهوری اسلامی از طرف او رایک تظاهرات میداند در واقع قطب زاده رایک منافق توصیف مینماید ولی زمانیکه پای منافع امریکا و ابقای رژیم پیش می آید دگر مناقبی حاضر میشود با این مارکسیست تند رو در کودتای بوهلیه امام مشارکت داشته باشد

مذ هیبون دیگر از خمینی پیروی نمیکنند چونکه وی طرفدار جاری شدن خون است مناقبی سپس به دیدار خمینی میروند تا همین جریان را پیش روی او عنوان کند و در فرستاده معتبر دیگر هستند (اوناسهای آنها را اهلوی داماد یک مدلی معروف بنام چیزی شبیه بروجدی (بروجردی) که در گذشته و طباطبایی جوان نمود که یکر پس از دیگری و نه با همدیگر و با پیام مشابه بدیدار خمینی خواهند رفت اسلامی نیاگت شده از این برنامه مطلع است (این بدان معناست که فرستادگان آنها می هستند که شریعتداری در پیامش به شاه به آنها اشاره نمود)

این مطلب شامل چند محور است

۱- دکتر جواد مناقبی از اعضای باند هدایت اسلامی نیا سازماندهنده جناح شریعتداری بوده و وصل کننده خط او میباشد

۲- مأموریت با اطلاع شخص شاه بوده و درجه وابستگی این حرکت را نشان میدهد

۳- هدف از این مأموریت منع امام از مبارزه قهر آمیز علیه سلطنت بوده است و اینرا هم به شیوه تهدید که مذ هیبون (روحانیون) با او مخالف هستند اعلام کردند

۴- دست به تحریک مراجع از جمله آیت... خوی و روحانیون بر علیه خط مشی قهر آمیز امام زدند

در تاریخ انقلاب هم دیدیم که جریانات انحرافی دست به بسج مراجع بوهلیه امام زدند

برای دشمن روشن شده که این انقلاب با توطئه های نظامی و تروریستی از پای در نمی آید پس باید کاری کند که ملت بحالت بیس و زدگی و ناباوری نسبت به آینده انقلاب برسد

در این رابطه نباید نقش عوامل نفوذی دشمن که بنا قاعده و فرصت طلبان خود را کجی و در خط امام جا زده اند غافل ماند

از پیام فقیه عالی قدر آیت... منتظری بناسبت
دوره فجر ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۱۴ سمینار...

مسئول بالاتر باشند و کسانی را که استقلال فکری داشتند و با هرگونه تشکیلات و گروه مستقل از خودشان را در خط ولایت نمی دیدند و اکنون که حزب اله مردم راه امر بمعروف و نهی از منکر در مقابل مسائل جامعه فرا می خوانند لازم است تبیینی از گذشته ارائه داد و انسجام اصلی خود را مشخص نمایند مز خود را با جریاناتیکه می خواهند علیه دولت مورد تأیید امام اقدام نمایند مشخص نمایند حتی دیده میشود کسانی که شخصاً حزب اله را به تسلیم حضور اطاعت کورکورانه از مسئولین می خوانند و اکنون صحبت از تشکیل گروه و تشکیلات منظم و همدار به مسئولین مینمایند

۵- مسئولین سمینار می باید باین امر مهم توجه داشته باشند که آنچه که مانع انجام امر بمعروف و نهی از منکر و برخورد فعال مردم با مسائل میگردد وجود شیوه های مارک زنی و تهمت و تکفیر و تصفیه حتی زندان در مقابل انتقاد های دلسوزانه بوده است اگر با این شیوه ها که خود منکرند مبارزه نشود طبعاً جریاناتی عاقبت طلب تنها به امر به معروف و نهی از منکر در امور ظاهری و بی خطر و به شیوه غیر بنیادی خواهند پرداخت

نکاتی پیرامون مطالب ایراد شده در سمینار بنظر رسیده که در شماره های آینده به تفصیل بودند افراد پائین باید مقلد محض و تسلیم محض

"مناقبی چندین باره این موضوع که دست خارجی در پشت خمینی است بازگشت و اوسا آمادگی اطمینانهای مامور سفارت را قبول کردند این دولت ایالات متحده نیست ولی فکریکرد که احتمالاً روسها و ممکن است انگلیس باشد"

این مطلب نشاندهنده این است که مناقبی تحلیلی از حرکت امام نداشته است چرا که او عیقا معتقد است هیچ حرکتی بدون پشتیبانی ابرق درتها امکان پذیر نیست و به این خاطر است که حرکت امام راه یک کشور خارجی منتسب میکند او از یک طرف امام را یک ضد کمونیست ثابت قدم میدانند و از طرف دیگر احتمال وجود روسها ر پشت حرکت امام مطرح میسازند

"مامور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده فکری میکند حمایت همه جانبه ای از طرف منابع خارجی وجود ندارد ولی آشکار است که اتحاد شوروی از آب گل آلود ماهی میگیرد"

جلد ۲۵ سند ۱۲ ص ۶۴

"... در خلال گفتگو اسلامی نیا اشاره کرد که وی مناقبی راه نجف فرستاده است تا با آیت... خوی گفتگو کند... خوی در نجف زندگی میکند ولی همیشه با خمینی موافقت ندارد مناقبی این پیام را برای خوی میبرد که

خط مشی مناقبی گروهی که مناقبی هدایت میکرد آماده بهسرای اقتتال و کاهش در نفوذ رادیکالهای چپ در جنبش بود تا زمانیکه قطعی باشد که تلاش محکم به شکست نیست گروه خواهیسلطن حمایت ایالات متحده و یاحداقل تضمین در مقابل مناخله خارجی بوهلیه آن بود

مامور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده شکل خسارچی را خیلی با دقت دنبال میکند و به انجام آن ادامه خواهد داد

مربوط به حمایت بیشتر ایالات متحده در جای دیگری با یستی مورد توجه قرار گیرد ولی مامور سفارت فکریکرد که این باد نظر داشتن احساسات ضد خارجی جاری در ایران ممکن است سودمند نباشد

د و نغز ایرانی (اسلامی نیامناقبی) موافق بودند که چنین حمایتی بایستی که بیشتر سمبلیک باشد تا واقعی در حال حاضر اطمینان ساده که دولت امریکا فکری میکند فعالیت ارزشمند باشد سودمند خواهد بود

گروه مناقبی به حمایت سمبلیک امریکانیر قانع بودند یک اطمینان ساده امریکای آنها آرامش میداد زیرا مطمئن میشدند که شیطان بزرگاز

خط مشی امریکانیکه به خط میانه و طبقه رفاه طلب است که عمیقاً محافظت نجات نفی بوده و از این موضع در مقابل حرکت های انقلابی و قهر آمیز ایستادگی میکند



عملکرد آنها را ضعیف کرده و حمایت میکند .

" ما مورسفات از پاسخ به این سئوال اجتناب ورزید ولی اشاره کرد دولت ایالات متحده از میان روی دولت مطابق قانون اساسی طرفداری میکند مناقش فکری کرد اگر فرزند در مورد سلطنت بتواند ۶ ماه به تعویق بیفتد ، سلطنت میتواند آنرا ببرد چنانچه رهبرها مذ هین فعال شوند . "

تلاش مناقش برای به تعویق انداختن فرزندم جهت ابقای سلطنت از این رو بوده که با گذشت زمان و بروز نارساییها در اداره مملکت توسط مسئولین جدید زمینه برای بازگشت سلطنت و شاه هرچه بیشتر فراهم گردید که این بیانگر خط مشی ابقای سلطنت توسط مناقش است .

" در نظر کاملاً در انتقاد از این عرضگی همه در دولت ایران از شاه گرفته تا وزیران و پیران و دیگر مقامات ارشد تند و تیز بودند قطعاً آشکار بود که هر دو نفر تشخیص داده اند که زمان برای راه حل میان جهت خنثی کردن خمینی گذشته است . نظرات خصوصاً از طرف مناقشی اشاره میکند که فشارها هم اکنون شروع به رخند در جنبش مذهبی نموده اند و نیروهای شریعت مداری شروع به نگرستن به دوره بعد از شاه بر حسب بالا بردن موقعیت خودشان در مقابل آنهاست که معتقدند به اسلام ضربه وارد میکنند کرده اند . "

این سند نشان میدهد که خط مشی ایگونی هناصر و بسته ضد انقلابی با مشاهده پیروزیها و پیشرفت انقلاب این بوده که خود را برای مراحل آینده مهیا کرده و بانفوذ در مواضع انقلابی و گرفتن پستهای حساس بتوانند خط مشی مرموز خود را که همان ضربه زدن به انقلاب از درون و گسترش نارضایتی ها در میان مردم است جامه عمل بپوشانند و این رسالت ننگین خود را هم بنام دفاع از اسلام در برابر آنهاست که بهرزم ایشان به اسلام ضربه میزنند (انقلابیون) قلمداد میکنند .

" اوادعا میکند که شبکه حامیان مذهبی وی در وادان زرمودن آیت خمینی بسعه اعتدال در موضعش در حمله به خا رجیان عامل مهمی است (طبق گفته دکتر این غیر اسلامی است) سفارت تماس را حفظ خواهد نمود . "

ادعای مناقش در زمینه وادار کردن امام به اعتدال در برخورد با خارجیان نشان میدهد که مناقشی از همان زمانیکه امام در پاریس بسر میبردند خط مشی نفوذ و القاء تفکر خود را در میان اطرافیان امام داشته است .

نتیجه:
۱- اسناد فوق بخوبی وابستگی دکتر مناقش را به سلطنت و امریکان نشان میدهد .
۲- این ایادی خط مشیشان با پیروزی انقلاب نفوذ در میان انقلابیون و القاء تفکر شیطانیشا ن بوده لذا بر ماست که با شناخت افکار و خط مشی آنها شبکه و ارتباطات آنها را در ولیم و هو شیارانها با آنها برخورد کنیم .

ضروری بود که پرازان انتشار این اسناد سازمانها اطلاعاتی اینگونه افراد را باز داشت و مورد باز جویی قرار میدادند و شبکه آنان را کشف و افشا می نمودند . بعد از کودتاکه توطئه گر بودن این جریانات به ظهور رسید انتظار میرفت که با این گونه افراد ساده برخورد نمیشد .

سخنرانی سید مهدی اشجی پیرامون دستهای مرموز

برادر سید مهدی اشجی در جمع نهفتهای آزاد بیخش و خانواد ههای شهدای اصغیان بمناسبت سالگرد فاجعه ۲۲ تیر سخنرانی پیرامون آنتهای انقلاب ایراد نمودند که محورهای اصلی آن را در ذیل می آوریم .

خطبازی توطئه خطوط مرموز
فلسفه اصلی این خطبازیها بنظر ما این است که خطوط مختلفی پشت پرده وجود داشتند و دارند و همواره این خطوط اند که جامعه و انقلاب ما را از روز اول هدف قرار میدادند و بنا بر این بوده که آن خطوط مخفی و مرموز و پشت پرده ای که بطور مرموز

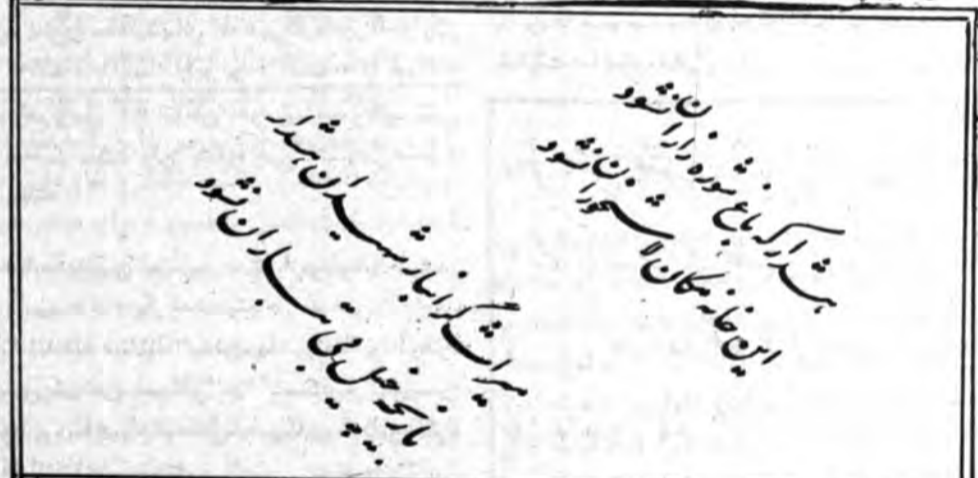
و بیشترین نیرو و هم و هم مردم صرف کوبیدنها قلع و قمع نیروهای داخلی بخذ فی سروه ها ، کودتا های خرنده و بهر صورت زد و بند های داخلی شود

در مین نتیجه زبانها خط بازی ایجاد و پیدایش تعصب کور است .

سومین نتیجه مسئله شکست ما در صدور انقلاب است .

خط کسب انقلاب آنطوری که باید و شاید صادر نشده چرا ؟ بخاطر اینکه آن نیروهای عزیز که باید در داخل کشور دست بدست هم میدادند و انقلاب را صادر میکردند بجان هم افتادند این یکی آن دیگری را تضعیف کرد و آن دیگری این یکی را .

راه مجاهد : نیروهای انقلاب در دور گیری باید بگری بترجیح بدام شیوه های غیر اسلامی گرفتار و در نتیجه انحراف از اهداف اصلی انقلاب دور شدند . بنظر میرسد که آنچه بطور کیفی صدر انقلاب لطفه میزند همین انحراف از اصول انقلاب و رشد شیوه های غیر اسلامی میباشد و نه کم شدن کمی تعداد انقلابیون .



شیوه های غیر اسلامی باعث انفعال نیروها و عدم تاثیر انقلاب در سطح جهان می شود برداختن به مسائل داخلی انقلاب نمی تواند مانع صدور انقلاب گردد بلکه اگر ما بتوانیم مسائل انقلاب را به طور اصولی حل کنیم تا انقلاب عمیق پیدا کند خود بهترین مبنای صدور انقلاب میباشد .

خطبازی و رشد روحیه تفرقه طلبی
نتیجه تلخ دیگر این است که این تفرقه ها بین جناحها هفتها خط امام را تصفیه کرد و همه برادران و شخصیتهایی که زمانی در خط امام متحد و مشترک بودند اینها را دور روی هم قرار داد و سه فرقه با بیشتر تقسیم کرد ، علاوه بر این روح تفرقه طلبی را در هر خطی باز به وجود آورد .

نیروهای انقلاب و اتهام التقاط
همان کسانی که در جامعه متهمند به خط ۳ ، یعنی نیروهایی که مستقل اند و نمی خواهند باج بدهند ، نمی خواهند زیر بار این و آن بروند و میخواهند شرافتمندانه در خط امامشان حرکت بکنند و به جسم همین استقلال طلبی متهم به خط سه می شوند .

لزوم ارائه شیوه برای وحدت
می بینیم یک موضع منسجم ، یک ارتباط منسجم که این نیروها ی دلسوز و حزب . . . انقلاب دارند و باید داشته باشند در این خط و به اصطلاح این جناح الان وجود ندارد و بختانه همان جناحهای مستقل حزبالهی که با جریان خطوط مخالف بودند و با جریان حزبالهی مخالف بودند و می گفتند این احزاب سیاسی خود محورند و قدر تطلبند و تعصبات گروهی بر آنها حاکم است حالا همانها هم که معتقد به حزب . . . بوده و هستند همین آفت را پیدا کردند که در درون خودشان به جناحهای مختلف تقسیم شدند .

راه مجاهد : یکی از مهمترین نمازهای انقلاب راه روشی برای وحدت نیروها می باشد و این که حول چه شعار و چه ملاک می توان نیروها را وحدت داد .

حزب . . . واقعی
حزب . . . ما یکی از ویژگیهای این است که نه با هم ارتباط دارند نه انسجام دارند و نه هماهنگی دارند و تصور میکنند حزب . . . یعنی این . یعنی یک جمعیت پراکنده ، بی هدف ، بی نظم ، در حالیکه حزب . . . چون مرتبط با خداست و به نام خدا نامگذاری شده در هر مقوله ای باید از همه پیشروتر و پیشنازتر باشد .

این نیروهای عظیمی که یک روز همه شان متحدانه در برابر ضد انقلاب داخلی و خارجی تعقیب مراقبت می گذاشتند حالا کار به جایی رسیده که این جناح برای آن جناح و آن جناح برای این جناح تعقیب مراقبت می گذارد که اون کجا میرود ، اون باکی تماس میگیرد مراکز قدر تکجاست ، جلسات کجاست ، جلسه کار و حشمتی که شیطان شرمش میشود .

باید جوانان و امت حزب . . . آنچنان رشدی در مسائل انقلاب داشته باشند که بتوانند توطئه ها پیشناهند خطهارا بشناسند آفتهارا بشناسند و بالا بردن رشد سیاسی خواهران و برادران حزب . . . در این شرایط یک فریضه و واجب است .

اگر برادران مستقل و متعهد و کلان نیروهای مستقل حزبالهی در این شهر بخواهند فعال باشند و در خط امام حرکت کنند باید کاری کنند که این پراکندگی و تفرق را از بین ببرند و حداقل در میان خودشان یک وحدت و هماهنگی و انسجام باشد و باید شروع کنند به آگاهی سیاسی .

باید یک فته قلبیه و یک امتی پیشقدم شوند برای اینکه اولاً نظم و وحدت و انسجام را ایجاد کنند در درون خودشان ، و در درجه دوم سطح آگاهی سیاسی مردم را بالا ببرند

راه مجاهد : در ادامه صحبتها ی ایشان بنظر میرسد که پیوند باید تلوژیک با امام مهمترین نماز نیروهای خط امام

یک دفعه انسان می بیند که از داخل و خارج یک صدا دارند می گویند که بیاید صلح کنیم دیگر نمی شود مگر می خواهیم چه بشود امام خمینی



اخبار بارگرواندن اموال طاعتیان

ناجیان صنعت و مالترین مدیران برای اداره آنها میباشند. و نهایتاً مدعی هستند که رفع خلع یدار صاحبان فراری این صنایع افزایش تولید، سوددهی بیشتر و بالاخره رفاه حال کارگران را در پی خواهد داشت. اکنون همین افکار عمومی که بر روی آن این همه سرمایه گذاری میشود این سؤال را مطرح میکنند که در جای پرونده فعالیت باصلاح صنعتی این آقایان تولید و رفاه حال کارگران ثبت شده است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با مدیران صنایع ملی :
آقایان نیکه‌حمایت از این سرمایه‌داران میکنند و میگویند به نفع مستضعفین است که کارخانه‌ها در دست ثروتمندی که مدیر خوب است، باشد تا تولید افزایش یابد و کارگران هم چیزی بدست آورند، این میشود اضافه تولید به قیمت غصب و استثمار، این رفاه هیچ وقت رفاه واقعی و حمایت از مستضعفین نمیشود. حمایت از مستضعفین اینست که خودشان حاکم باشند بر مقدرات خودشان.

نقطه نظرات دادستان کل کشور

۶۴/۷/۷

کیهان

من تعجب میکنم که چرا بعضی از یکطرف میگویند مسائل اقتصادی مسائل اصلی در یک جامعه و برای حرکت یک جامعه نیست اما اینقدر اصل مالکیت در نزدشان محترم است، حتی از اصل توحید هم محترم تر است.

حجت الاسلام خویشی ها در جمع قضات و دادستانهای کشور:

بازگشت کارخانه داران فراری

کارخانه ورشکسته‌ای که اگر روز اول صاحب پیدا میشد کارگرها سرش را جلوی کارخانه می‌بردند از این مملکت فرار کرده کارخانه را هم اگر دولت سرپرستی نمیکرد از بین رفته بود، کس دیگری که نمی‌آمد این کارخانه را اداره کند، کارگر بیچاره که یون نداشت، کس دیگری هم اگر بود مثل صاحبش بود که چرا نمی‌کرد، کسی میخواست بیاید و اداره کند؟ گذاشته و رفته دولت هم با پول و ارز جمهوری اسلامی، با این نفتی بی‌زبانی که با این همه امکانات و مصیبت ما در می‌شود و مقداری ارز بدست می‌آورد، کارخانه را اداره کرده رسانده به مرحله سوددهی و حتی مدیر دولتی جنس را از این کارخانه آورده و در بازار

کیهان
مصطفی شریف عضو ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین :

از جمله یک مورد نام‌های است که در اواخر سال ۶۳ بنیاد مستضعفان به هیات واگذاری زمین مینویسد که چون از اموال آقای مهدی کوشان فربر اساس رای تجدید نظر، رفع مصادره به عمل آمده خواهشمند است مقرر فرمائید که از هرگونه واگذاری قطعی اراضی مشارالیه خودداری فرمایند و این زمین در سال ۵۹ مطابق حکم دادگاه انقلاب اسلامی شهوار مصادره شده بود.

مورد دیگری داریم که شخصی بنام نمایی که سنا تورزمان شاه بوده است زمین دار که با "می" صبیونیت معروف با هم بصورت مشاع مالک آن بوده اند که قسمتی از زمین که مربوط به وی بوده است با اقداماتی که انجام گرفته زمین خودش را یعنی نیم دانگ از شش دانگ زمین را که با "می" شریک بوده پس گرفته است.

جمهوری اسلامی
مدیرعامل ایران چوچه :

این شرکت در زمان تمدی صاحبان قبلی دارای زیان انباشته‌ای بوده و در طول پنج سال مدیریت دولتی به سود دهی رسیده است و در صورت واگذاری ۶۹٪ این کارخانه به بخش خصوصی، بخش عمده‌ای از

۶۴/۶/۲۱

کیهان

سود حاصله از عملکرد دولت به بخش خصوصی تعلق خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی
در ادامه پاسخ به ایران چوچه :

درواقع اشکال کار نگرش هیئت به اصل مالکیت است. ظاهراً این هیئت با اکثریت اعضا آن مسائل مربوط به مالکیت‌های نامشروع و با آ آورده زمان شاه را نادیده گرفته و احکام خود را بر کاغذ متکی کرده اند نه برواقعیتها، اشکال کار هم در همین جاست و بازگشت ظالمانه آنها هم از همین دریچه صورت میگیرد.

جمهوری اسلامی
عملکرد هیئت ۵ نفره و قانون حفاظت

و توسعه صنایع زمینه ساز بازگشت وضع گذشته :
از مدت‌ها پیش سعی شده است که این نظر بر افکار عمومی جامعه قبولانده شود که صاحبان قبلی این گونه واحدها تنها

۶۴/۶/۲۱

کیهان

انگلستان و آمریکا همه جایش میشود و یک صدا تاکید دارند که بین امام و فقیه عالیقدر اختلاف وجود دارد و ما شواهد و قرائن ساختگی این معنا را که بین این دو محور و هنری اختلاف هست در مطبوعاتشان چاپ و پخش میکنند و در همین زمان می‌بینیم که داخل کشور یک حلقه‌های مزدوری همین ندا را سر می‌دهند. این را میگویند خط، خط مرموز

مارک التقاط توطئه خطوط مرموز

مرتب رادیو آمریکا و اسرائیل در سلسله مواضع اقتصادی فقیه عالیقدر شبه میکنند و التقاطی بودن را آنچنان بزرگ می‌کنند و میگویند بعضی مواضع فقیه عالیقدر التقاطی است و همین آهنگ را در داخل از دیگران می‌شنویم که میگویند بله مواضع اقتصادی گذاشت. من نمی‌خواهم بگویم یک او تباطی هست بین این حلقه‌ها و رادیو - های خارجی، اما یک خط مرموزی در این جهات کار می‌کنند.

ما می‌بینیم که یک افرادی می‌نشینند و التقاط را این طوری تحلیل میکنند که سنا از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی التقاط شروع شده آمده در زمان دکتر شریعتی بعد طالقانی و حالا هم رویشان نمی‌شود بگویند می‌گویند خط ۳ و وقتی میخواهند تبیین بکنند اینجوری میگویند که آن زمان که ما از بهشتی حمایت کردیم دفع افسد به فاسد بود چون بنی صدر یک جریان افسد بود و بهشتی هم فاسد، ما آن افسد را با فاسد از بین بردیم. کس این حرف‌ها می‌زند؟ کسی که معتقد است که مثلاً یک جریان بی‌درک و شور به نام خط ۳ التقاطی هستند و التقاط را هم به مرحوم بهشتی هر شریعتی هم طالقانی و هم سید جمال نسبت میدهند یکی از علمای خط یک این را گفته. آن دیگی گفته، یکی از علمای خط یک گفته بله التقاط هم در بهشتی بود هم در مطهری هم در فقیه عالیقدر.

طرد شیوه غیر اسلامی

ما اگر بنام تقلید یکمده را طرد بکنیم یکمده را هم بنام خط، یکمده را هم بنام مذهب، یکمده را هم بنام کذا پس دست آخر چه می‌ماند؟ ما باید خیلی اختلافها را قربانی بکنیم، مسائل نژادی مذهبی، ناسیونالیستی اختلاف در تقلید اختلاف در منش، در برداشت اینها باید فدا شود.

راه مجاهد : بنظر میرسد بجای شیوه طرد که بنفع جریانهای مرموز تمام میشود برای حل این اختلافات، نیروها را برای شرکت در عمل صالح (جنگ) فعال کنیم.



میباشد که در نتیجه آن نیروهای حزب... می‌توانند سازماندهی مناسب را در آورند.

توطئه دستهای مرموز و الگوهای انقلاب

در این جناح بتدبیرها یکی از مفاسد عمده‌ای که پیدا شد این است که شخصیت های نازنین انقلاب چهره واسوه‌های انقلاب در این جناح‌ها پیدا به انحصار این جناح در می‌آیند یا به انحصار آن جناح

تشبیه درون یا صدور انقلاب

مواضع شهید منتظری و مرحوم شهید بهشتی که در زمان حیاتشان اندک اختلافی با هم داشتند این اختلاف یک اختلاف فوجیه‌ری نبوده، چنین نبوده که مرحوم بهشتی به محمد و بالعکس تضاد داشته باشند. آن شهید بر اساس تکلیف خود شرق‌گرا می‌گردد موقعیت انقلاب اسلامی طوری است که باید اول یک مدیریت و نظم و قانونی در داخل ایجاد کند، مرحوم بهشتی و آنوقت انقلاب صادر شود، و مرحوم منتظری تشخیص میدهد که ما باید اول سعی کنیم هویت انقلاب محرز بشود، بعداً نظام درست بکنیم و ایشان می‌گفتند که هویت انقلاب این است که در سطح بین الملل بعنوان یک نهضت جهانی جلوه یابد.

راه مجاهد : با توجه به اینکه یکی از بهترین معضلات انقلابها بعد از رسیدن به قدرت همین دورگشیت درون "یا صدور انقلاب" بوده است لازم است گفته شود که اصلی‌ترین وظیفه هر انقلابی حل مسائل و همخوان با آن برخورد با مسائل بیرونی و صدور انقلاب به اندازه توان انقلاب است. (برای توضیح بیشتر به کتاب مکتب راهنمای عمل ماده ۲۱ صفحه ۱۲۱ مراجعه شود)

مسئولیت ما در قبال انقلاب

صد درصد نسبت به ارزشها، قدرت و اهمیت و صلاحیت انقلاب مطمئن باشید اما در همین حال نباید خواب باشیم و بگوئیم انشاء... خدا حفظ میکند نخیر، باید مسائل را شناخت و باید خطها را دید و باید آنطوری که وظیفه شریعت است با مسائل انقلاب برخورد کرد.

هماهنگی دستهای مرموز

در خبرگان اول که فقیه عالیقدر در راه خبرگان بودند و جلسات را اداره میکردند در آن ایام در طول یک هفته تلفنهای متعدد از اینجا و آنجا بکار افتاد و همه هماهنگ و یکدست به فقیه عالیقدر تلفن میزدند که محمد در پیوسته است و اعصاب محمد خراب است و وجود محمد باعث آبروریزی شماست. من سئوالسم این است که آیا بطور تصادفی این همه نیرو بسیج می‌شوند که در یک هفته هماهنگ عمل کنند؟

یکمده این جناحهای توطئه‌گر

شما می‌بینید تمام مطبوعات خارجی از فرانسه

لازمه انقلابی بودن تحمل سختی‌هاست امام خمینی



کینگ رفت کینگز آمد

KINGS KING

در درون محافل انقلابی، ضرب المثلی بصورت طنز متداول است که میگویند: کینگ (پادشاه) رفت ولی کینگز (شاهان) آمدند. منظورشان از کینگ همان محمدرضا شاه است که در اثر انقلاب اسلامی سلطنتش سقوط کرد و خانواده اش قرار گرفتند.

منظور از کینگز (KINGS) همان اقتصاددان معروف آمریکایی است که نظراتش بیانگر سرمایه داری فسرپ میباشند. از طرف دیگر کینگز (KINGS) معنی پادشاهان نیز آمده است. طنز فوق شوخی جدی تحلیلی است از روند حاکمیت رشد و گسترش لیبرالیسم متمایل به غرب. به عنوان مثال عده ای از فقها و غیر فقها هستند که نظرات اقتصادیشان، که چاپ هم شده و در دسترس عموم قرار گرفته، فرقی با نظرات کینگز، اقتصاددان معروف آمریکایی ندارد. اینها میگویند که فرق ما با شاه در اخلاق اسلامی است و به لحاظ اقتصادی، عمران و... فرقی با شاه نداریم. اگر شاه جلوی بی حجابی و مشروب خواری و قمار بازی را میگریخت کارهایش کاملاً اسلامی بود. این جریان حتی با استناد به وصیت حضرت علی (ع) به فرزندان "الله فی القرآن لا یسئقنکم فی العمل به غیرکم" میگویند آمریکا در اقتصاد قرآنی پیشتر از است و این همان هشدار است که حضرت

علی به ماداده که میباید غیرشما در عمل به قرآن از شما پیشی گیرند.

با نظری کوتاه به مجموعه پیامهای امام و رهنمودهای آیت... منتظری که بقول آیت... صانعی فقه امام است و سه برابر فقه جواهری ارزش دارد. نشانگر این مطلب میباشد.

حالب اینجاست که این عده حتی نقش دولت آمریکا در اقتصاد آزاد در آمریکا را هم قبول ندارند و گویا از سیر تحول اقتصاد در آمریکایی خبری نبوده و از نظرات سا موئل - سون، اقتصاددان آمریکایی اطلاعی ندارند. حتی در درون آمریکا چنین نظراتی به جناح راست نسبت داده میشود.

حال معنی طنز فوق را بهتر فهمیدیم که اگر شاه برود و اقتصادش بماند، در حقیقت شاه رفته ولی شاهان می آیند، این ترفند جدید امپریالیسم است که البته موفق نخواهد شد.

هدف امام به کلام امام و آیت... منتظری محور رژیم سلطنتی در تمامی وجوه میباشد.

امیدواریم اقدامات همه الا سلام موسوی خوئینی ها دادستان کل انقلاب که روح تازه ای در جوانان انقلاب دمیده بطور بیگانه با بدو با وری فعلی از این اقدامات به ایمان و باور تبدیل نماید.

امیدواریم به خواست خدا "ستاد پیگیری" دوباره به "ستاد پیگیری" تبدیل نشود. اخیراً "درسمینار دانشجویان خط امام"، مسئله احیای خط امام مطرح شده که امیدواریم این کار نیز تداوم یابد و در پیگیری آن از مارک و تهمت نهراسند. والسلام

آزاد فروخته یعنی کارخانه ای در دست دولت بوده خلاف کرده، چرا؟ چون کارخانه ضرر میداده و خواست است کارخانه رایبه مرحله سوددهی برساند. تا یک مشت آدمهای منفی باف مزخرف ننشینند و بگویند که هر کارخانه ای که در دست "مدیر دولتی" است ضرر میدهد. نه آقا چون در دست مدیر دولتی است ضرر نمیکند. چون دست مدیر دولتی بسته است ضرر نمیکند... حالا آقا تازه پیدایش شده با احترام هم واردش کرده اند، دستور هم بر این است که بلکه این مالکیت است و آقا به بانک بدهکار بوده و با هزار درد و زحمت از بانک وام گرفته... میگوید بدهیم را می پردازیم پس این کارخانه را به او بدهیم. هم شمارا مسخره میکند هم مجلس را مسخره میکند هم امام اهانت میکند. هم انقلاب را به بازی گرفته... شما اگر به جای این کارگر باشید و این فکرها و مسائل را مدنظر بگیرید آن وقت اگر از دین برگشتید مستحق ملامت هستید؟ شما فی که در دادسرا باشید خودتان را جای آن کارگر بگذارید، با این حکم شما اگر آن کارگر فردا از جمهوری اسلامی منزه شد گناهی پای کیست؟ میتوان دید توجیهش کنید که ایسن مالک بوده؟

در نماز جمعه تهران: (پیاپی شده از نوار)

قسمتی از سخنرانی همه الا سلام خوئینی ها در نماز جمعه تهران: (پیاپی شده از نوار)

دادستان باید حقوق ضعیفان را بستاند

دادستان یعنی کسی که داد مظلوم را از ظالم بستاند و مدعی العموم یعنی کسی که باید حقوق عامه را حفظ بکند. امروز در جای ما در کشور ما همه قبول دارند و همه میگویند اکثریت عظیمی از افراد ما همه حقوقشان پایمال شده است. در تاریخ گذشته ما خصوصاً در این ۵۰ - ۶۰ سال رژیم منفرجه پهلوی، مسلم است که این حقوق پایمال شده از فقرا و از ضعیفان و از زراغه نشینها و از همین جبهه بروها در دست یک عده مال حرام خور، زراندوز فاسد سی ایمان، بی اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی حقوق ضعیفان پایمال شده به آسمانها که نرفته، زیر زمین هم که فرو نرفته معلوم میشود این حقوق پایمال شده ضعیفان در همین روی زمین در دست یک عده زورمند ظالم ستمکار است... این هست یا نیست؟ داد ستانهای ما مگر مدعی العموم نیستند دادستان کل کشور مگر مدعی العموم نیست؟ این حقوق ضعیفان را چگونه میخواهد از زورمدان و ستمگران ظالم بازستانند. باید ما بگیریم یا نباید بگیریم؟... در نظام فاسد و وابسته پهلوی حقوق ضعیفان زمین رفته است یا نرفته است؟ اگر زمین رفته است، دست چه کسانی است؟ دادستانهای ما گفتند در میان جامعه پیدا کنند این حقوق از دست رفته را ببینند دست چه کسی است و از او بگیرند. دادستان باید حقوق ضعیفان را از اغنیای فاسد بگیرد در نظام شاه فقط خود شاه بدیده و خودش غارت کرده بود بیت المال را؟ اگر نظام شاه نظام وابسته بود، اگر وابستگی به اجانب و استکبار و کفار حرام است و گناه است اما آن چیزی که از طریق وابستگی بدست آمده است حلال است؟ در زمان شاه مجلس قانون گذاری مجلسی حرام که بود و امام تحریم فرمود، نمایندگان مجلسی که امام فرمودند حقوقشان حرام بوده و باید

آیا وابستگی به آمریکا حرام نیست؟

بعد این پولی که به آن صاحب زمین دادگار کرد آمد پولش را کارخانه درست کرد. اگر اینها حرام نیست پس شش میلیون نفت را که در زمان شاه تاراج کردند حرام نیست. اگر اینها حرام نیست، وابستگی به آمریکا حرام نیست اگر نظام شاه نظام وابسته بود، گناه بود اگر وابستگی حرام است که حرام است آثار وابستگی حلال است؟ پس این چه بود که امیرالمؤمنین فرمود اگر که پولها و حقوقی که از مردم به غارت رفته است و به ناحق برده اند و اگر مهربران هم شده باشد از آنها برمیگردانم... نظامی درست کرده بودند که بر مبنای آن نظام اموال

برگردانند چرا که آنجا عمل حرام انجام میدادند، عمل حرامی که نمایندگان آنها انجام میدادند و بیت المال را به غارت دادند، این بیت المال غارت رفته از جنگ فقرا، باید به آنها برگرداند یا نه؟ اگر باید برگرداند باید تفحص بشود که در کجاست که برگردد...
آیا شاه به تنهایی بیت المال را غارت کرد؟

اگر ما میگوئیم که شاه خیانت کرد روزی ۶ میلیون بشکه نفت ایران را صادر کرد پول این نفتها به کج رفت؟ تمام این پول نفت را شاه خورد؟ یا غارت بیت المال یعنی یک کسی حمله کند مثلاً به خزانه بانک مرکزی یا

کسیکه حقوق مالی خود را پرداخت نکرده است سهمی که میبایست پرداخت کند بصورت تصاعدی افزایش پیدا میکند تا آنجا که اگر کلیه اموالش را هم بدهد، باز مدیون شرعی است.
"امام خمینی"

فقرا و ضعیفان غارت شد. امروز قبول داریم که اکثریت جامعه ما را ضعیفان تشکیل میدهند یا نه؟ حقوق اینها کجاست؟ من به عنوان یک دادستان سؤال میکنم حقوق ضعیفان روی همین زمین و در دست یک عده از خدانی خیر است و دادستان باید از آنها بگیرد و به اهلس و به صاحب حقیقتی برگرداند. والا بنده نگاه کنم فقرا و حقوقشان پایمال شده و یک عده هم فاسد و فاسق و فاجر گناهکار گناههای ظاهراً شکار کسانی که بازندگیشان دل فقرا را ببرد میآورند، اینها همچنان در جامعه به نفع و نفع و نفع مشغول، بنده هم بگویم

قدرت طلحه و قوه قهریه جواهرات را از آنها بدزد و ببرد؟ آنها بی که در قانون ما بی گفته اند غارت بیت المال، این بسود مقصودشان؟... صادرات نفت به ۶ میلیون بشکه رسید این پولهای نفت را شما بررسی کردید که در زمان شاه به جنب چه کسانی رفت یا نه؟ این اشخاصیکه در همان زمان مدها و هزارها هکتار زمینشان را به اسم اطلاعات ارضی شاه دادند به این کثا و رز بیچاره و پولش را از او گرفتند و حتی آنقدر عجله داشت شاه که آمد از خزانه دولت، از بودجه کشور پول آنها را یک جا داد بعد گفت من خودم از کشاورز می گیرم.

که خوب آنها را که دلیل ندارم، به ضعیفان بگویم شما هم بروید دست به دعا بردارید، مناجات کنید و بنده هم فقط دلم خوش باشد که اسم را بگویند دادستان کل کشور.

مگر خدا جا معه را به غنی و فقیر تقسیم کرده؟

بایگوئیم که خیر این همه حرفها را نمیخواهید بزنید - اطلا تقسیم شده دنیا، این نظام الهی است و این مشیت پروردگار است که اکثریت همیشه باید ضعیف و فقیر و محروم باشند، یک عده هم باید غنی باشند خدا خواسته، و فقیر را به فقرش امتحان میکند و غنی را هم به غنایش امتحان میکند پس ما به ضعیفان و فقرا به این بچه های با برهنه جبهه ها بگوئیم حالا این دیگر مشیت الهی است، توقعی دیگر از کسی نداشته باشید. از جمهوری اسلامی، از امام، از مجلس، از دولت اینکه حقیقی را از کسی بگیرد و به کسی برگرداند این توقعها را نداشته باشید، آیا این حرف درست است؟ یک مؤمن مسلمان میتواند همچین ادعایی بکند؟ پس همه رنجها که پیامبران برده اند، بیخود داین رنجها را برده اند، پس همه شهادتهایی که اولیا، خدا و قتلها و رنجهایی که اشعه معمولی تحمل کردند بی خود تحمل کردند چون اصلاً بنای دنیا بر این است که ضعیف باشند و اغنیای غنی باشند. جبهه رفتن، کشته دادن، اسیر دادن، مقفود دادن، بدبختی کشیدن، غم و غصه جوان خوردن، چندتا جوان را از دست دادن اینها زاهدان تقسیم کرده مال یک عده ای اما پول داشتن، ثروت داشتن و با این ثروت هرکاری کردن، این راه خدایه یک عده داده، این اصلاً یک تقسیم عادلانه است که خداوند کرده. کسی میتواند به خدا چنین نسبت ناروا بی بدهد؟ من بعنوان دادستان کل کشور مصمم هستم و شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی مصمم

داربدون کمترین ملاحظه حقوق از دست رفته ضغفار و فقرار از دست افراد فاسق فاجراز غدا بی خبری گرد و حق را به صاحب حق برگرداند.

همگام با رزمندگان، مبارزه با اعدا و وظا غوتیان

من به رز مندگان در جنبه ها عرض می کنم که ما مصمم هستیم همگام با شما اعدا و ربه آخرین روزهای زندگی منحوش میرسانید ما هم ظا غوتیان ، وابستگان ظا غوتیان ثروت اندوزان و زراندوزان فاسق ، آنها که حلال و حرام فرقی برایشان ندارد، آنها که حرام برایشان شیرین تر از حلال است ما هم مصممیم که این قشر فاسدانسنگ و قلیل جامعه را همراه با اعدا و بیستاد فیرستان و گورستان تاریخ بسیاریم مردم هم بدانند اگر در این راه کسی کشته شد آنقدر هستند افراد با ارزش و با فضیلت که این راه را ادامه بدهند.

دادستانهای ما با زهم عرض می کنیم دادسراهای ما ، قضات ما آنها که نمیتوانند این خط نظام جمهوری اسلامی را برونند آنها که در برابر منکرات بی مبالا هستند آنها که در برابر حقوق با افعال شده بی تفاوتند آنها که هنوز هوای نظام شاه در سردارند آنها بدر دگستری و دستگاه قضائی ما نمیخورند، و اگر خودشان نروند کنارشان خواهیم گذاشت

راه مجاهد: متاسفانه روزنامه ها با این صحبت های بسیار مهم حجت الاسلام خوشبینی ها نه تنها برخوردار فعالی نکردند بلکه فقط روزنامه اطلاعات ، متن کامل آن را درج نمود، آنها در صفحات مربوط به آگهیها ، که معمولاً کنار گذاشته میشود و

مورد مراجعه هم نیست . ما بعد از پیاده کردن صحبت های ایشان از نوار به طور اتفاقی به متن چاپ شده آن برخوردیم .

لایحه اصلاح قانون حفاظت و توسعه صنایع
جمهوری اسلامی
موافقین
۶۴/۷/۲۱

آقای محمدیزدی نماینده تهران: در مورد صنایع بانکه مالک هستند و میگویند ما وام داده ایم باید او امان را پس بگیریم . دولت میگوید من بخاطر اداره کشور بخاطر حفظ صنایع در چنین شرایطی نمیتوانم این کار خانات را از ها کنم آنهم مشکلات بوجود بیاید . مدیریت و هزینه روی اینها گذاشته ام این کار خانات را من اداره کرده ام باید خودم تنه

و قتی که تکلیف روشن شود اداره کنیم . سهام دارانی هستند که آنها هم مطالبه میکنند و میگویند ما هم باید تکلیف مالکیت ما روشن شود و سهم ما را بدهید

با این قوانین اساسی تعیین تکلیف بشود هر چه مال دولت است مال دولت ، مال بانکه است به بانک و مال سهام داران هست مال آنها . بعد سیاست ایجاب میکند که شما هم سهام داران را بخرید و مالکیت آنها را بدهید به دولت قانون نمیگوید مجانی بگیریم . میگوید صنعت بزرگ که در نظام جمهوری اسلامی است دولتی میشود باید بگیرد پولش را هم به او بدهید ، حالا قسط یا یک دفعه ولی باید به او بدهید . در اینجا هم همینطور است و صنایع درجه دوم هم با این کیفیت است .

آقای بادامجیان : اعتقاد دارم که اصل قانون باید مورد بررسی قرار گیرد به چند علت ، یکی اینکه در اصل این قانون تردید هست به اینکه در بعد از آخرین روزهای شورای انقلاب تکلیف تنظیم شده است ، بنی صدر ملعون ، تاریخ آخرین روز شورای انقلاب را پای آن گذاشته است . این تردید هست ، ممکن است شما بگوئید درست است یا غلط .

مخالفین

آقای واقفی نماینده اصفهان: با تصویب این اصلاحیه از آنها تکیه بلحاظ وابستگی خود قانونا " سلب مالکیت میشود اعاده حیثیت میشود و ابتدا مالکیت آنچنانی آنها بر سمیت و قانونی شناخته شده ، سپس بررسی میشود که طبق اصل ۴۹ این سرمایه را از چه طریقی کسب کرده است . تجربه چند ساله اخیر در خصوص اجرا این اصل نشان میدهد که به چه نتیجه ای خواهیم رسید صریح بگویم نمی شود گفت که ما

حکومت ستم شاهی را قبول نداشتیم و آنرا سرنگون کردیم ولی آنچه در اقتصاد و صنعت در آن حکومت واقع شده بنحوی قابل قبول است و آنرا دوباره تریا میداریم . به بیان دیگر آغاز تجدیدنظر طلبی در عملکرد در بعد اقتصا - انقلاب اسلامی است که در صدر انقلاب اسلامی با توجه به آن ، وجود انقلابی تندروی شده است . اگر با این دید بنگریم آیا در مورد واژگون شدن خود رژیم تندروی شده است ؟

آقای محمدعلی هادی نماینده تهران: بنده میگویم اگر این طرح تصویب شد نتیجه طبیعی اش این است که تا سه سال - فردا علیه انقلاب اعلام جرم میکند شما این طرح را برای چه آورده اید به مجلس ادعای دولت ؟ مگر ما وکیل مدافع آنها (فراریها) هستیم ؟ مگر نیستیم قانون برای آنها تصویب کنیم چرا بیاییم اصل

اگر ساده لوحی شود که محمدرضا رفت و چند تا از سران رفتند ، بقیه آدم میشوند ، این جهل است و یک عده نادان که انتقاد میکنند متوجه این مسائل نیستند . آنها نمیتوانند از اینگونه مسائل تحلیل سیاسی و اجتماعی ارائه دهند . این اشخاص ظواهر را میبینند که مثلاً " فلان حاج آقا ، مکه ای می رود ، مشهد می رود ، ماه رمضان هم یک افطاری میدهد و در

را بهم بزنیم ؟ چرا بیاییم آن ۵۱ نفر را طلبکار کنیم که آنها در داخل و خارج وکیل بگیرند و بیفتند به جان انقلاب بگویند اموال ما را برگردانید .

آقای هاشمیان : این طرحی که آمده به نظر من باروح انقلاب مخالف است روح انقلاب این

است که این استعمارکنندگان راه صاحبان سرمایه های کلان را ، اینها که با تضییع حقوق عمومی و در انحمار قرار دادن بیست المال - عوامل تولید صنعت و کشت را بعهده گرفتند ، انقلاب باید دست اینها را قطع کند و عوامل تولید را در اختیار اهل او بگذارد بنده که در کمیسیون ۵ نفره صنایع هستم به واقعیت های آن مطلع هستم ، خدا میداند که این هیئت از طرف چه محافلی تحت فشار است که این قانون شورای انقلاب را لغو کند . این اصلاح قانون نیست ، این خلاف شرع است خلاف روح انقلاب است .

آقای شافعی وزیر صنایع : بنا بر این بنظر می آید و مسلماً " این است که اگر این طرح تصویب شود یک دعوی وسیعی را با بش را باز خواهد کرد . برای کسانی که بها مشان مشمول بنده شده است .

آقای نوربخش رئیس بانک مرکزی : اشاره شد به اینکه این طرح در جهت حل اختلافاتی است که بین بانک و دولت است . بنده به عنوان خدمتگزار در سیستم بانکی عرض میکنم که به هیچ وجه اختلافی بین سیستم بانکی و مسئولین مربوطه در رابطه با تصمیم گیری مربوط به این واحدها از اجرای قانون نیست .

اما در مورد اثرات ارزی قضیه ، الان در دادگاه لاهه به استناد قانونی بنام قانون حفاظت که در مملکت ما رسمیت دارد رفته و در مقابل دعوائی که آنها (فراریها) مطرح کردند گفته به استناد این قانون حرف آنها را دست . اگر قرار باشد که خود جمهوری اسلامی این قانون را رد کند

جمهوری اسلامی
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
۶۴/۶/۲۱

اگر ساده لوحی شود که محمدرضا رفت و چند تا از سران رفتند ، بقیه آدم میشوند ، این جهل است و یک عده نادان که انتقاد میکنند متوجه این مسائل نیستند . آنها نمیتوانند از اینگونه مسائل تحلیل سیاسی و اجتماعی ارائه دهند . این اشخاص ظواهر را میبینند که مثلاً " فلان حاج آقا ، مکه ای می رود ، مشهد می رود ، ماه رمضان هم یک افطاری میدهد و در

حالی که میلیون ، میلیون میخورد ، ده تومار از ده تومان هم سهم ما میدهد . اینرا فکری میکنند اسلام است ، اما نمیدانند که همین آدمستون آن کاخ شوم است که زیر آن کاخ شوم همه جنايتها انجام میشود و این ستونها یعنی این قبیل آدمها آن نظام را حفظ کرده بودند و یکی از کارهای عاقلانه شورای انقلاب این بود که اینها را اخل کرد .

این اشخاص (شرود مندان) در حالی که میلیون میلیون میخورد ، ۱۰ تومن ، ۱۰ تومن سهم ما میدهد اینرا فکر میکنند اسلام است اما نمیدانند که همین آدمستون آن کاخ شوم است که زیر آن کاخ همه جنايتها انجام میشود . " حجت الاسلام رفسنجانی "

جمهوری اسلامی
قسمتی از مقاله " تا ملی در مسیر تحول از هفته نامه اتاق بازرگانی : سرمایه محتاط و حتی ترسوست و سرمایه جدا از صاحب و مالک خود روح دارد و غرور و حیثیت دارد و به همین جهت در هیچ شرایطی و در هیچ زمانی دست به خودکشی نمیزند و به همین جهت سرمایه گذاری بیش از آنکه یک موضوع احساسی و یک فعل عاطفی و عاشقانه باشد یک کردار اقتصادی است و اقتصاد پیش از هر پاره ای زیربنای ریاضی دارد

متاسفانه پس از ۶ سال و اندی گذشته از پیروزی انقلاب هنوز برای بخش خصوصی امنیت ، تضمین و هدایت و تصحیح وجود دارد

جمهوری اسلامی
جواب به مقاله " تا ملی در مسیر تحول " نویسنده: این مقاله . . . کلیه سرمایه داران را از هر نوع اتهامی مبرا دانسته و حکمی گناهی کلیه کسانی را که تاکنون به عنوان نصاب حقوق دیگران مروجین فحشاء عوامل به انحراف کشاندن جوانان مردم به انگیزه دست یابی به سودهای کلان و را ما در مینمایید و اعلام میکنند که اینها افراد بی گناهی هستند و این سرمایه است که خودش بسبب اینکارها می رود و ما حبس را نیز همراه خود میکشاند . اما آیا واقعا " این چنین است ؟ آیا سرمایه یک موجود مستقل صاحب فکر و روح و غرور است ؟ یا سرمایه صرفاً یک وسیله است و وسیله ای که تحت اختیار انسان است و آنچه که روح دارد ، غرور و حیثیت دارد و بیرون خلاف گفته نویسنده این اختیار را نیز دارد که گاه منطق و استدلالهای ریاضی را به کنار میزند و در راه احساس ، غاطفه و عشق نه تنها از سرمایه بلکه از جان خویش نیز بگذرد انسان است در روزی از پسین این انسان است که عقوبت اعمال خود را خواهد دید ، یا سرمایه .

آدم اسمیت (پدر اقتصاد آزاد) مردم را در برابر نظارت تیکه از دولت دارند و موظف به پرداخت مالیات میدانند در حالی که نویسنده مقاله هفته نامه اتاق بازرگانی نه تنها از مالیات اسمی نمیزد ، بلکه دهها برابر اسمیت هم توقع از دولت دارد اسمیت وظیفه دولت را وضع قانون و حفظ امنیت برای سرمایه های بخش خصوصی میدانند ، ولی



نویسنده: مقاله هفته نامه "تاق بازارگانی" تضمین "و هدایت" راهبران اضافه میکند و در واقع از پدراقتصاد آزاد هم جلوتر میرود.

اطلاعات: آقای رضوی نماینده تبریز:

آنان که طرفدار سرمایه دارانند (سرمایه داری به معنای غیراسلامی) میخواهند بهتر بخورند و بهتر بخوابند و فکر کنند بچه وزن هم دارند، نوه هم دارند و یک روزی اگر اینطور جلوی دریم حزب کثیف کمونیست هم رشد میکند. وقتی بیشتر به طرف راست رفتیم، چپ هم رشد میکند.

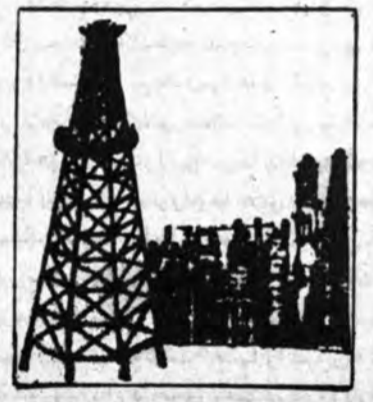
اقتصاد اسلامی مقاله نقدی بر مالیات:

اگر ارزش سرمایه در رابطه با تولید و مستغلات و تجارت و خدمات ملحوظ گردد و مدیریتی تا سرحد توان نشان تقویت شوند و ارزش سرمایه نرخ گذاری گردد و همچون حداقل حقوق کارگر مشخص شود (سرمایه بکار متراکم) و ما از دیر آرایش جدولی که روند سرمایه گذاری را ایجاد میکند تعیین نمایند میتوان تا ۹۹٪ نیز مالیات تعیین نمود.

راه معاهد: هم اکنون در نظام آمریکا برای سرمایه ها حتی تا ۹۹٪ مالیات تعیین کرده اند، منتهی خوبی مبینیم که این گونه ملاکها نه تنها مانع اندوختن سرمایه

کا رتلها و نفی ظلم و استثمار که از جا معه آمریکا و جا معه جهانی میکنند، نشده بلکه بسیاری با همین ۱٪ ها میلیاردی آمریکا هستند و هر روز بر قدرت و حاکمیتشان افزوده میشود.

از صاحب نظران دلسوز اقتصادی انتظار میرود که در دستیابی به اقتصاد اسلامی پا را از حد اینگونه ملاکها فراتر نراند و از قرآن و جا معه ام زمانی به ملاکهای حقیقی اقتصاد اسلامی دست یابند تا در ادامه نهضت اسلامی "آزادی قدس از طریق کربلا" توان همراهی داشته باشند.



اخباری پیرامون نفت

عربستان به تازگی دست بفروش نفت و انعقاد قراردادهای بزرگی زده که مبنای قیمت فروش نفت در آن، قیمت فیزا آورده در کشور مصرف کننده است یعنی تا بحال قیمت بنزین و گازوئیل و روغنی که در کشورهای مصرف کننده عرضه میشده تابع قیمت نفت بود ولی بر اساس این قراردادها، این مصرف کنندگان هستند که قیمت نفت را

تعیین میکنند. بدین ترتیب که اول تعیین میکنند فرآورده باید به چه قیمتی بدست مصرف کنندگان برسد و از روی آن میروند که پس نفت را باید به چه قیمتی بخریم.

جریانی معتقد است که باید فروش نفت را به هر مقدار که میشود با لایبریم تا در آمد بیشتری حاصل ما شود. اگر این فکر تحقق یابد، نتایج زیر را بدنبال خواهد داشت:

بطور مثال ما از بالا رفتن سقف تولید روزی ۵۰۰۰۰۰ بشکه بهره میبریم ولی در عوض بهای هر بشکه از ۲۵ الی ۲۷ دلار به ۱۸ دلار سقوط میکند. یعنی در اثر بالا رفتن تولید ۹ میلیون دلار سود میبریم ولی در اثر پایین آمدن قیمت ۲۰ میلیون دلار ضرر میکنیم و این حساب ساده است ولی علی رغم اینها، این جریان بر بالا بردن تولید اصرار دارد، ولطیفه ای که به وجهه انقلاب بعنوان ارزان فروختن وارد میشود بسیار زیسا دتراست.

فره پذیروری غرب در بسته شدن تنگه هرمز

رادیو آمریکا: پرسش این است که اگر اثر بسته شدن خلیج یک بحران نفتی همانند سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ بوجود آیند دولتهای غربی تحت چه نوع و تاجه اندازه تحت فشارهای اقتصادی قرار خواهند گرفت؟ رابرت بل گویند کارشناس انرژی موسسه سلطنتی در موربین المللی لندن میگوید: اگر خریداران نفت به رعایت انضباط و سهمیه بندی های تعیین شده از سوی سازمان بین المللی انرژی بپردازند دلیلی برای بروز یک بحران نفتی دیگر وجود نخواهد داشت، اما میزان نفت ذخیره و میزان خویشتن داری مصرف کنندگان بر اثر گذشت زمان کاستی می گیرد. با توجه به این مخاطرات بزرگ است که ضرورت فیصله مسالمت آمیز این جنگ بیش از پیش نمایان میشود.

افزایش بهای نفت و انقلاب اسلامی

رادیو آمریکا مهرماه ۶۴ کاهش نفت ایران در زمان انقلاب اسلامی معادل فقط یک درصد مصرف نفت جهان در سال ۱۹۷۸ بود و نمیتوانست خود بخود و سرعت سبب بهای نفت در جهان شود. قیمت نفت قبل از انقلاب ایران حدود ۱۴ دلار بود و در بحبوحه انقلاب و بعد از آن به ۴۰ دلار رسید. اما طبق بررسی که کردیم این افزایش مصنوعی بود و باعث آن بحران سیاسی ایران نبود. در همان زمان نفت انگلیس به بازارهای جهانی آمد و ۲ میلیون بشکه بود، نفت مکزیک حدود ۲ میلیون بشکه آمد، چین به صادرات نمودن ۲ میلیون بشکه اقدام کرد و در حقیقت کاهش نفت ایران اقلی سه برابر از این طریق جبران شد. بنا بر این کاهش نفت ایران نمیتوانست بحران قیمتی بوجود آورد و در ۱۴ دلار راه به دلار رساند.

باید بررسی کنیم که چه کسانی از افزایش بهای نفت سود بردند؟ کسانی که بهره بردند در مرحله اول کشورهای تولید کننده نفت

یعنی آنها شیکه در او یک بودند موقتا بهره زیادی بردند. مرحله دوم کشورهای تولید کننده نفت غیراویک مثل انگلستان و آمریکا و مکزیک و... نفت دریای شمال انگلیس در آن موقع آماده بهره برداری بود و لی اگر میخواستند این نفت را استخراج کنند هر بشکه ۱۸ دلار هزینه داشت در حالیکه هر بشکه نفت قبل از انقلاب ۱۴ دلار بود بنا بر این از این نفت بهره برداری نمیشد مگر آنکه قیمت آن با لایبرفت آمریکا هم در خلیج مکزیک و در آلاسکا به منابع بسیار عظیم نفتی رسیده بود.

شرکتهای نفتی با بالا رفتن قیمت نفت بیشترین سود را بردند. شرکتهای نفتی که به هفت خاوران مشهورند فروش اینها قبل از انقلاب به ۲۵۰ میلیون دلار میرسید که پس از انقلاب به ۶۱۰ میلیون دلار رسید. سودی که دولتها از بحران نفت بردند: مالیاتی که دولتهای غربی از نفت و بنزین از مصرف کننده داخلی میگرفتند طبیعتا "بیشتر از زمانی بود که بهای نفت پایین بود. مثلا در آمریکا قیمت نفت که در

ریشه های جنگ طرابلس لبنان

کپهان ۶۴/۷/۹ الف- احزابی که در حومه شهر طرابلس متمرکزند. این احزاب عموما "چپگرا و طرفدار خط مشی سوریه میباشد که عبارتند از: ۱- حزب دمکراتیک عرب که شبه نظامیان آن از علویان ساکن شمال لبنان هستند ۲- حزب کمونیست لبنان ۳- حزب ناسیونال سوسیالیست سوریه ۴- سازمان بعث لبنان طرفدار سوریه در مقابل، رزمندگان جنبش توحید اسلامی به رهبری شیخ سعید شعبان شهر طرابلس را تحت کنترل خود قرار داده و مقاومت و دفاع بر خاستند. ضمنا "در سال ۱۹۸۲ که عرفات و هوادارانش بدنبال محاصره نیروهای سوریه و انشعاب بیون فتح و سایر سازمانهای فلسطینی مخالف عرفات محبوسه ترک طرابلس گردیدند تمامی سلاحهای آنان در اختیار جنبش توحید اسلامی قرار گرفت به همین دلیل احزاب و جناحهای طرفدار سوریه جنبش توحید را تحت دست عرفات میدانند.

خلاصه ای از مواضع حزب بعث لبنان اتحاد سوسیالیست عرب و حزب کمونیست لبنان

۱- راه حل نظامی (علیه اسرائیل) بدترین نوع راه حل است. گزینش ممکن است در آینده جبارا "به این شیوه بگراییم

اخبار منطقه لبنان و فلسطین

- ۲- اتحاد حول محور عربیت یا احزاب و گروههای دیگر و تشکیل جبهه متحد عربی به عنوان گام اول حرکت.
- ۳- تأکید مواضع سیاسی جنبش امتل و رابطه با سوریه.
- ۴- انتقاد به مبارزه سیاسی عرفات (علیرغم اینکه خودشان به مبارزه سیاسی معتقدند)
- ۵- عملیات نظامی علیه فلسطینیها.

سوریه و درگیریهای لبنان
ایرار ۶۴/۷/۱۶
عبداللطیم خدام: سوریه در صدد بستن کلی پرونده حوادث لبنان میباشد

ایرار ۶۴/۷/۱۶
تیبیه بری طی یک کنفرانس مطبوعاتی ضمن متهم ساختن فالانها به وقت گذرانی در نشستهای دمشق گفت: این نشستها آخرین فرصت برای آنهاست تا با اتخاذ موضع روشن در قبال اسرائیل ثابت کنند راه حل پوری را پذیرفته اند.

پیام ایت الله منتظری به علمای لبنان و سوریه در مورد درگیریهای طرابلس

ایرار ۶۴/۷/۹
آنها نیروهای مهاجم به شهر طرابلس در فکرنجات لبنان مظلوم از شر اسرائیل هستند، باغذای ناکرده میخواهند آتش جنگ داخلی را در لبنان بتفیع اسرائیل برای همیشه برافروخته نگاهدارند. بجای چگونه تردیدی نیست که این سیاست جز ریسر منافع استعماری آمریکا و ضعیف کردن

با جنگ و دندانمان اشغالگران اسرائیلی را بیرون خواهیم کرد

د روزندگان لبنانی



تهلیسم (پوچ گراسی) کنونی یک جمهوری اسلامی را در لبنان میسازد. امریکای اسرائیل با ایداز تخم گذاری چنین کرکسی در لبنان جلوگیری کند. تا مثل ایران نشود که این امرحک میان اسرائیل و همسایگان عربش را گسترش خواهد داد. دوتهدیدی است برای کشورهای میانه روعرب چون اردن.

بازسازی لبنان بعد از خودلبنانیها است. زیرا آمریکا فیما و بدنبال آنها فرانکسویا و اسرائیلیها و سوریه را در انجیام این ما موریت شکست خورده اند.

حق فلسطینها در لبنان است که در صحنه ای که بوسیله زمانهای اطلاعاتی و جاسوسی جهان اداره می شود از خود دفاع نمایند.

سیاستهای آمریکا و شیعیان میان رویای لبنان یک سلسله ندانم کاریهای شیعیان میان روم و موضع لبنان را به ضعف کشانده است. آنها از لبنان قدرت اقتصادی وسیع می خواهند و رغبتی به حکومت متکی بر پیچیدگی گراسی مذهبی ایران ندارند.

ریگان فرصت سال ۱۹۸۳ را در بهره گیری از شیعیان میان روم از دست داد و نتوانست امین جمیل را به عقد قرارداد با نیبیری وادار سازد.

واشنگتن - حزب الله - نیبیری - امل

اکنون دولت آمریکا از یک سو باید موفقیت حزب اللهی های لبنان را تضعیف کند و در همان حال تقویت نیبیری و دیگر رهبران میانه روی شیعه بشتابد.

واشنگتن باید کمکیهای پنهانی در اختیار شاخه اصلی جنبش امل قرار دهد. حتی اگر چشم کنگره را پرا نکیزد. و موازات این اقدام با پذیرش مسیحیان و مسلمانان لبنان را برای تقسیم عادلانه قدرت پس شیعیان تحملاً قرار دهد.

آمریکا باید از طرح صلح اسرائیل برای قرارداد صلح جداگانه با رهبران جنبش امل در جنوب لبنان جا شیکه حزب الله موضع نیرومندی ندارد پشتیبانی کند.

ریشه یابی لبنان در ایران

پرداختن به مسائل لبنان بدون توجه به ریشه های آن در ایران و سوریه امری غیر ممکن است. گرچه آمریکا و سوریه بر سر بسیاری از مسائل خفا و رمیان توافق ندارند اما بنیادگراسی اسلامی مسئله نگران کننده ای برای سوریه است که دوستان روسی سوریه نیز از این امر بد خوشی ندارند.

واشنگتن و دمشق

آمریکا باید بر مبنای همکاری که موجب نجات جان ۳۹ مسافر هواپیمای تی دبلیو ای آمریکا شد حافظ اسد را به برجیدن پایگاههای حزب الله و سازمان اسلامی و دیگر سازمانهای مشابه از سوریه و در دره بقاع تشویق کند.

جنگ اسلام و کفر و مشق

هرچند که دامنه مانوردهی حافظ اسد به خاطر پیوندش با ایران بر علیه عراق محدود است. لکن اقدام سوریه در دره بقاع بر عملیات نظامی که از سوی آمریکا شکل بگیرد از جهت ارحمیت دارد.

از نیروی رویا رویی و مقاومت در برابر دشمن را تشکیل دهند. در رابطه با سلاح موجود در اردوگاهها باید بگویم که حقوق فلسطینیها و یارانسان دیگر در لبنان است که در صحنه ای که بوسیله جاسوسان و مزدوران و سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی جهان اداره میشود از خود دفاع نمایند.

دستهای مرموز و زور بودن دیپلماتهای شوروی

ابزار ۶۴/۷/۱۸
سید ابراهیم الامین یکی از روحانیون حزب الله لبنان طی اظهاراتی در رابطه با ربوده شدن دیپلماتهای شوروی در لبنان گفت: احتمالاً دستهای مشکوکی در پشت حریف بودن دیپلماتهای شوروی در لبنان قرار دارند که ضمن اقدام به این عمل سعی می کنند آبراه طرهای اسلامی نسبت دهند.

و همچنین بر اهتمام حزب الله نسبت به هماهنگی با کلیه نیروهای که با اسرائیل و آمریکا مبارزه میکنند تاکید کرد.

اطلاعات هفتگی شماره ۲۲۵۵
جان والکات مفسر دیپلماتیک محله امریکایی نیویورک:

تروریسم و نسل لبنان

مبارزه با تروریسم مثل مبارزه با مالاریا است. که باید محل زیست مالاریا را نیز خشکاند. در ویرانه های شهرهای لبنان نسل جدیدی که چیزی جز قتل و کشتار نمی شناسند وجود می آیند. که با نفرت از تمامی مظاهر غرب تربیت شده و در سن رشد مسلسل کلاشینکف بدست میگیرد.

جمهوری نیبلیسم لبنان و جمهوری اسلامی

با انجام هرگونه حمله حساب شده جمهوری

این کشور دست به قتل عام و جنایتها و وحشتناکی در طرابلس زده اند.

در شرایطی که دشمن صهیونیستی هر روز کشورهای عربی از آن جمله سوریه را تحقیر کرده به اشغال سرزمینهای عربی ادامه میدهد. در آنجا مستعمرات ایجا دینما بند بعنوان بزرگترین دشمن و خطر موجودیت کل اعراب را تهدید میکند. باعث تعجب و تاسف است که دولتی چون سوریه که ادعای مبارزه علیه اسرائیل را دارد اینگونه دست خود را به خون مردم مقاوم و مسلمان لبنان آلوده نماید.

کیهان ۶۴/۷/۲۷
ترجمه مجامع محله العالم چاپ لندن
با ابراهیم امین مخنگوی حزب الله لبنان

درگیری های بیروت

درگیریهای بیروت دستاوردهای ما را در زمینه وحدت سیاسی شیعه و اهل سنت در رویا رویی با دشمن مورد هدف قرار داد. لذا منظور از کوبیدن اردوگاهها مشوه ساختن شهر شیعیان لبنان و هدف ناپدید کردن دستاوردهای چشمگیر آن در جنوب لبنان میباشد. مواضع انقلاب اسلامی ایران در این شرایط را به حالت سابق خود با زگردانید

خلع سلاح

اما در خصوص موضوع اسلحه فلسطینی ها؛ باید با فلسطینی ها بعنوان یک ملت مانع دیگر مجموعه های انسانی موجود در لبنان رفتار شود تا در یک سطح فکری و سیاسی قرار بگیریم. بعلاوه حق فلسطینیهاست که بخشی

نخواهد بود. دولت های اسلامی عرب که تا کنون در برابر سیاستهای استعماری آمریکا در منطقه ایستاده اند با ایدرا ضی نشوند در چنین شرایطی از آنان سو استفاده شود و عناصر مرموز فاسد و شیاطین وابسته به شرق و غرب پای آنها را در قتل و غارت یک شهر مسلمان بشین و مقاومت در برابر صهیونیسم به میان بکشند.

ابراز ۶۴/۷/۱۲

مفاد موافقت نامه ۹ ماده ای میان متغاصمین در لبنان با نظارت ایران و سوریه
۱- ایحادیک اطلاع عملیاتی به فرماندهی فرمانده نیروهای سوریه در شمال لبنان و عضویت فرمانده و اندامر مرئی طرابلس و یک افسر از سوی نخست وزیر لبنان جهت برقراری امنیت طرابلس.

۲- برقراری آتش بس در تمام نقاط شهر
۳- منع حمل و نقل هرگونه سلاح و
مما در آن در صورت مشاهده.

۴- تحویل سلاحهای ضبط شده به نیروهای سوریه

۵- آزادی فعالیت سیاسی برای کلیه گروههای طرف این موافقت نامه در طرابلس راه مجاهد خلق سلاح نیروهای مبارز در لبنان خط دستهای مرموز است و بر همان تصور که آیت الله منتظری نیز فرمودند همه نیروها باید که در لبنان علیه اسرائیل مبارزه میکنند. باید مسلح باشند

ابراز ۶۴/۷/۱۰

سخنان آقای دری نجف آبادی در رابطه با لبنان در مجلس شورای اسلامی:
متأسفانه این روزها توطئه ای علیه مسلمین در لبنان در جریان است و گروههای طرفدار سوریه با حمایت نیروهای نظامی

پیرامون تظاهرات مسلمانان آفریقای جنوبی

و اصل سیاست خارجی ما

پی برده و با آن وره برایش پیوند خورده اند.

ثانیا: مهمترین آن اینکه چون انقلاب برخط اصل خود استوار ایستاده و علیرغم همه فشارهای داخلی و خارجی اصرار و پافشاری برتداوم و استمرار مواضع بحق خود دارد.

ثالثا: این اصرار و پافشاری در خط مشی های مرحله ای و دراز مدت و حتی در تاکتیکی محقق شده و به گوش جهانیان رسیده لذا است که انقلاب مواجش صادر گشته و دلایلی نیازمند است و مستضعفین و به تبع آن افکار عمومی جهان و به دنبالش اراده ابرقدرتها را تسخیر و تابع خود نموده و خواهند نمود.

لذا آنچه از گفتار فوق نتیجه میشود اینست که اساس دیپلماسی انقلابی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید بر محورهای زیر متکی باشد:

۱- هدف ما صدور انقلاب است.
۲- راه صدور انقلاب مقاومت عادلانه انقلابی بر اصول و مواضع بحق انقلاب و کوتاه نیامدن بر سر آن است.
۳- راه گسترش صدور و حفظ موقعیت انقلاب پیوند با مستضعفینی است که خود با انقلاب پیوند خورده و وظیفه محافظت این پیوند است.

۴- آنچه تبلیغات و توطئه های ابرقدرتها را خنثی میکند شرکت در تریبونهای بین المللی و سعی در جذب افکار عمومی جهانیان و ابرقدرتها و همچنین تکیه بر تضادهای درونی امپریالیسم نیست بلکه تسخیر قلوب راه فرج است که وقتی چنین باشد خود مستضعفین آنها تبلیغات را علیه ما خنثی خواهند کرد.

۵- تذکر این نکته لازم است که رجوعی بحای تکیه بر مردم ایران و پیوند با مستضعفین و جذب قلوب آنها به پیوند با جناحهای ابرقدرتها و جذب افکار عمومی غرب و آوردن منحرف شد فاعتبروا یا اولی الامر

در طی خبرهای اخیر شاهدیم که تظاهرات مسلمانان آفریقای جنوبی و در ضمن آن دادن شعار جهت برپائی حکومت اسلامی و حتی نقل جمله ای از امام خمینی در روی یک پلاکارد بودیم. همچنین در مرشد هدیرپائی تظاهرات علیه مبارک بودیم که مسلمانان در مقابل سفارت اسرائیل خواستار اخراج سفیر اسرائیل از مخرج شدند. در این بین اولین سوالی که به ذهن انسان میرسد این است که چگونه است که مردم کشورهای چون آفریقای جنوبی و مصر که بلحاظ جغرافیائی فرسنگها از ایران فاصله دارند و در حالیکه ما تلاشی برای خبریاندن از انقلاب برای آنها نکرده ایم و همچنین ایران سفارتی در آنجا ندارد این چنین جذب انقلاب اسلامی شده و رهبری امام را پذیرفته اند.

آنهاست که راه خروج از انزوای اجذاب افکار عمومی مردم جهان (به تسخیر قلوب) از طریق تبلیغات سیاسی جهانی و شرکت فعال در مجمع بین المللی میدانند با این حرکت راه معلول تر خود میدارند؟

انقلاب ایران چه کرده که این چنین پایگاه پیدا نموده است در پاسخ این سئوال محورهای زیر را مورد بررسی قرار میدهم آنچه که رابطه یک انقلاب اصل با مستضعفین تحت ستم را تشکیل میدهد:
الف: حرکت اصولی انقلاب و مقاومت بر سر این اصول از یک طرف
ب: نیازمندی و عطش مستضعفین برای پیوند خوردن با جنبش انقلابی و راهائی از طاغوتها میباشد.
اگر بر اساس دو محور فوق به تحلیل برخیزیم خواهیم دید که:
اولاً: این مانع بوده ایم که به مستضعفین خبر از انقلاب اسلامی و شکستن بت سلطنت و فتح لانه جاسوسی (زیر پا گذاشتن شیطان بزرگ) و ۵ سال مقاومت عادلانه بدهیم، بلکه این مستضعفین نیازمند بوده اند که از لایبای خبرهای غیر گزارشها و از فیلترها نسور و اختناق ابرقدرتها به حقایق انقلاب اسلامی



جدول عملیات نظامی چریکیهای فلسطینی در سرزمینهای اشغالی طی ۷۸ روز

منبع	تلفات دشمن	سلاح عملیات	نوع عملیات	منطقه عملیات	تاریخ
رادیبوی دشمن	اعلام نشده	نارنجک	بورش	بورش	۶۴/۴/۱۰
منابع نظامی فلسطین	زخمی شدن عده‌ای	"	بورش به گشتی پیاده	اردوگاه جبالیا - غزه	۶۴/۴/۱۱
رادیبوی دشمن	اعلام نشده	"	بورش به خودروی دشمن	اردوگاه مصیرات - غزه	۶۴/۴/۱۱
سخنگوی نظامی فلسطین	غیر معلوم	"	"	حاده اردوگاه نصیوات	۶۴/۴/۱۳
	آتشسوزی در بازار در بازار	بمب	انفجار	تل آویو - بازار مرکزی رکرم	۶۴/۴/۱۳
رادیبوی دشمن	غیر معلوم	نارنجک و بمب	بورش به گشتی دشمن	حاده کشاروزی عامر - غزه	۶۴/۴/۱۳
	زیان دین یک خودرو	بمب	انفجار	کوچ نشین نسانیت - غزه	۶۴/۴/۱۵
	غیر معلوم	نارنجک	بورش به خودروی دشمن	رفح	۶۴/۴/۱۵
	اعلام نشده	بمب آتشزا	بورش به خودروی نظامی	خان یونس	۶۴/۴/۱۶
روزنامه حداثوت	"	مولوتف	بورش	مدرسه کوچ نشینان در نابلس	۶۴/۴/۱۶
رادیبوی دشمن	عثر کشته و زخمی	بمب ساعتی	انفجار	حولین ایستگاه اتوبوس سربازان	۶۴/۴/۱۶
"	زخمی شدن عده‌ای	"	"	بیت تکفا - ایستگاه سربازان	۶۴/۴/۱۶
سخنگوی نظامی دشمن	اعلام نشده	بمب آتشزا	بورش	جنین مقر فرماندها نظامی	۶۴/۴/۱۸
"	"	نارنجک	بورش به گشتی دشمن	الخلیل	۶۴/۴/۱۸
"	"	بمب ساعتی	انفجار	حیفا، دادگاه مرکزی	۶۴/۴/۱۹
"	انهدام ۷ خودرو	"	"	شهر الخضره	۶۴/۴/۲۰
"	اعلام نشده	"	"	شهر عسقلان	۶۴/۴/۲۰
"	"	بمب (کشف شد)	"	تل آویو	۶۴/۴/۲۰
"	"	بمب انفجاری	"	بفرا اسبج - مرکز پلیس	۶۴/۴/۲۰
رادیبوی دشمن	زخمی شدن سرنشینان	بمب آتشزا	بورش به خودروی نظامی	خان یونس - غزه	۶۴/۴/۲۰
"	اعلام نشده	"	بورش به گشتی	اردوگاه جبالیا - غزه	۶۴/۴/۲۰
"	"	"	بورش به گشتی پیاده	الشاطی - غزه	۶۴/۴/۲۰
سخنگوی نظامی دشمن	شناخته نشده	مسلسل	بورش به گشتی	کوچ نشین بیت یتیم قدس	۶۴/۴/۲۰
"	اعلام نشده	بمب آتشزا	بورش به اداره نظامی	رفح - غزه	۶۴/۴/۲۳
"	اعلام نشده	نارنجک	بورش به خودروی نظامی	اردوگاه خان یونس غزه	۶۴/۴/۲۳
"	اعلام نشده	مسلسل	بورش به خودروی نظامی	مزرعه یوتفال ابورمضان غزه	۶۴/۴/۲۵
"	"	نارنجک	بورش به خودروی نظامی	شهرک بنی سهیله - غزه	۶۴/۴/۲۵
"	"	کوکتل مولوتف	"	حاده عمیریه - اریحا	۶۴/۴/۲۵
"	"	"	بورش به مرکز پلیس	شهرک طوباس	۶۴/۴/۲۶
"	"	بمب انفجاری	انفجار	حیفا - شرکت دریایی تسیم	۶۴/۴/۲۶
"	"	نارنجک	بورش	کوچ نشین رمات یوحنا	۶۴/۴/۲۷
رادیبودشمن	زخمی شدن ۵ صهیونیست	اسلحه سرد	بورش با اسلحه سرد	خیابان یافا - قدس	۶۴/۴/۲۸
"	"	بمب (کشف شد)	انفجار	اریحا - بل وادکا القلط	۶۴/۴/۲۹
"	زیان دیدن خودرو	مسلسل	بورش به خودروی نظامی	کوچ نشین کرمل - الخلیل	۶۴/۴/۲۹
رادیبوی دشمن	بوسفالیای هولیفا المکیس	بمب آتشزا	انهدام انقلابی کوچ نشینان	عفوله	۶۴/۴/۳۰
"	اعلام نشده	کوکتل مولوتف	بورش به گشتی پیاده	اردوگاه جبالیا - غزه	۶۴/۴/۳۰
"	"	"	بورش به خودروی دشمن	کوی شجاعیه - غزه	۶۴/۵/۱
"	"	بمب انفجاری	انفجار	کوی ابوطور - قدس	۶۴/۵/۲
"	اعلام نشده	"	بورش	عمیریه - قدس	۶۴/۵/۳
"	یک نفر زخمی	خنجر	ضربه خنجر به سرباز	افوله - حاده مجدو	۶۴/۵/۳
"	زخمی شدن مکتفر	بمب آتشزا	بورش به اتوبوس نظامی	اردوگاه جلزون	۶۴/۵/۴
روزنامه هاترس	روزی نیت (سرباز)	کلت	انهدام انقلابی	نزدیک روستای عین جدی	۶۴/۵/۴
رادیبودشمن	اعلام نشده	نارنجک	بورش به گشتی	اردوگاه جبالیا - غزه	۶۴/۵/۵
روزنامه داوار	هلاکت سرباز	اعلام نشده	انهدام انقلابی بکسرباز	"	۶۴/۵/۵
رادیبودشمن	اعلام نشده	نارنجک	بورش	اردوگاه خان یونس - غزه	۶۴/۵/۵
"	"	بمب (کشف شد)	انفجار	حاده شیخ عجلین - غزه	۶۴/۵/۵
"	"	"	"	کوی قطمون - قدس	۶۴/۵/۷
روزنامه هاترس	تخریب پناهگاه کوچ نشین	"	"	کوچ نشین رعنا	۶۴/۵/۷
رادیبوی دشمن	اعلام نشده	نارنجک	بورش	شرق روستای عسان - غزه	۶۴/۵/۷
"	"	"	"	شرق حاده جبالیا - غزه	۶۴/۵/۷
سخنگوی نظامی دشمن	هلاکت (البرت بوخریس)	کلت	انهدام انقلابی یک مسئول دشمن	مرکزی شهر نابلس	۶۴/۵/۸
رادیبوی دشمن	اعلام نشده	کوکتل مولوتف	بورش	شهرک بنی سهیله - غزه	۶۴/۵/۸
"	"	بمب (کشف شد)	انفجار	قدس شریف	۶۴/۵/۹
"	زیانهای صفت مالی	بمب انفجاری	"	کوچ نشین بیت تکفا	۶۴/۵/۹
سخنگوی نظامی دشمن	اعلام نشده	مسلسل	بورش به خودروی نظامی	کوچ نشین رمات بیت شمرجین	۶۴/۵/۱۰
"	انهدام خودرو کشته و زخمی شدن سرنشینان	نارنجک	"	حاده شرقی غزه	۶۴/۵/۱۱
"	زخمی شدن سرباز	بمبهای آتشزا	بورش	اردوگاه عین بیت المانابلس	۶۴/۵/۱۲
رادیبوی دشمن	اعلام نشده	"	"	عمیریه - قدس	۶۴/۵/۱۲
"	"	بمب (کشف شد)	انفجار	خضره	۶۴/۵/۱۲
"	زخمی شدن ۴ صهیونیست	انهدام انفجاری	"	بورین - نابلس	۶۴/۵/۱۵

وحشت امپریالیسم از منظره‌ای شدن انقلاب

کیهان ۶۴/۷/۲۳
وال استریت ژورنال: در حرکت بعدی آمریکا با نیروی قوی بنیادگرایان مسلماً که در تمامی کشورهای عربی گسترده‌اند روبرو خواهد بود. و بسیار بعید است که بتواند بالهای شیعیان تندزوراکه در کشورهای ترورخیزخا و رومیانه چنان آمریکا فیان را در سالهای اخیر بخاطر نداشتن، قیچی کند.

حکومت اسلامی در لبنان قابل تحقق است؟

رسالت ۶۴/۶/۱۴
تنها راه نجات و استقلال لبنان استقرار حکومت صدرمد اسلامی است.
راه مجاهد: با در نظر گرفتن این نکته که کشور ما یکدست مسلمان و اکثراً شیعه بوده و افت و خیزها و اختلافهای فرقه‌ای مذهبی لبنان رواندارد، سالها طول کشید تا توانستیم جمهوری اسلامی تشکیل دهیم. امام خمینی با راه گفته اند که ما جمهوری اسلامی داریم و هنوز به حکومت اسلامی نرسیده ایم.
در شرایط کنونی با وجود تضادها و پیچیدگیهای بسیار در نهضت اسلامی لبنان شعارتشکیل حکومت "صدرمد اسلامی" شعاری غیر قابل تحقق و تفرقه انگیز است. شیخ فضل الله که خود در متن تضادهای لبنان است معتقد است که شعرا اصولی مرحله کنونی به انقلاب لبنان تشکیل "حکومت اسلامی" نیست.

رسالت ۶۴/۶/۱۴
اگر سالها مبارزه فلسطینیها نتیجه چشمگیری نداشت تنها علت دوری رهبری آن از اسلام و اسلامی نبودن مبارزات آنها بود. در چند سال اخیر در اوج اقتدار و تجا و زوسیع صهیونیسم، نیروهای مسلمان در لبنان که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مبارزات خود را اسلامی کردند، بزرگترین موفقیتها در کوتاهترین زمان حاصل شد.

۱- بقول مرحوم آیت الله طالقانی در هر جای دنیا حرکتی علیه ظلم باشد، حرکتی اسلامی است. بدون تردید مبارزات چابکگان فلسطینی با اصلی تربیت دشمنان خدا یعنی امپریالیسم و صهیونیسم جوهره‌ای اسلامی و مکتبی دارد چرا که با هیچ مکتبی بجز اسلام، چنین مبارزه ای قهرآمیز و دراز مدت قابل تبیین نیست.

۲- باید توجه داشت پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک پیروزی خلق الباعه نبوده است انقلاب ما با گذراندن مراحل دشوار و طولانی توانست به پیروزی برسد همچنین مردم لبنان با طی کردن مراحل دشوار و استقامت از دستاوردهای قبلی خود و ایران و فلسطین به پیروزی در این مقطع نائل آمدند. بنابراین کوتاهی زمان را نمیتوان دلیل اسلامی بودن دانست.

چرا فلسطینی ها را پناه ندهیم؟
سوالی که اکنون برای بسیاری در رابطه با فلسطین در جامعه مطرح است این است که: چرا نباید به فلسطینی هایی که سرزمین دارند و پناه خانه‌ای، یک اردوگاه برای دلخوشی در ایران داشته باشند در صورتی که افغانی ها که خاک آنها هم کاملاً بقیه در صفحه ۲۷

بقیه از صفحه ۲۶
اشغال نشده، این امکان در اختیارشان گذاشته شده است با توجه به اینکه آیت... منتظری پیشنهاد دانشگاه قدس را دادند میتوانیم با آنها در این زمینه کارهای فرهنگی و ایدئولوژیکی کرده و در جهت پیوند بیشتر انقلاب ایران - فلسطین گام برداریم که این امر آنها را از انحراف نیز باز میدارد.

توطئه اسرائیل علیه فراگیر شدن مبارزه مسلحانه
پس از زیاد شدن عملیات ایشاری در مناطق اشغالی توسط اسرائیل، فرماندهی اسرائیل حرکت اتومبیل با کمتر از ۲ نفر سرنشین را ممنوع کرد ولی در چند مورد ۲ نفری و حتی یکبار ۵ نفری، با اتومبیل پر از مواد منفجره به ستون های نظامی حمله کردند. در نتیجه حرکت اتومبیلها تنها به صورت خانوادگی اعلام شد و لاغیرولی بازم همراه با خانواده دست به عملیات زدند، حتی یکبار خانمی با بچه ۶ ماهه در کالسکه به ستون نظامی حمله کرد (زیر تشک بچه را در کالسکه پر از مواد منفجره کرده بود) که اخبار هیچیک از آنها به ایران نیامد.
این حرکتها نمایانگر این است که مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل بصورت توده ای و مردمی در آمده و فراگیر شده. هر روز گسترش بیشتری میابد در نتیجه اسرائیل دست به توطئه اختلاف انداختن میان فلسطینیها و شیعه زده است.

اعترافات دشمن
خبرگزاری وفا ۶۴/۸/۱۶
بدنبال کسترش عملیات چریکهای فلسطینی در مین اشغال شده، وزیر جنگ دشمن اعلام نمود که اسرائیل تمامی نیروی خود را برای مقابله با این فعالیتها بسیج نموده که فرسایش حقیقی اسرائیل را آغاز کرده است و از جنگ اسرائیل بمنظور مقابله با مبارزات فدائیان بعنوان مهمترین عمل اسرائیل یاد کرد. وی افزود که حضور سا زمان آزادیبخش فلسطین، در سرزمین اشغال شده در حال حاضر بسیار خطرناکتر از آنچه که در بیروت و دمشق بوده اند و حضور کثونی آنها به عملیات مسلحانه سازماندهی برتری را بخشیده است.

خبرگزاری وفا ۶۴/۸/۲
حییم بارلوزوزیر شهربانی صهیونیستی گفت:
اسرائیل در برابر پدیده ای قرار گرفته است که از لحاظ نوع و کیفیت عملیات مسلحانه ای که در حال افزایش و گسترش در مناطق اشغال شده میباشد تاکنون همانند نداشته است.
یکی از سربازان صهیونیست که در نوار غزه خدمت میکند میگوید:
آنها از کوجه های اردوگاهها و خیابانهای شهرها و از میان شاخه های درختان بیرون میآیند و با سرعت برق بر سر ما فرود میآیند و پس از آنکه ما را در و کردند... با ورزش با دنا پدید میشوند.

طبق اعتراف دشمن میتوان در خلال ۷۸ روز ۱۱۶ عملیات نظامی را که ۴۴ تانک آنها در باریکه غزه و ۳۱ عملیات در کرانه باختری و ۲۷ عملیات در فلسطین اشغال شده از سال ۱۹۴۸ اجرا کردید و به ثبت رساند. در این میان شهر قدس شاهد ۱۴ عملیات بود.

منبع	تلفات دشمن	سلاح عملیات	نوع عملیات	منطقه عملیات	تاریخ
رادبوی دشمن	آتش گرفتن خودرو	بمب بنزینی	آتش زدن خودرو	اردوگاه قلیدیا - رام الله	۶۴/۵/۱۵
"	اعلام نشده	بمبهای آتشزا	یورش به مقر نظامی	اردوگاه بلاطه - نابلس	۶۴/۵/۱۵
"	زخمی شدن ما شیر یوحنا	کلت	اعدام انقلابی یک کوچ	شهرک بنی سهیل - غزه	۶۴/۵/۱۷
"	اعلام نشده	بمبهای آتشزا	یورش به خودروی نظامی	طولکرم	۶۴/۵/۱۷
سنگوی نظامی دشمن	زخمی شدن یعقوب ریسر	خنجر	اعدام انقلابی	بازار زارکانی الخلیل	۶۴/۵/۱۹
رادبوی دشمن	اعلام نشده	کوکتل مولو	یورش به خودروی نظامی	جبالیا - غزه	۶۴/۵/۲۰
سنگوی نظامی دشمن	زبان دیدن خودرو	بمبهای آتشزا	"	کوچ نشین گوش قطیف - غزه	۶۴/۵/۲۰
"	بمب (کشف شد)	انفجار	ایستگاه نظامی سربازان غزه	۶۴/۵/۲۱
رادبوی دشمن	انهدام خودرو	نارنجک	یورش به خودروی دشمن	شهرک غزه	۶۴/۵/۲۱
"	آتش گرفتن خودرو	بمبهای آتشزا	یورش	مرکز شهر قلقلیه	۶۴/۵/۲۱
"	زخمی شدن پلیس	خنجر	اعدام یک پلیس	الخلیل	۶۴/۵/۲۱
"	بمب (کشف شد)	انفجار	انس تسیونه - تل آویو	۶۴/۵/۲۴
سنگوی نظامی دشمن	زبان دیدن خودرو	مسلسل	یورش به خودروی گشتی	جاده قلقلیه - حزما	۶۴/۵/۲۴
"	هلاکت مازالی لیبی	کلت	اعدام یک سرباز زن	بزرگراه فرودگاه "لد"	۶۴/۵/۲۵
رادبوی دشمن	اعلام نشده	بمب انفجاری	انفجار	کوچ نشین بیت حجازی الخلیل	۶۴/۵/۲۵
سنگوی نظامی دشمن	امامت از ناحیه سر	کلت	اعدام زن سرباز	کوچ نشین رافات حوتان نقب	۶۴/۵/۲۵
"	زخمی شدن همه افراد	بمبهای آتشزا	یورش به خودروی گشتی	رام الله	۶۴/۵/۲۵
رادبوی دشمن	امامت به شمای از سربازان	نارنجک	یورش به خودروی نظامی	خان یونس - غزه	۶۴/۵/۲۶
"	هلاکت راننده	"	"	کوچ نشین بیت شاریم	۶۴/۵/۲۶
"	تخریب یک مرکز بانکی	بمب انفجاری	انفجار	بیت لثومی - غزه	۶۴/۵/۲۶
سنگوی نظامی فلسطین	زخمی شدن ۲ سرنشین	بمبهای آتشزا	یورش به گشتی	جاده جبالیا - غزه	۶۴/۵/۲۷
سنگوی نظامی دشمن	زخمی شدن ۲ سربازان	بمب انفجاری	انفجار	ایستگاه سربازان ناتانیا	۶۴/۵/۲۷
رادبوی دشمن	اعلام نشده	بمبهای آتشزا	یورش	جاده ماحلی غزه - جبالیا	۶۴/۵/۲۹
سنگوی نظامی فلسطین	کشته و زخمی شدن ۱۵ صهیونیست و انهدام ۱۳ خودرو	بمب انفجاری	انفجار	ایستگاه اتوبوسهای ناتانیا	۶۴/۵/۲۹
رادبوی دشمن	انهدام خودرو و زخمی شدن سرنشینان	نارنجک	یورش	اردوگاه نصیرات - غزه	۶۴/۵/۲۹
"	هلاکت داوید کمیل	کلت	اعدام انقلابی	شمال دریاچه بحرال میت	۶۴/۵/۲۹
"	ربوبن اسحق ملخا	ربودن سرباز ذخیره	۶۴/۵/۲۹
"	بمب (کشف شد)	انفجار	مرکز شهر نابلس	۶۴/۵/۳۱
سنگوی نظامی دشمن	انهدام خودرو	نارنجک	یورش به خودروی نظامی	جاده کشا ورپی غزه	۶۴/۵/۳۱
"	بمب (کشف شد)	انفجار	مجمع شمعیانی عسقلان	۶۴/۶/۱
رادبوی دشمن	بمب (کشف شد)	"	جاده عسقلان - غزه	۶۴/۶/۱
سنگوی نظامی دشمن	هلاکت آندریه علوس	کلت	اعدام یک افسر جاسوسی	شهر طولکرم	۶۴/۶/۲
"	هلاکت ورنیا وفاد	"	اعدام انقلابی	بازار زارکانی حنین	۶۴/۶/۲
رادبوی دشمن	معلول شدن خاخام صهیونیست موشه پراچ	خنجر	"	باب العمود - قدس	۶۴/۶/۷
سنگوی نظامی دشمن	انهدام خودرو و زخمی شدن سرنشین	بمبهای آتشزا	حمله به خودروی کوچ نشین	کوچ نشین گوش قطیف	۶۴/۶/۸
رادبوی دشمن	سوختن خودرو	کوکتل مولو	یورش به خودروی نظامی	عیزریه - قدس	۶۴/۶/۹
سنگوی نظامی دشمن	زخمی شدن ۲ سرباز	نارنجک	یورش به خودروی گشتی	نزدیک مدرسه فالوجا، جبالیا	۶۴/۶/۹
سنگوی پلیس صهیونیست	زخمی شدن پلیس	نارنجک	یورش	تل آویو	۶۴/۶/۹
سنگوی نظامی فلسطین	زخمی شدن ۳ صهیونیست	بمبهای آتشزا	یورش به خودروی گشتی	شرق اردوگاه بریج - غزه	۶۴/۶/۱۰
"	سوختن خودرو و سرنشینان	بمبهای آتشزا	یورش به خودروی گشتی	کوچ نشین نیتسا ریم - غزه	۶۴/۶/۱۰
رادبوی دشمن	"	"	یورش به اتوبوس نظامی	دروازه شهر نابلس	۶۴/۶/۱۰
سنگوی نظامی فلسط	انهدام خودرو و زخمی شدن راننده	"	یورش به خودروی نظامی	بنی سهیل - غزه	۶۴/۶/۱۰
"	سوختن خودرو و سرنشینان	"	"	اردوگاه جبالیا - غزه	۶۴/۶/۱۱
"	ویران شدن ساختمان کشته و زخمی شدن دهها سرباز	بمب کنترل از راه دور	انفجار کنترل از راه دور	ایستگاه نظامی سربازان قدس	۶۴/۶/۱۱
رادبوی دشمن	اعلام نشده	بمبهای آتشزا	یورش	انبارهای کوکا کولامنا تا	۶۴/۶/۱۱
سنگوی نظامی دشمن	هلاکت سربازان ابراهام سوریک	خنجر	اعدام انقلابی	بازار کوی قصه الخلیل	۶۴/۶/۱۲
"	انهدام خودرو	مسلسل	دام گذاری، سپس حمله	کوچ نشین نغیه دیکالیم - غزه	۲۴/۶/۱۲
"	زخمی شدن موشه فیطوسی	خنجر	"	میدان فلسطین - غزه	۶۴/۶/۱۳
"	"	بمبهای آتشزا	یورش به خودروی نظامی	نابلس	۶۴/۶/۱۳
سنگوی نظامی دشمن	زخمی شدن یک صهیونیست	بمب انفجاری	انفجار	بازار ماتان - قدس	۶۴/۶/۱۵
رادبوی دشمن	مین (کشف شد)	انفجار	تل آویو	۶۴/۶/۱۵
"	انهدام یک خودرو	بمبهای آتشزا	یورش به مرکز پلیس	"	۶۴/۶/۱۶
"	اعلام نشده	"	"	بیت لحم	۶۴/۶/۱۶
"	"	"	یورش به خودروی نظامی	بنی سهیل - غزه	۶۴/۶/۱۸
"	"	"	"	رام الله نزدیک بیمارستان دولتی	۶۴/۶/۱۹

با دآوری مهم باید آوری میشود که این جدول فقط عملیاتی را در بردارد که دشمن صهیونیست بدان اعتراف نموده. در حالی که بسیاری از عملیات اعلام شده توسط سنگوی نظامی فلسطین که دشمن به آنها اعتراف نکرده درج نگردیده است.

نوره نوره حتی النصر

سروده: یک شاعر ایرانی

بنیامین مولوینر

آخرین پیام شاعر آفریقای جنوبی: "خونم به خاطر کسانی که باقی می‌مانند ریخته شده است تا می‌رزه‌ها دامه یابند..."

ای معنی بودن، وای رمز استمرار یادت جوخون چاری است در بیکر اعجاز باورنمیدارم، مرگ تو راهی که گریز تو زنده‌ای زنده، تا کل بود باغ

جز مرز بودن نیست، رفتن بدین قاصد جز زندگانی نیست، مردن بدین هجر

در راه آزادی، مردانه جان دادی آخردی بیروز، در پهنه پیکار

فریاد مظلومان بر شد ز نای تو بودی شهاب خشم، در شام ظلمت بار

خورشید آزادی هرگز نمی‌میرد گرناروا خفاش او را کند بر دار

هر چند "بنیامین" نام تو بود، اما در بند چون یوسف دیدی بسی آزار

بای تو را بستند، غولان آدم روی نای تو را خستند، گرگان مردم خوار

اما تو ای انسان آزاده، نستوه رفتی به سوی مرگ با قامتی ستوار

تو دور از این سامان، کردی سنج آزار بگریبان خطه یاران خود در کار

در حبسه‌های نورسا و ازه‌های سرب شعر تو را دارند هر روز و شب تکرار

ترجم شعرت و درجه به ای سران ایق تندر تکبیر، وین غرش رگبار

شعرت و حواید استعد در قترایام نام تو یابنده است در خاطر احرار

دیوار اگر بسته است بگرید ما دشمن روزی فرو ریزد، بی شبهه این دیوار

روزی که می‌روید، از این کویر خشک گلنای دین و داد، چون صفحه گلزار

روزی که میشوید، دست صفا و مهر ز آئینه، حانها با مردمی زنگار

روزی که میتابید، خورشید آزادی بر پهنه، گیتی می‌گشرد انوار

باشد که از مسئولین و شخصیت‌های انقلابی و در خط امام برای سخنرانی دعوت شود تا دانشجویان در فاز مسائل سیاسی باشند و قدرت برخورد با مسائل را هم پیدا کنند. - ثانیاً کارهای بنیادی در رابطه با انقلاب فراموشی در دانشگاه‌ها انجام گیرد تا اثر آن دراز مدت باشد. - ثالثاً محذود بودن دوره دانشگاه و نیز فارغ التحصیل شدن بسیاری از دانشجویان که از کیفیت سیاسی - ایدئولوژیک بالایی برخوردار بوده‌اند (چون کادرسازی در محیط دانشگاه بر خلاف سابق کم صورت می‌گیرد) لذا دانشجویان جدید السورود فرصت استفاده از تجربیات دانشجویان قبلی را نمی‌یابند. - بخصوص با توجه به اینکه خط‌گرفته‌ها هم اکثرًا برای این بوده که پرونده سفیدها و کسانی که هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نداشته‌اند و صرفاً به درس خواندن مشغولند، را در دانشگاه راه بندد

دانشجویان در مقابل این سیر خرنده و منطقی‌های آن از خود مقاومتی نشان ندانند تا کار به حرکت‌های اخیر رسید و عمق توطئه برایشان روشن گردیده وقتی انحلال ستاد انقلاب فرهنگی، انجمن اسلامی و جبهه دانشجویان مطرح گردید سعی کردند جلوی این سیر را بگیرند.

طبعاً این پرونده سفیدها هرچند دانشگاه‌ها حاکم گردیده و به خط امامها و افراد دلسوز و متعهد فرصت طرح مسائل انقلاب را نخواهند داد. اینست که دانشگاه احتیاج به کادرسازی دارد، و کارهای بنیادی لازم دارد. از جمله اینکه روی صحبت‌های امام عموماً روی موارد راجع به انقلاب فرهنگی عمیق کار شود و بصورت آموزش در آید. دیگر اینکه تفسیر حمد امام خمینی و در سبای نهج البلاغه آیه‌الله منتظری بجای معارف اسلامی آموزش داده شود که تبیین کننده استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی هم می‌باشد. شیوه‌های اسلامی و انقلابی امام خمینی نیز از این ایدئولوژی سرچشمه گرفته و درست نیست که ما ایدئولوژی رهبری انقلاب را رها کرده و دنبال تفکراتی امثال سروش و سایرین که نه تنها در انقلاب نقشی نداشته بلکه بعد از انقلاب نقش ترمز هم داشته‌اند. آلوده به افکار یونان و غربی می‌باشد بروی دیگر اینکه دانشجویان با محبوبیتی که نزد امام دارند، از امام بخواهند که درس تفسیر حمدشان را ادامه بدهند که منبع خوبی و اصلی برای آموزش دانشجویان و جوانان ما بوده و حرکتی در جهت استقلال مکتبی هم هست.

در ضمن میتوان دانشجویان راه گروه‌های مختلفی تقسیم نمود و روی رهنمودهای امام آیه‌الله منتظری و در سبای نهج البلاغه ایشان در طول ۶-۵ سال کار کرده مجموعه‌های غنی و عمیقی از فرهنگ انقلاب گرد آورند.

- اسناد لانه جاسوسی مجموعه‌ای است غنی که در بردارنده عمیق‌ترین دانش‌های بد امریالیستی است. گنجاندن اینس مجموعه در مواد درس دانشگاهها ضمن ارتقا دانش ضد امریالیستی دانشجویان بر تحرك و میزان فعالیت سیاسی آنان نیز خواهد افزود.

از جمله حرکت‌های دیگر، ارتباط مستمر با امام آیه‌الله منتظری است که دستجات مختلف بمناسبت‌های گوناگون میتوانند خدمت‌آنان رسیده و رهنمود بگیرند.

امام در پیام تابستان ۶۲ دانشجویان را تشویق به شرکت فعال در انتخابات کرد، و جلوف این سیر خرنده حذف نیروهای دلسوز و مکتبی را گرفتند و بر این اساس دانشگاه تکانی به خود داد و در انتخابات موضعگیری نمود. که منشأ خیرات فراوانی بود و بر جو عمومی جامعه هم تأثیر فراوانی کرد. بدنبال آن در انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها بحث‌هایی در گرفت و در سمینار سراسری دانشجویان مسلمان سراسر کشور که در آبان ۶۲ در پل تکنیک تهران برگزار شد، بطور عمومی با این قضا با برخورد گردید.

نماینده دانشگاه شهید بهشتی نظراتی بهرامون در صف مقدم مبارزه بودن دانشجوی به اعتراف سران انقلاب، رابطه صحیح امت و امامت و رابطه منطقی روحانی و دانشجو بر آن اساس ابراز داشت. که اولین عکس‌العمل‌ها و مقاومت‌ها در برابر خطری بود که موجودیت دانشگاه‌ها را تهدید میکرد. موضعگیری‌های نماینده دانشگاه تربیت معلم نیز در رابطه با

خطوط مشکوک جامعه اسلامی دانشگاهیان بعد بریت‌آقای اسرافیلیان در این رابطه قابل توجه بود. این سیر روه به بیداری با پیام‌های بعدی امام و گرد همائی‌ها و سمینارهای متعدد دانشجویان در آن رابطه‌ها، نقاط امید روشنی بودند که از تحرك و فعالیت سیاسی مجدد دانشگاه‌ها خبر میداد.

در این رابطه مهمترین حرکتی که انجام گرفت، تظاهرات به حمایت از فرمایشات امام در مورد "جنگ تارفع فتنه از عالم" از دانشگاه تاجلوی مجلس شورای اسلامی بود که تأثیر اجتماعی - سیاسی بسزائی در خنثی شدن توطئه‌های صلح طلبانه علیه ستادوم جنگ داشت.

باز گشت مجدد دانشجویان به صحنه سیاست و تحرك اخیر راه فال نیک گرفته و امید داریم در این زمینه با بسیج‌های مستمر در رابطه با مسائل اصلی جامعه چون جنگ مبارزه با بازگشت سرمایه داران فراری مطرح‌هایی برای خودکفائی اقتصادی و مقدمات بریدن از اقتصاد نفتی، این تحرك ادامه یابد.

خوشبختانه دفتر تحکیم وحدت در اطلاع‌آیی که بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید منتشر کرده، نهاد درس خواندن دانشجویان توطئه‌ای خوانده که قصد کنار زدن دانشجویان از تصمیم‌گیری در مسائل حساس را دارد امید است که این هوشیاری ادامه یافته و با موضع‌گیری‌های منطقی، جو سکون و انفعال موجود در دانشگاهها شکسته شود تا ارزش‌های مکتبی و اسلامی در دانشگاهها حاکم گردید.

ملاک و معیار قضاوت قرار گیرد.

پیشنهادات اینک زمینه برخورد دانشجویان با مسائل سیاسی جامعه باز شود بنظر میرسد که امید است مورد استفاده دست اندر کاران واقع شود.

- اولاً جلسات مستمر، هر هفته با هم‌راه

با مقاومت مردم هرور و نشود. با تکفیر تصفیه و ترور سعی در منزوی کردن و خارج نمودن افراد متعهد و انقلابی و دلسوزان صحنه گرد تا جوانان را در چنگال یاس و انفعال گرفتار نماید. هشدارهای مکرر آیه‌الله منتظری از بهمن ۶۱ (دهه فجر سال ۶۱) تاکنون در افشای این توطئه موزرانه و جلوگیری از پیشرفت آن، کام مہمی بود.

دانشگاه نیز از این مہلکه جان سالم در نبرد و عوارض این پدیده اجتماعی بشدت دامن گیر او شد. تجمع و تشکیک‌های دانشجویان تحت عناوین مختلف، پاشانده شد و به ارگانها و نقاط مختلف فرستاده شدند به نحوی که قدرت حرکت و جمع بندی ایشان کاسته شد و اسیر ستم‌ها و روابط شوند. و در هر کجا که بطور فردی بخواهند مقاومت و عکس‌العملی در برابر سیر کودتای خرنده و عناصر مرموز بخرج دهند، شامل تکفیر و تصفیه گردند و نهایتاً اگر جریان قدرتمندی بودند وجه دیگر توطئه یعنی سرورسم به میدان می‌آمد

با اینکه این پدیده خطرناک عوارض اجتماعی روشنی داشت و نتایج آن کاملاً مشخص بود و آیه‌الله منتظری کراراً "خطر آتزانه نیروهای انقلابی، متعهد و دلسوز گوشزد میکردند" دانشجویان در این زمینه به موضعگیری نبرد اخته و جلوی این سیر استادگی نکردند در این زمینه برخورد‌های انفعالی و عدم مقاومت بقدری بود که توطئه‌گران به موفقیت طرح‌های خود اعتماد کرد و محض تا طرح انحلال ستاد انقلاب فرهنگی، جبهه‌های دانشگاهی و انجمن اسلامی هم پیش رفتند.

وقتی از دانشجویان طلب صلاحیت شد به این دلیل که "مسائل سیاسی را فقط مجتهدین می‌فهمند چون سیاست جز دیانت است و دیانت هم خاص فقها و مجتهدین است و نیز اینکه دانشجویان فقط باید درس بخوانند و تکلیف دانشجویی و وظیفه شرعی اش درس خواندن است و... منجر به روابطی گردید که دانشجویان گریزان از تخصص به سمت تعهد راه دام تخصص‌گرائی منتهی از وجه دیگری انداخت. که میگفت همانطور که مریض به دکتر احتیاج دارد، مقلد هم به مقلد نیاز دارد. و رابطه‌ها را تقلید صرف می‌دیدند. بعنوان مثال تبعیت از رئیس - دانشگاه بمنزله تبعیت از ولایت فقیه قلمداد میکردید و حجت الاسلام احمدی این مطلب را در سمیناری ذکر کرده بود. یا نماینده آیه‌الله منتظری در دانشگاه صنعتی شریف گفته بود در انجامن ولی فقیه هستم و نباید بدون اجازه من آب روی زمین ریخته شود.

و بار در دانشگاه شهید بهشتی آقای سید محسن موسوی تهریزی انجمن اسلامی سابق را منحل اعلام کرده و عده‌ای جدید را بعنوان انجمن اسلامی تعیین کرده بود با این اعتقاد که نهایتی وارد در مسائل سیاسی شوند.

دانشجویان در مقابل این سیر خرنده و منطقی‌های آن از خود مقاومتی نشان ندانند تا کار به حرکت‌های اخیر رسید و عمق توطئه برایشان روشن گردید. وقتی انحلال ستاد انقلاب فرهنگی، انجمن اسلامی، و جبهه دانشجویان مطرح گردید، سعی کردند جلوی این سیر را بگیرند.

البته در این سیر جدید بیداری، مواضع امام نقی‌اساسی و اصلی را داشت.

نصرت اسلامی دانشگاه

مسابقات

و توبه شاه مقدس می‌شود برای کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد چنانچه بر اساس همین حق و توبه شاه نتوانست بایک فرمان دستور عزل دکترومصدق را از بعد از صادر کردن بنا بر این دادن اختیارات در حق توبه شاه توسط مجلس موسسان رونق داد این پیشنهاد قانونی به کودتای ۲۸ مرداد بود به همین خاطر دکترومصدق مخالفت شدیدی با تشکیل مجلس موسسان نمود و توطئه‌ای را که از تشکیل این مجلس منظور بود را افشا کرد ولی با این همه مجلس موسسان تشکیل گردید اکنون اشاره‌ای به مواضع دکترومصدق در رابطه با این حق و توبه می‌کنیم.

... در دوره پیکتاتوری مجلسین هر دو تحت امر شاه بودند و از خود اراده‌ای نداشتند به همین جهت تعدی در حق و توبه شاه صورت نگرفت در یک جلسه بدون بحث و شور و بدون اینکه کسی اعتراضی و یا اشکالی کند از تصویب مجلس گذشت ...

(ص ۵۰۰ دکترومصدق در محکمه نظامی)

مجلس مزبور (موسسان) کار خوبی نکرد که حق انحلال مجلسین را بدون هیچ قصد و شرط تقویض اعلیحضرت کرد چه ممکن است وقتی آنها خواهند تصمیماتی بر علیه مداخلات دولتی گرفته اتخاذ کنند و این دولتها و سایر آنها که در انحلال مجلسین را بخواهند یا اعلیحضرت با آنها موافقت می‌فرماید که در اینصورت کاری بر خلاف مصالح مملکت شده و باین فرماید و آنها به انتظار روزی که تلافی کنند می‌مانند ...

(از فرامینات دکترومصدق در دادگاه نظامی)

این سخنان نشانگر این است که دکترومصدق به جوهر حق و توبه توجه داشت و آن این بود که با دادن همچون اختیاراتی به شاه هر کسی که شاه شود دستش برای هر توطئه‌ای علیه نهضت ملی باز خواهد بود چنانچه همین اختیارات دست شاه را در عزل دکترومصدق از نخست وزیری در ۲۸ مرداد باز گذاشت و به کودتای ۲۸ مرداد منجر گردید.

با عبرت گیری از این واقعه در شرایط کنونی، ما باید نظام اسلامی را بطوری بسازیم که اگر مسئولی کجروی‌ای داشت ولی فقیه و مجلس و قوه قضائیه بتوانند ترمزش باشند.

امید داریم در مشخص کردن مرز اختیارات ریاست جمهوری و نخست وزیر در معرفی کردن وزراء به مجلس به این ظرافت توجه گردد تا بتواند قانونی در از مدتی باشد برای حفظ و استمرار ارزشهای نهضت اسلامی در نظام جمهوری اسلامی.

چهارم - عمده کردن تضادهای فرعی

نام ۳۰ تیر و شعار فرعی محاکمه قوام:

از میان اعمال صالحی که وجود دارد در هر زمانی یک عمل صالحترین است. فعال شدن در آن عمل بیشترین رشد را برای ما داشته و بیشترین ضرر را به باطل خواهد زد.

در یک زمان ملی کردن صنعت نفت صالحترین عمل زمان بود و در یک زمان تحریم تنباکو و در شرایط کنونی نیز جنگ اسلام و کفر صالحترین عمل زمان است.

قیام ۳۰ تیر روایق قیامی بود علیه دهر شاه که بایگانه‌های داخلی انگلیس بودند و دستاورد داشت یکی گرفتن پست وزارت جنگ از شاه که مبارزه‌ای بود با شاه و دوم گرفتن اختیارات ۶ ماهه از مجلس که در ریزی بود با

دربار زیرا اکثر نمایندگان مجلس دوره هفده از عناصر وابسته به انگلیس بودند و در برابر اصلاحات داخلی دکترومصدق که با دربار اصطکاک داشت کارشکنی میکردند به همین خاطر دکترومصدق تقاضای اختیارات ۶ ماهه برای انجام اصلاحات داخلی را نمود که با مخالفت مجلس روبرو گردید ولی با قیام ۳۰ تیر به آن دست یافت پس از قیام ۳۰ تیر صالحترین عمل مبارزه با دهر بود که مرکز تمام توطئه‌ها علیه نهضت ملی محسوب میشد منتهی دستهای مرموزی چون دکترومصدق پس از قیام ۳۰ تیر شعار فرعی محاکمه قوام را عمده کردند تا قیام مردم را علیه دهر و سلطنت بود منحرف کنند در صورتی که در ۳۰ تیر دستور آتش را شاه داده بود و کسانی که دستور آتش را اجرا کردند عناصر وابسته به انگلیس بودند که مرکز توطئه‌هاشان دربار بود و اگر مبارزه علیه دهر را راه میافتد قوام نیز به سزای خیانتش میرسد متأسفانه عدالت از موضع سادماندیشی به دام این شعار مرموز افتادند و در عمده کردن این شعار تا جایی پیش رفتند که حتی با زاهدی کودتاچی روابطشان نزد یکدیگر رابطه‌اشان با دکترومصدق گردید و زاهدی انگلیسی را به دکترومصدق ترجیح دادند و کودتای ۲۸ مرداد را تأیید کرده و آنرا نتیجه عدل خدا دانستند.

اگر تمام نارسی‌ها را از موضع فقر بینشی بدانیم توطئه‌ها را درک نخواهیم کرد و نسبت به دستهای مرموز سادماندیش نخواهیم شد و اگر همه را از موضع وابستگی و توطئه‌گری بدانیم به تضاد خصمانه با انقلاب کشیده میشویم.

اصول انقلاب ملاک مرز بندی این دوجریان است دستهای مرموز کسانی هستند که این اصول را آگاهانه زیر پا میگذارند - مثلا رژیم کودتا بعد از ۲۸ مرداد ۲۲ بلافاصله با انعقاد قرارداد کنسرسیوم و اصل ملی شدن صنعت نفت را از موضع وابستگی زیر پا گذاشت

بنابراین دستهای مرموز بین انگیزه و روش باطلشان انسجام دارند ولی عناصر سادماندیش علی‌رغم اعمال بعضی شیوه‌های غیر اصولی دارای نیتی انقلابی بود و برای خدمت به انقلاب به دلیل فقر بینشی به دام این شیوه‌ها میافتند.

اگر جریان توطئه‌گر را از جریانی که نارسی‌ها پیش از موضع وابستگی نیست مرز بندی نکنیم خزندگی کودتا را در تحولات تدریجی درک نخواهیم کرد و نادانسته خود نیز در رخط کودتای خزنده قرار گرفته و مرتجع شیطان خواهیم شد.

در نهضت ملی نیز بر هم زدن مرز بندی بین

یکی از توطئه‌های مرموز این است که با عمده کردن تضادهای فرعی نیروهای انقلاب را از تضاد اصلی و صالحترین عمل زمان غافل کرده و ضربه کاری اش را در جنبه اصلی به نیروهای انقلاب وارد آورد.

این دوجریان یکی از شیوه‌های مرموز کودتا بود و نشان ملاکی برای مرز بندی این دوجریان باعث شد که عدالتی از فدائیان اسلام از موضع سادماندیشی حتی به ترور دکترومصدق کشیده شوند و فاطمی را که به دست عناصر کودتا شهید شد و یار وفادار دکترومصدق در نهضت ملی شدن صنعت نفت و مبارزات ضد استعماری بود عنصر وابسته‌ای تلقی کرده و نادانسته به کادری که در نهضت ملی دست بزنند پشت این سادماندیشی یک توطئه‌ای نیز قرار داشت که برای روشن شدن آن به سیری که منجر به ترور دکترومصدق گردید اشاره می‌کنیم که از دستگیری شهید نواب صفوی در تاریخ ۴ خرداد سال ۳۰ یعنی درست یک ماه بعد از نخست وزیری دکترومصدق شروع میشود.

الف) رابطه دستگیری شهید نواب صفوی و ترور دکترومصدق:

نواب صفوی چندین سال قبل در شهرستان ساری به اثر نطق شدیدی که در میان جمعیت نموده بود مردم به هیجان آمده و به خیابانها ریخته و شیشه‌های مشروب را در بعضی مغازه‌های مشروب فروشی شکسته بودند، در اثر شکایت مشروب فروشها پرونده‌ای در رابطه با نواب صفوی تشکیل شد به طوری که در این رابطه وی دستگیر شده و ولی در زند تکتوانی آزاد میشود و پرونده فوق بدون رسیدگی باز میماند، در زمانی که یک ماه از نخست وزیری دکترومصدق گذشته است این پرونده توسط دستهای مرموزی به جریان می‌افتد و نواب صفوی دستگیر میگردد هدف دستهای مرموز از این حرکت تشدید تضاد

فدائیان اسلام با حکومت دکترومصدق و قرار دادن دکترومصدق در یک دوراهی بود بدین صورت که اگر دستگیری نواب را تأیید میکرد تضادش با فدائیان اسلام تشدید میشد و اگر باین دستگیری مخالفت مینمود حرکتی غیر قانونی مرتکب شده بود و بطور زودرس تضاد مجلس با دکترومصدق تشدید میشد و رهبر در صورت مسائل داخلی عمده گردیده و توان داخلی در رابطه با ملی کردن صنعت نفت و دستگیری با انگلیس پایین می‌آمد دکترومصدق عمل صالح ملی کردن صنعت نفت را رها نکرده و در مورد این حرکت موضعی نگرفت و لیس عدالتی از فدائیان اسلام در قضیه دستگیری شهید نواب صفوی بین توطئه دستهای مرموز با خط مشی دکترومصدق که سکوتش از موضع اضطراب بود مرز بندی نکرد و بجای دستگیری نواب صفوی که عامل دستگیری بود توطئه علیه حکومت ملی توطئه مینمودند با دکترومصدق که در حال مبارزه با استعمار انگلیس و بایگانه‌های داخلی بود دستگیری نواب و تحلیل که دکترومصدق می‌باشد این توطئه و خط دهنده مصدق می‌باشد هنگامی که دکترومصدق بر سر قبر مرحوم محمد سعید روزنامه نگار معروف مشغول سخنرانی بود دست به ترور فاطمی میزنند و اختلافات درون نهضت ملی را که می‌بایست با برخورد های مسالمت آمیز حل گردد از راه سلحشانه حل میکنند در صورتی که تنها تضاد انقلاب با

ضد انقلاب و خلق با استعمار و امپریالیسم با روش سلحشانه و قهر آمیز قابل حل است نه اختلافات داخلی درون نهضت

در شرایط کنونی نیز عدالتی به دلیل مرز بندی نکردن بین نیروهای خط امامی و دستهای مرموز، نیروهای نارسی‌ها را که نارسی‌ها از موضع فقر بینشی می‌باشد را عمده کرده و بجای دستگیری نواب صفوی که دکترومصدق به دستگیری نواب صفوی می‌کنند

ب) ورود هر چه به ایران:

به علت سفر هر چه به ایران اعضای حزب توده در مخالفت با این سفر به خیابانها ریخته و به ورود هر چه اعتراض کردند قوای انتظامی نیز با این تظاهرات برخورد سرکوبگرانه‌ای نمودند که حاصل این دستگیری تعدی کشته و مجروح بود این سرکوب توسط دستهای مرموزی چون سرلشکر زاهدی (وزیر کشور) و سرلشکر بقایی (رئیس شهرتانی) صورت گرفت تا هم تضاد حزب توده با مصدق را بصورت خصمانه در آورد و هم به دلیل اینکه سرکوبگری توسط قوای انتظامی که جزو قوای دولتی محسوب می‌شوند انجام شده و مصدق رئیس دولت است - بود حکومت ملی دکترومصدق حکومتی دیکتاتور و سرکوبگر معرفی گردد و مردم را نسبت به حکومت ملی بدبین نماید چنانچه فردای این روز در مجلس عدالتی از نمایندگان مثل جمال امامی علیه

نهضت توطئه میگردند مصدق را به جرم سرکوب تظاهرات زیر سوال میبرند در صورتی که حاصل سرکوب دستهای مرموزی چون سرلشکر بقایی و زاهدی بود نه دکترومصدق، با این حرکت فتنه انگیزی میخواستند حق و باطل واقعی را مخدوش نموده و حق و باطل کاغذی بسازند پس از این واقعه دکترومصدق زاهدی و بقایی را از کار برکنار نموده و آنها را برای محاکمه تحویل داد گاه میداد

در این توطئه مجلس و دهر دست داشتند

من به نهضتی که ملت ایران برپا کرده بود، آنگاه کردم و در همه جا دولت انگلیس را مغلوب نمودم دکترومصدق

سرکوب توسط عوامل درباری چون زاهدی و بقایی انجام شد و مخدوش کردن مرز حق و باطل توسط دستهای مرموزی در مجلس انجام گردید که مصدق را مسئول این سرکوب معرفی نمودند و کثرت صدق طی دافعیاتش در دادگاه نظامی به این دو هیاتگه انگلیسی یعنی مجلس و دربار به شرح زیر اشاره می کند :

... پس از رسیدن قسولگریهای انگلیسی در تمام ایران دو هیاتگه داشتند یکی مجلس شورای ملی بود و دیگری دربار با انحلال مجلس ۱۷ دولت از سر توطئه های مجلس خلاص شد و مجلس دیگر نمیتوانست دولت را ساقط کند فقط نقطه ای که ممکن بود دولت را ساقط نماید دربار بود ...

کلیه حرکات مرموزی را که روی میداد به نیروهای خط امام منتسب کرده و آنها را زیر آماج حملات خود میگردد و با دستهای مرموزی که متشابه توطئه ها هستند درگیر نمیشود این تفکر مرتع خوبی برای توطئه دستهای مرموز میباشند توطئه دستهای مرموز این است که اختلافات فکری بین مسئولین را آنقدر عمده و تشدید کند تا این اختلافات تبدیل به برخورد های متناقض و کینه ای شده و کینه نسبت به یکدیگر آنقدر بالا رود که حاکمیت عناصر وابسته با کم کیفیت را به حاکمیت کسانی که سابقه مبارزه داشته و برای انقلاب اسلامی زحمت کشیده اند منتهی ضعیفایی نیز دارند ترجیح دهند چنانچه قبل از کودتای ۲۸ مرداد این اختلافات در بین عناصر ملی آنقدر تشدید شد که تبدیل به کینه گردید و زاهدی کودتاچی به دکتر مصدق استقلال طلب ترجیح داده شد .

در شرایط کنونی "استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی" از اصول اساسی انقلاب اسلامی است و با ملامت این اصل باید عناصری که از موضع وابستگی در حال توطئه هستند درگیر شدند با کسانی که ضعفهایشان از موضع فقر بینشی است .

ج (توطئه طرابلس کردن ایران

چنانچه توضیح داده شد یکی از توطئه های کودتای خزند توطئه طرابلس کردن ایران است یعنی مسائل داخلی را آنقدر تشدید میکند تا برداختن به اختلافات داخلی مقدم بر مبارزه با دشمن مشترک تلقی گردد و این مسئله آنقدر دامن زده شود تا به جایی برسد که امثال زاهدیها به امثال مصدقها ترجیح داده شود میخواهند این اختلافات داخلی را آنقدر دامن بزنند که در بین نیروهای انقلاب این جمع بندی برسد کند که رژیم شاه بهتر از رژیم جمهوری اسلامی بود و اگر امریکای هم بیاید بهتر است از اینکه آخوند ها سرکار باشند ...

حل اختلافات داخلی تنها در گسرو مبارزه مسلحانه و دراز مدت با شیطان بزرگ امکان پذیر است جدای از استراتژی آزادی قدس از طریق کربلا و استمرار جنگ اسلام و کفر نمیتوانیم اختلافات داخلی را حل کنیم امیدواریم کسانی که به جمع بندی سازش رسیده اند از تجربه خوارج و ناکثین در دوران حکومت امام علی (ع) و از تجربه نهضت ملی و تجربه لبنان و سایر تجارب تاریخی عبرت بگیرند و به این نکته اساسی توجه کنند که اگر بدون جهاد اصغر نخواهیم جهاد اکبر کنیم در خط طرابلس کردن ایران قرار

خواهیم گرفت یعنی اگر معتقد باشیم که بدون جنگ اسلام و کفر مبارزه مسلحانه و دراز مدت با امپریالیزم با پایگاه های داخلی اشراعیسم از دستهای مرموز و سرمایه داری وابسته و روابط بوروکراسی هیئتوان درگیر شده درگیریهای داخلی را آنقدر عمده میکنیم و آنقدر کینه هان نسبت به یکدیگر شدت میابد که امپریالیزم فراموش میگردد و حاصل این طرابلسی شدن ، رسیدن به این جمع بندی خواهد بود که اگر یک حکومت آمریکائی سرکار بیاید بهتر از جمهوری اسلامی است با این جمع بندی در خط آن جریان تاریخی قرار خواهیم گرفت که کودتای ۲۸ مرداد را تأیید نمود و زاهدی را به مصدق ترجیح داد و خون شهدا را پایمال خواهد کرد . در طول تاریخ بزرگترین عامل ضربه دهنده نهضتی این بود که مسائل داخلی عمده گردیده و دشمن خارجی فراموش گشت و این سنت الهی که " استمرار جهاد اکبر بدون جهاد اصغر امکان پذیر نیست" زیر پا گذارده شده از طرف دیگر با ماست مالی کردن تضادها هم نمیشود جلوی طرابلسی شدن ایران را گرفت وحدت باید اصولی باشد نه آبکسی ، تضادها را با تعریف و تمجید نمیتوان حل کرد بهترین شیوه برای جلوگیری از طرابلسی شدن ایران ، حل تضادها در دل جنگ اسلام و کفر و تدویم استراتژی آزادی قدس از طریق کربلاست .

ششم - ترور و شکنجه

منشا وجود شیوه های باطل عناصر مرموزی هستند که پایگاه سیاسی استعمار در داخل محسوب میشوند بقول دکتر مصدق که طوسی دافعیاتش در دادگاه نظامی عنوان کرده است استعمار انگلیس پس از اینکه کنسولگری هایش در ایران بسته شد و کارکنان انگلیسی شرکت نفت نیز اخراج گردیدند دو هیاتگه در ایران داشت یکی مجلس بود و دیگری دربار . مجلس هفدهم که توسط حمایت مردم منحل شده تنهاد دربار ماند که علیه حکومت مصدق کودتا کرد منتهی قبل از وقوع کودتای ۲۸ مرداد سختی هایی که عده ای از نیروهای نهضت ملی با این عناصر مرموز داشتند تزکیه میکردید آنهضت ملی آنقدر رشد میکرد که کودتا نمیتوانست پایگیرد ولی عده ای چون دکتر مظفر بقایی آنقدر شیوه های غلط برخورد شان با تضادها را استمرار دادند که از نهضت ملی جدا شده و برای پیروزی کودتا در تماسی مستقیم با سفارت آمریکا قرار گرفتند و خود بعنوان یک دست مرموز علیه نهضت ملی توطئه کردند طوری که پس از قیام ۳۰ تیر توطئه این دسته های مرموز به اوج خود رسیدند در زیره نمونه ای از توطئه این دستهای مرموز که در هماهنگی کامل با کودتای ۲۸ مرداد بود اشاره میکنیم توطئه شهادت افشارطوس :

در اوائل سال ۱۳۳۱ در منزل سرهنگ ستاد محمود افشارطوس اساس تشکیلات گروهی بنام " سازمان " گروه ملی تشکیل شد این سازمان ابتدا به نام گروه "افسران ناسیونالیست" بوجود آمد و سپس توسعه پیدا کرد . و نام گروه "سربازان ناسیونالیست" و آنگاه "سازمان گروه ملی" را بخود گرفت در جلسات اولیه ای که افسران این سازمان با هم داشتند بر سر شیوه مبارزه با فساد دایره کارگزیی ارتش از قبیل ترفیع درجه در قبال رشوه و ... بحث شد و به این نتیجه رسیدند که ریشه این مشکلات در رژیم سلطنتی و شخص شاه می باشد سپس اساسنامه سازمان را تدوین کردند و کثرت مصدق را در جریان

کارشان قرار دادند و پیشنهاد انتزاع اختیار اداری دستگاههای انتظامی از شاه و قسرار دادن آن در دست نخست وزیر را به مصدق دادند زیرا این عده معتقد بودند تا وقتی که شاه حاکم بر دستگاههای انتظامی است با طرح یک کودتای فرمایشی توسط ارتش نمیتواند هر نخست وزیری را ساقط کند بنا بر این هیچ نخست وزیری عملاً قادر نیست یک کار اساسی علیه میل شاه انجام دهد و کثرت مصدق نیز این تحلیل را قبول داشت و پیشنهاد گرفتن پست وزارت جنگ از شاه و اعطای اختیارات شش ماهه برای اصلاحات داخلی از طرف مجلس به خود را نمود . ولی شاه و مجلس با وی مخالفت نمودند ، مصدق نیز استعفا داد و با قیام ۳۰ تیر دوباره بر سر کار آمده و نهضت ملی ایران به دو ستاورد تاریخی نیروی دست یافت روز قبل از ۳۰ تیر شاه فرمان آتش و قتل عام راه و اخذ های انتظامی صادر کرده بود ولی افسران "گروه ملی" با توجه به نفوذی که در ارتش داشتند در روز ۳۰ تیر از این فرمان سرپیچی کردند و پس از ۳۰ تیر خطشان این بود که عناصر وابسته را در ارتش تصفیه کنند زیرا در غیر این صورت این عناصر به خاطر اینکه درجات بالاتری در ارتش داشتند میتوانستند افسران "گروه ملی" را به دلیل سرپیچی از دستور شاه محاکمه نمایند به همین خاطر تصفیه عناصر وابسته شروع شد به طوری که شهید افشارطوس که پس از ۳۰ تیر ۳۳۱ رئیس شهربانی حکومت طوسی شده بود لیستی از عناصر وابسته به ارتش تهیه کرده بود و میخواست این لیست را افشا کرده و آنها را با خطا طر جنایتی که کرده بودند محاکمه نماید افراد این لیست اکثر اجزای کودتاچیان ۲۸ مرداد بودند منتهی بدلیل نفوذی که افراد ی چون حسین آزموه و ... در بین افسران "گروه ملی" داشتند از این موضع مطلع شده و تصمیم به ترور افشارطوس میگرفتند که طرح اینکار توسط دکتر مظفر بقایی ریخته میشود و کثرت بقایی با همکاری سرتیپهای بازنشسته ارتش که جزو عناصر تصفیه شده توسط

بقیه از صفحه ۸

سیر تحول فکری مجاهدین

۱- عدم تبیین مسئولیت انسان

در این تعریف از آنجا که اعمال انسان ناشی از محیط انسان بوده ، نه میتوان از کسی انتظار مسئولیت داشت ، و نه میتوانیم به خودمان و کسی دیگر انتقاد کنیم و نه در شرایط سخت زیر شکنجه میتوان مقاومت کرد .

۲- عدم تبیین مبارزه و پیشناز

از آنجا که این مکتب منشا آگاهی را محیط خارج میدانند لذا با این تعریف یک مارکسیست باید صبر کند تا شرایط برای مبارزه آماده شود ، و به نقش "شرایط ساز" "حشکن" ، "جوشکن" و "شکافندگی" انسان توجه ندارد و مبادا موج بودن انسان را نمی تواند تبیین کند و اگر مارکسیست با علت اخلاق مذهبی و فطری خود و خانواده شان به نقش انسان معتقد میشوند ربطی به اساس فلسفه و روش شناخت آنها ندارد .

سازمان گروه ملی بود و افشا رطوس را برود و پس از شکنجه در وزارت تلو به شهادت میرسانند چند روز پس از این ترور کودتای ۲۸ مرداد و سپهر ۲۸ مرداد صورت میگردد ترور فوق یک توطئه توسط دستهای مرموز در برخورد خصمانه و براندازها عناصر انقلاب بود .

دستهای مرموز زمانی جرات اینگونه اقدامات را یافتند که متاسفانه قبح آن توسط برخی از عناصر رسد انداختن نهضت ملی ریخته شده بود .

امیدواریم در شرایط کنونی جریانهایی که به مهندس موسوی رای مثبت نداده اند دولت ایشان را در رقیع مشکلات و نارساییها کمک کنند تا از این طریق اختلافاتشان بطور اصولی حل شود زیرا تضعیف دولت بقرار گرفتن در خط توطئه بوده و نهایتاً بسود دشمن خواهد انجامید بقول امام خمینی شیوه برخورد با اختلافات باید اسلامی باشد یعنی از هر شیوه ای نمیتوانیم برای رسیدن به اهداف خود استفاده نمائیم در غیر این صورت مرتع شیطان بزرگ خواهیم شد .

از قیام ۳۰ تیر تا کودتای ۲۸ مرداد

در قیام ۳۰ تیر هنگامی که شاه و دربار و مجلس دوره هفدهم در برابر خواستهای مصدق ایستادند با قیام ۲۸ مرداد مواجه شده و عقب نشستند ولی در ۲۸ مرداد وقتی علیه حکومت ملی دکتر مصدق کودتا کردند آب از آب تکان نخورد در عرض این یک سال چه تحولاتی روی داده بود که چنین شد ؟ آیا باطل تقویت شده بود ؟ آیا مردم متفعل شده بودند ؟ آیا حکومت طوسی بی کفایت و نالایق بود ؟

واقع این است که در قیام ۳۰ تیر نهضت ملی از آنچنان انسجام برخوردار بود که و قسرها با حرکت شبه کودتای شاه و مجلس و دربار و بر سر ضربه کاری به آنها زد ولی در طی این

بقیه در صفحه ۳۱

۳- عدم تبیین ازلیت و ابدیت ماده

یکی از ارکان ماتریالیزم فلسفی اعتقاد به ازلیت و ابدیت ماده است . مارکسیستها این اعتقاد را بصورت پیش فرض ایمانی قبول دارند . وقتی از آنها سؤال میشود شما که تعریف شناخت را انعکاس جهان خارج در ذهن میدانید ، مفهوم ازلیت و ابدیت ماده چگونه در ذهن شما منعکس شده در حالی که عمر محدودی بیش ندارید ؟ یا حداکثر اگر عمرتان به اندازه طول تاریخ باشد با زهم در رابطه با ازلیت و ابدیت چیز کمی بیش نیست ، به یقین جواب و پاسخی موجود نیست

۴- تطبیق با محیط یا انعکاس محیط یک نوع عقبگرد و ارتجاع است

از آنجا که انسان همیشه پیش از تکامل است ، لذا تبعیت از شرایط یک نوع عقبگرد و ارتجاع است . در تفسیر "صراط المستقیم" از سوره حمد بپرتوی از قرآن ، مرحوم آیت الله طالقانی دقیقاً توضیح داده اند که بدون ایمان به حرکت ذاتی جوهری نمیتوان رشد و تکامل عقلی را تبیین کرد .

بعلت کمبودها ، تعریف شناخت مستخرج از آموزشهای حوزه های علمیه و سیر تحول آن در سازمان را در شماره بعد بررسی مینمائیم ادامه دارد

دشمنان انقلاب میگویند . قدس را رها کن تا درآمد نفت داشته باشی

نوشته گری از نهج البلاغه

زندگی خروی تحقق جنت در دنیا

در این فراز آمده است که جهاد دری از رهای بهشت است که بر روی بندگان خاص و مخلصین در گامها زشده است برخی وعده رسیدن به بهشت را تنها در پایان تاریخ می دهند اما بهشت علاوه بر حق بودن عینی و ملموس است و در هر زمانی بطور مراتبی امکان پذیر و قابل تحقق است جنت در هر لحظه در هر مرحله در هر تغییر تدبیری و در هر گامی وجود دارد تحقق مراتبی جنت همان زندگی اخروی است که در هر مکان و زمانی عینیت دارد امام حسین (ع) در روز عاشورا عالی ترین شکل زندگی اخروی را تحقق داد اصاصادق (ع) می گوید کل ارضی کربلا و گل بوم عاشورا حال نیز رزمندگان جان برک و گربلایی ما این اولیا خاص خدا در جبهه های جنگ در راه عشق به لقاء الله از جان مال خود دریغ ندارند و خانوادها هم آنان در زیر بمبارانهای مناطق مسکونی توسط صدام یعنی مقاومت می کنند و باتدارک نیازهای جبهه زندگی اخروی را در لحظه لحظه زندگی شان عینیت می دهند و نه تنها سختی آنها را از راه بدر نمی کنند بلکه چون هدف سختی و مقاومتشان انجام تکلیف الهی است آرامش پویا و نشاط و آید یگی هم بهد می کنند اینان در این دنیا هم در جنت بسر میبرند

وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى

جهاد لباس تقوا است

تقوا از ماده وقایه (وقی) آمده است یعنی نگه داشتن و اینکه انسان خود را از معصیت ها و چیزهایی که خلاف نظر خداست حفظ نماید جهاد لباسی است که آن لباس عبارت است از تقوی لباس تقوی معنایش این است که انسان اگر تقوی داشته باشد تقوی بهترین لباس است که انسان را از معصیت حفظ می کند آنوقت بالاترین مرحله تقوا جهاد است برای اینکه آدمی که از جان و مالش بگذرد این دیگر بهد است که در مقابل باطل جقدر ایستادگی دارد و در عین حال جهاد لباسی است بر تقوا و لباسی است برای حفظ اهل تقوا جهاد عامل وحدت و گرد هم آورنده متقیین است و به میزان سستی و عدم بسیج در جهاد شیروهای حق از یکدیگر جدا شده و مشتت میگردند می بینیم که هر جقدر جو بسیج و جهاد در شهری جبهه بالاتر رود به میزان وحدت درونی مردم بسیج از شهر به جبهه افزوده می گردد و بالعکس

تقوا و تقیه در عمل صالح

در رابطه با تقوی یا به عبارت دیگر تقیه دو دیدگاه وجود دارد دیدگاه اول تقیه را مقاومت و استتار و مخفی کاری با شیوهای اسلامی می داند مرحوم طیبی شبستری تقیه را مبارزه مخفی دانسته و شهید بهشتی تقیه را حفظ نیرو می داند و میگوید: تقیه عمل آن مجاهدی است که در زیر شکنجه چیزی را ندهد و امام (ع) تقیه را حفظ ایمان می داند تقوا و تقیه در عمل صالح است که معنای پیدا میکند حفظ ایمان تنها در جهاد و در ننگ داشتن حرمت خدا انجام پذیر است شهید کاظم زوالا نوار برای اینکه از تقوی خود حفاظت کند و ضربه به رژیم بزند بطوری بارزیم برخورد کرده بود که او را ساده اندیش کرد و نه تنها به مراتب سازمانی او نبرده بودند بلکه او صهره های اوک را شناسایی کرده و به بیرون فرستاد و با بهلول که یکی از نزدیکترین اصحاب امام جعفر صادق (ع) بود با شناختی که از رژیم و نقطه ضعفهای آن داشت بدون حساس کردن رژیم نسبت به خودش به گسترش نهضت امام مشغول بود در حالیکه دشمن کور او را بیوانه می پنداشت تحقق تقیه در جبهه های جنگ بدانگونه است که رزمندگان ما با شناختی که از موقعیت خود و دشمن دارند مخفی کاری کرده و با نگارگری شیوه های ظرفیت دشمن را نسبت موقعیت نیروهای خودی امکانات و نقل و انتقالات فراهم کردن شرایط حمله و زمان آن و ... ساده اندیش می کنند

برخی وعده رسیدن به

بهشت را تنها در پایان

تاریخ میدهند اما بهشت

علاوه بر حق بودن عینی

و ملموس است

تحقق دیگر تقیه در جبهه های جنگ آن است که عملیاتیهای ما تا بدانجا بی امان و سرتاسری باشد که دشمن نتوان جمع بندی اطلاعات را داشته باشد و هر اطلاعاتی که از ما به او برسد کهنه و سوخته باشد این شکل عملیات بهترین شکل استتار و حفاظت برای نیروهای ما در سرتاسر جبهه هاست به قول شهید محمد آقا حنیف نژاد بهترین راه حفظ مسائل امنیتی شتاب در تکامل است

تقوا و تقیه در فرهنگ طلبانه

جمع تقوا داشتن را در تقیه کردن می دانند و تقیه را حفظ نیرو از موضع عافیت طلبانه برای دورنگ داشتن خود از جهاد و جنگ و جبهه می دانند از این رو یاد ایر کردن کلاس در سو خواندن نماز شب و انجام ظاهری تکالیف مذهبی خود را محدود می کنند و کاری به تضاد اصلی جامعه و مبارزه ندارند و با کسب علم و دانش بد و از عمل صالح در صد در صد صرف پستیهای

کلیدی بر سر آیند (چون انجمن حجتیه) ویا در صد فراهم کردن زندگی بی دغدغه و آرامی که حفظ خودشان را هم بدنبال دارد می شوند در حالیکه امام علی (ع) می گویند حفظ تقوا و دوری از معصیت تنها در جهاد است و با شرکت و کمک به جنگ اسلام و کفر است که انسان از معصیت پاک می شود و ارزشهای انسانیش با روری می گردد امام خمینی می فرماید: جمهوری اسلامی را جهاد جوانان است که نگه داشته و حفظ می کند بنابراین متقی ترین انسانها همین رزمندگان هستند که با مال و جان خود در جبهه جهاد می کنند

در روز قدس که مردم همه شهرها زیر بمباران هوایی صدام شهرها را نه تنها خالی نکردند بلکه شعار "جنگ" جنگ

در روز قدس دیدیم که مردم مابدون داشتن زره فولادین و سلاح پیچیده به خیابانها آمدند چرا که حافظ شان خدا بوده و آنها با آمدنشان زره الهی پوشیدند هم خودشان را حفظ کردند و هم آینده انقلاب را بیمه کردند

تا پیروزی "سردارند" این مقاومت همان حفظ تقوا در جهاد است

وِزِعَ اللَّهُ الْحَصِينَةَ

جهاد زره محکم خداست

زره را می پوشند برای اینکه محفوظ باشند اگر می خواهیم ملت محفوظی باشیم باید اهل جهاد باشیم تا استقلال کشورمان محفوظ باشد آن زره محکم که حافظ ما باشد جهاد است در روز قدس دیدیم که مردم ما بدون داشتن زره فولادین و سلاحهای پیچیده به خیابانها آمدند چرا که حافظ شان خدا بود و آنها با آمدنشان زره الهی پوشیدند هم خودشان را حفظ کردند و هم آینده انقلاب را بیمه کردند

دیدیم که صدام با دیدن این جمعیت بمباران مناطق مسکونی را قطع کرد چرا که دید هرچه بیشتر فشار بیاورد مردم آید و تر و مقاومت می شوند همچنین در مورد حفظ ثبات و امنیت

انقلاب در نظریه وجود دارد یک نظریه معتقد است ما باید حرکتی بکنیم که منطقه و امپریالیسم به روی ما حساس شوند و در رزون خودمان مشغول کار اقتصادی و فرهنگی باشیم و حمایت از فلسطین و مسلمانان را کنار بگذاریم این باور و نگاه باید همیشه در مقابل ابر قدرتها محتاط و محافظه کار باشیم جریان دیگر امنیت انقلاب را زمانی می داند که انقلاب بزرگی الهی (درع الله الحصینه) به تن کرده باشد یعنی زمانی که انقلاب زره شیوه های اسلامی زره آزادی قدر زره صدور انقلاب را به تن کرده باشد ثبات الهی انقلاب در حفظ فرهنگ شیعه است فرهنگی که می گوید خون بر شمشیر پیروز است

اقلیت حق بر اکثریت باطل پیروز است در فرهنگ شیعه با الله اکبر و سلاح خود کفا و بسیج توده ها همان زره الهی هستند به جنگ سلاحهای پیچیده دشمن می رویم فرهنگ شیعه به دنبال شرایب شهادت جان برکفی شجاعت و استقلال را دارد و غرب سعی دارد این فرهنگ را خفه کند و به جای فرهنگ و باستانی و تکیه به سلاحهای پیچیده و نفت را جایگزین کند که اینها زرهی شیطانی هستند و وابستگی مستضعفین به غرب را بدنبال دارند بنابراین باید سعی کنیم در شیوه های جنگی مان فرهنگ شیعه را تحقق دهیم

وَجَنَّةُ الْوَيْقَةِ

و سپر محکم خداست

سپر را می گرفتند برای اینکه مقابل اسلحه دشمن محفوظ باشند جنت یعنی آن سپر محکم که خدا قرار داده است برای شما در مقابل آن دشمن حالت جهادی دارد اگر جهاد کردی

آنجا که جمهوری اسلامی را حفظ می کند خون پاک جوانان است که در جبهه جنگ می کنند و جهاد می کنند پسر سپر محکم تقوا و اهل تقوا و اسلام و جمهوری اسلامی جهاد مجاهدین است

ادامه دارد

(۱) رجوع شود به کتاب کشف الاسرار

بقیه از صفحه ۳۰

شیوه های مردم کودتا

یکساله تا ۲۸ مرداد باشد تفرقه در جبهه ملی در حرکتها پس چون قضیه بانک بین السطل قضیه تقاضای اختیارات یکساله توطئه دستهای مرموز و ساده اندیشی عده ای از نیروهای نهضت ملی در رابطه با عده کردن شعار امنیت و تولید و کار و مسکن و مبارزه با کمونیسم و رایج شدن شیوه های غیر اصولی که به شه های از آنها اشاره کردید انجمن فتنه ای ایجاد شد که مرز بندی حق و باطل و درک خزندگی کودتا ۲۸ مرداد بسیار مشکل گردید

پس از کودتا تنها کرم صدق تبعید گردیده و در کثرت اعدام شد بقیه افراد کابینه سلطنت شاه را تأیید کردند و افرادی که زمانی در کنار کرم صدق بودند کودتای ۲۸ مرداد را نتیجه عدل خداوند دانستند و از آن تمجید نمودند این تفرقه و اختلاف آرا در ۲۳ تیر وجود نداشت و همین دلیل توطئه خنثی شد در ۳۰ تیر آیه الله کاشانی برای ساقط کردن قوام مردم راه قیام فرا خواند ولی در ۲۸ مرداد کودتا تأیید نمود دکتر شایگان و سرتیپ ریاحی و دکتر صدیقی و اکثر افراد کابینه کرم صدق جز خود وی و دکتر فاطمی سلطنت شاه را تأیید کردند و بجای افشای کودتا و مبارزه با آن در صد تیر خود از آنها ماتمی که کودتاگران زده بودند برآمدند تا آزاد شوند اگر این اختلافات نبود با مشخص شدن مرز حق و باطل خزندگی کودتا درک میشد و کودتای ۲۸ مرداد بشتر نمی رسید

امید داریم نیروهای انقلاب وحدت کلمه بر سر آزادی قدس از طریق کربلا و رهبری امام خمینی و جانشینی آیه الله منتظری را بطور مستمر حفظ نمایند تا هر توطئه ای در نطفه خفه گردد والسلام

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است

امام خمینی

خطبه ۲۷

نوشته گیری از نهج البلاغه

با استفاده از سلسله درسهای آیت الله العظمی منتظری

جهاد

مطالب داخل گیومه نظریات فقهیه عالیقدر آیت الله منتظری می باشد.



راتحمل کرده و فاغز خاک ایران که به مثابه دافع از اسلام است بر همه مسلمین واجب است و هیچکس نمی تواند توجیه و پنهانهای برای عدم شرکت در امر دافع بیاورد.

حنگهای اسلام همه دفاع از مسلمین است

از آنجایی که جنگهای اسلام همه حالت دفاعی دارند چه جنگی که برای بسط و توحید باشد و چه جنگی که برای بسط عدالت و مستضعفین باشد هر دو از حقوق مستضعفین دفاع می کنند و لذا اجوه هر دو قسم جهاد یعنی جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی فاغز از مستضعفین است. مستضعفین معنایش ضعیفان نیست بلکه مستضعفین مردمانی هستند که از لحاظ عقل و عاطفه قوی اند اما مستگیرین اینهارا به استضعاف کشیده اند. استضعاف سبب استفعال است. یعنی مستگیرین طلب ضعیفانها را کرده اند. عقل و منطق می گوید باید در مقابل زورگویان که حق و عدالت را می خواهند پایمال کنند باید ایستادگی داشت. خداوند هم موجودات را در عالم جهاد دفاعی مجهز کرده از پیغمبر اکرم (ص) روایت شده است که "من سمع رجلا ینادی یا لل مسلمین فلم یجبه فلیرم مسلم" اگر بشنود مردی را که مسلمانها را صدا می زند و استعداد می طلبد از مسلمانها و جواب آن را ندهد مسلمان نیستید. اگر برادران مسلمان مادر گلستان و افغانستان و لبنان و هر کجای دیگر گرفتار باشند و از مسلمین جهان استعداد کنند و ساکت بنشینند، مسلمان نیستیم.

گشود هاست. "تعریف و اژه جهاد" جهاد از جهاد می آید به معنای سعی و کوشش یعنی وارد کردن خود بر مشقت یا تلاش توأم با رنج، لازم به تذکر است که هر تلاش توأم با رنجی جهاد گفته نمی شود بلکه جهاد تلاش فی سبیل الله و در جهت رضای خدا می باشد. جهاد جنگ است در راه خدا جنگی که در آن شوق و نیاز به شرکت در عمل صالح جای اجبار و تحمیل

سهمیان بن عوف تامدی پس از رسیدن به شهر انبار حسان بن حسان بگری را که نمایند ه امام در انبار بود پشهادت رسانده و جان و مال مردم را مورد تجاوز قرار داد وحتی به زنان مسلمان و غیر مسلمان رحم نکرد و گوشواره هایشان در حالیکه آنان از سی پناهی التماس می کردند از گوشهایشان می کشید. این اخبار به گوش امام رسید و دل ایشان را بدرد آورد. سپس امام در حالیکه از مردم و پنهانهای آنان نسبت به امر جهاد اظهار نگرانی می کردند این خطبه را بیان فرمودند.

«وَمِنْ خُطْبَةٍ لِيَوْمِ عَابَةَ السَّلَامِ»
أَمَّا بَعْدُ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ عَذَابَ اللَّهِ الْكَبِيرِ
أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى الْقَتْلِ، وَيُرِغُونَ فِي الْقَتْلِ، وَيَجْنُونَ الْوَيْبَةَ

بسم الله الرحمن الرحيم
در این برداشته از سلسله درسهای آیت الله منتظری استفاده شده است. در این شماره برآنیم تا از فراز اول خطبه ۲۷ نوشته گیری کنیم. این خطبه در رابطه با جهاد می باشد.

تحقق نمک ترقیه درجه های جنگ آن است که عملیات ای ماتبانجا بی امان و سرتاسری باشد که دشمن توان جمع بندی اطلاعات رانداشته باشد و هر اطلاعی که از مابه او برسد کهنه و سوخته باشد این مثل عملیات بهترین شکل استتار و حفاظ برای نیروهای ما در سرتاسر جبهه هاست. به قول شهید محمداقا حنیف نژاد بهترین راه حفظ مسائل امنیتی شباب در تکامل است.

"موقعیت خطبه"
معاویه برای فلج کردن حکومت امام علی (ع) و تصرف کوفه که مرکز حکومت مسلمین بود تصمیم گرفت با تجاوز و غارت شهرهای تحت حکومت امام، مردم آن شهرها را از حکومت امام علی برورگردان ساخت و زمانی که مردم از اطراف امام پراکنده شدند نو علی ماند و حوض شایک یورش به کوفه حکومت را ساقط کند. از این رو بشر بن ابی ارتاب را با ۳ هزار نیرو بطرف شهرهای شام، یمن، مکه، مدینه، طائف، و بخر. ان فرستاد و پیش از سی هزار نفر از مسلمین را از لبه تیغ گذرانده، سپس سفیان بن عوف تامدی را با ۶ هزار نیرو بطرف شهرهای اطراف فرات چون مدائن، لیب و انبار فرستاد و به نظر او حمله به این شهرها بمنزله حمله به کوفه بود. در عین حال که ظاهرا حمله به کوفه انجام نشده بود.

را می گیرد. "اقسام جهاد" ۱- جهاد ابتدایی ۲- جهاد دفاعی جهاد ابتدایی که به نظر بعضی از علما نیاز به اذن امام معصوم دارد. جهاد دفاعی، بر همه مسلمین واجب است چرا که دفاع امری غیربزی و نظری و عقلی است. در شرایط فعلی که رژیم بعثی صهیونیستی صدام برای سرکوبی انقلاب اسلامی جنگ

نقل شده است که خطبه در او اواخر عمر ایشان گفته شده است.
"أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ"
جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را روی خواص و دوستان خود

روزنامه جمهوری اسلامی ایران
تشریح نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی: ۱۷۱۸۵/۵۴۴
این سی و سومین شماره راه مجاهد است که با اهداف مذکور در آشنی نامه منتشر شده است. کلمه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هرچه سریعتر در اختیار ما قرار دهید. با تشکر، راه مجاهد

پروانه رسمی انتشار راه مجاهد
جمهوری اسلامی ایران
وزارت مشاوره اجتماعی
اداره کل فرهنگ و نشریات
آقای لطف میثمی
توزیع: هر ماهی ۲۰۰۰ کپی در ۲۰۰۰۰ کپی
برای اشتراک، راه مجاهد، پخش میانی، پخش روزی.
توزیع: هر ماهی ۲۰۰۰ کپی در ۲۰۰۰۰ کپی
و شماره: ۲۰۰۰ کپی در ۲۰۰۰۰ کپی
بناهای دولتی، پیمانهای قراردادی و غیره میسرند.
از: کمیته انتشارات
پ. م. خیابان ولیعصر

نخبة اشتراک
از کلمه برادران و خواهان که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بهای اشتراک:
۶۲ شماره ۸۰۰ ریال
۶ شماره ۴۰۰ ریال
لطفا وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید امام خمینی